

روزنامه ۲۰ صفا

تحقیقات کوشانی

علمی - تاریخی و تحقیقی



شماره اول سال پنجم سرطان ۱۳۶۱



درين شماره

* سكه‌هاي قبل از اسلام دره وزير
هرات

مترجم : امين حكيم

* مهاجرت يوجي (تخاري) ها
در باختر

تبع و نگارش : خلمي حيدزي

* نكاهي مختصر بر گستره امپرا
طوري كوشاني

تبع و نگارش : نيك سير

* كجولاكد فيزس او دهغه چول
چول نمونه

دصديق الله عتيق زوي ژباړه

* جام بگرام (فانوس اسكندر
مترجم : عبدالولي اچكزي

* ويماكد فيزس
دعبدالظاهر يوسفزي ژباړه

وزارت اطلاعات و كلتور

مرکز بين المللي مطالعات كوشاني
* * *

سرپرست مسئول: غني نيك سير

شرح پشتي : يكي از گلهاي كمر بند
طلايي مكشوفه طلايه



نوشته: م. ومکداول ومحمد ابراهیم
مترجم: امین حکیم

سکه‌های قبل از اسلام در

دوزیم هرات

در جولای ۱۹۷۲، بمنظور مطالعه کلکسیون سکه‌های قبل از اسلام از دوزیم هرات دیدن نمودیم. کلکسیون مذکور فکر می‌شد که شامل سکه‌های باشد که در آن محل رواج داشته است، زیرا ترکیب آن در نتیجه شواهدی را ارائه نمود که پول رایج آن دیار آریائی و مرکز آن (ارتاکوانا) یا (اسکندریه آریائی) میباشد.

بعضی‌ها حدس می‌زنند که پول رایج آن منطقه ممکن است یک وسیله ذات‌البینی میان ولایات همجوار چون در انجیانا، اراکوزیا، باکتریا پارا پامیزاد و ایران شرقی بوده که بصورت کل ۸۵ نوع سکه را قرار ذیل کتلاک نمودیم:

مس و نکل	نقره	نمبر کتلاک طلا	
۱	۲	۳-۱	یرنان
۵	۱۱	۱۹-۴	یونانی باختری
-	۷	۲۶-۲۰	ساکاو یوچی‌ها
		۲۸-۲۷	هندوسیتی
۱	۱	-	هندو پارتنی
۱	۱	-	
۱۹	-	۷ ۵۴-۲۹	کوشانی
۵	-	۵۹-۵۵	کوشانیهای بعدی
-	-	۵ ۶۴-۶۰	کوشانو ساسانی
-	۱۲	۲ ۷۸-۶۵	ساسانیها
۱	۴	۱ ۸۴-۷۹	(قرون وسطی)
-	-	۱ ۸۵	رومی

بعضی از سکه‌های که معلوم میشد جعلی هستند و از قدامت کمتری برخوردار بودند بدین‌گونه مشخص گردید:

سکه های ریختگی بشکل درهم های طلائی اپولو دتس اول: چار نمونه از سکه های نقری و یک نمونه از طلائی پارتنی و هفت نمونه از عین سکه های پارتنی ضرب زده شده در نقره.

۱- ازمنه یونانی (کتلاک اولی سوم)

سه نمونه از سکه های دوره یونانی از دلچسپی خاصی بر خوردار بودند که اولین سکه درین کلکسیون سائیده شده بود و از زمان سینوپ و حاکمان دوره هخامنشی در قرن چارم قبله از میلاد نمایندگی میکرد. دانیل شلومبرژه در سال ۱۹۵۳ وانمود ساخت که قبل از فتح مقدونیه پخش نقره در امپراطوری هخامنشی متأثر از واردات سکه های یونانی بود، مخصوصاً ضرب نقره توسط حکمرایان هخامنشی در شهر های یونان، آسیائی غربی حکمرایان تار سوس و سیدون و شواهد آنها در بین سکه های یونانی در گنجینه های باختر و نواحی آمو بطور درست نشان داده شده بود.

۲- سکه شماره دوم، سکه مسی سیلیکوس اول یک رمزی میباشد مشهور به نیویل (۱۹۳۸) که از سه واحد دورقمی ساخته شده است منبع این دوهند بوده ساختمان و سبک آن به نیویل ارتباط داده میشود، که آنها ممکن از باختر و یا قسمت های غربی افغانستان منشأ بگیرند، و یا ممکن سکه های برنجی سیلیکوس اول را از ارتاکوانا نیز بدانند. موجودیت این نمونه سکه در هرات سهم شناخت نیویل را تقویت می بخشد

۳- نیم درهمی (اتیک) انتسی کوس اول دارای انواع از سکه های میباشد که توسط نیویل در سال ۱۹۳۸ شناخته شده است، و در باختر به او نسبت داده میشود. این اولین نیم درهمی از نوع نیویل دوم میباشد که نشر میگردد. گرچه این ممکن یک معیار نامگذاری در آریانا بوده و کار حکمرایان کارمینیا و ایران و مناطق شرقی افغانستان می باشد.

۴- سکه های یونانو باختری و چگونگی تقلید ضرب سکه (کتلاک ۴-۲۶)

گروپ کوچک سکه های یونانو باختری دارای انواع خیلی نادر و کمیاب بوده و مجموع شواهد دلچسپ را برای انواع نام گذاری

سکه های مختلف در آریا و در زمان (یونانو باختری) و زمان های مابعد آن در دسترس ماقرار میدهد. تمام سکه های مسی و نکلی مربوط دوره یونانو باختری موجود در موزیم هرات دارای نقوش نوع یونانی اند که حروف نگارش آنها نیز یونانی میباشد. در میان سکه های نقره یی یونانو باختری و سکه های نوع تقلیدی که تعداد مجموعی آنها به ۱۸- عدد می رسد صرف ۳- عدد آن متاثر از مقیاس وزن هندی بوده و به دوزبان یونانی و خروشتی در آنها نوشته های بچشم می خورد که این سه سکه نیز مربوط خود هرات نبوده بلکه از کابل و حوزه گند هارا بدانجا انتقال داده شده است. یا بعبارہ دیگر مربوط کابل و حوزه گند هارا میباشد.

سکه های کوچک نقره یی نیم درهمی او بل ها و در نمونه های سکه های کشف شده زرنج (راپسن ۱۹۰۴ پ ۶۷۳- ۸۰) و کار مانیا (راپسن ۱۹۱۴، ۳۱۱۹ ف) میباشد ولی از میان هشت عدد سکه یونانی چار درهمی صرف پنج عدد آن با مقیاس وزن پارس بضرپ رسیده است که وزن یک چار درهمی آن تقریباً ۱۵ گرام و وزن یک درهمی های آن تقریباً ۳/۷۵ گرام است (در حالیکه وزن مقیاس اتیک برای چار درهمی ها تقریباً ۱۷ گرام و برای یک درهمی ها ۴/۲۵ گرام میباشد).

دو سکه مسی دیودتس (کتلاک ۴ الی ۵) دارای عین تلامه بوده. ملبس با کاوسییا (کلاه نمادی گرد) که پشت آن مشابه سکه بالا در حالت استاده و بشکل روبرو میباشد. نوع آن نادر است و تنها میتوان آنها را از شمال های که در لاهور و یکی آن هم در موزیم لندن و چار نمونه آن از پودار، سینکی و کتسیو، شاه سفید (وایت کیف) بدست آمده قبول کرد. موجودیت این دو نمونه ای نوع نادر آن در هرات نشان دهنده آن است که ما شاید در اینجا نوع های سکه های مسی دیوتس را نیز دریابیم که در هرات بضرپ رسیده است.

سکه های نقره ای اتید موس اول (کتلاک مربوط شماره ۶) دلچسپ میباشد که مانند نیم درهمی ضرب زده شده که از سه جهت قطع شده و تصویر پادشاه را در آن حک نمودند و وزن آنرا مطابق

نیم درهمی ساختند و چنین بنظر میرسد که سکه مذکور بصورت منظم در هر دو منطقه گرمینیا و آریا مورد استعمال بوده است. چار درهمی انتی کوس، توپس و پلاتو، به خصوصاً بسیار ظریف میباشد. اما چار درهمی نقره‌ای نمونه بسیار سائیده شده (کتلاک ۱۸) از جمله سکه‌های کمتر ضرب شده هیلو کلس میباشد که در پشت آن زیوس در حالت نشسته بر تخت بسمت چپ سکه نقش شده است. از جمله چار درهمی‌ها یکی هم (میچنر ۱۹۷۵) است که از موزیم میمنه (در دو صد کیلومتری شمال شرق هرات) بدست آمده است.

بر علاوه تمام چار درهمی‌های این نوع به معیار (اتیک) یعنی تقریباً ۱۷ گرام ضرب زده شده است. اما بیشتر معادل معیار تقلیل یافته مناطق غربی هرات میباشد. این معیار توسط سیکوس اول در سری مسکوکات شرقی حوالی ۲۸۵ پیش از میلاد (نیویل ۱۹۳۸، ۲۳۴) مورد استفاده قرار گرفته است و گمان می‌رود که معیار مذکور به پیروی از قدیمترین معیار سکه‌های کار شاپانا هند بوده باشد (الان ۱۹۳۶). و بنظر میرسد که بعداً برای کاپی‌های سکه‌های ساکا و یوچی (یونانو باختری) و چار درهمی‌های که در موزیم هرات موجود است از (کتلاک ۲۰-۲۳) استفاده گردیده باشد از این گفته چنین معلوم میشود که پول مروجه مذکور در یکی از ایالات در چلند بوده که قبل بر این تحت تسلط دودمان مورییا قرار داشته است.

سلیکوس سیکا تور همراه با (اراکوزیا گدروسیا، و پارا پامیزاد) در امپراطوری مورییا چندرا گوپتا در (۳۰۵) قبل از میلاد و حضور هیلو کلس همراه با زیوس که جدیداً بتخت نشسته بود سکه‌ای را ضرب زدند که وزن آن به اساس معیار فارسی بوده که فعلاً در موزیم میمنه و هرات موجود است.

هندو پارتی و کوشانی (کتلاک نمبر ۲۷-۵۹) هندو پارتی‌های بعدی توسط یکی از چار درهمی‌های مسی نشان داده میشود. که بعد از آن نایک بصورت واضح در اراکوزیا و در انجیانا بوجود آمده است و هیچ نوع از درهم‌های مسی

پارتی. خانواده سنا بار (۱۹۶۲) در آن موجود نیست. که این
 دهساله خالی از اهمیت نمیباشد. بخاطر اینکه سکه های مسی
 (۱۹) کوشانی تعبیر گردیده است همچگونه سکه کجولا موجود نبوده
 بلکه هفت سکه مسی دورا کومس پادشاه بی نام که در هندو پارتین
 توسط پاکورز سیموتیا در (۱۹۵۷) ضرب زده شد موجود
 است. از جمله پنج عدد چاردرهمی و یما دوی آن که بنام کاشیکا یاد
 میشود خیلی ها با ارزش است. اولین چار درهمی سنگی—
 اریووسکا که در هند معمول بود بکلی فراموش گردیده، اما دومین
 ضرب آن نسبتاً با اهمیت بوده، در هند شرقی زیاد بملاحظه
 رسیده است. این سکه چون از جمله عمده ترین سکه های مسی
 میباشد لهذا ارزش باستانی زیادی را دارا میباشد. سکه های
 مسی کوشانی در بازار های افغانستان بسیار پیدا میشود و
 موجودیت آن درهرات و موزیم آن باعث بلند رفتن اهمیت موزیم
 آنجا گردیده است. ضرب سکه های کوشانی نسبتاً با اهمیت
 بوده و در تمام حدود آریا منتشر بوده است. چون دیده میشود که
 در دوره (کروشیما ۱۹۶۳-۳۸۰ ف) از آن نامبرده نشده لهذا
 نمیتوان از آنها در این دوره نام برد. همچنان نمونه های با اهمیت
 آن از ولایات همسایه در انجیانادر جنوب جای که هندو پارتی ها
 بر آن تسلط داشتند بدست آمده است.

سا سانی و کوشانوسا سانی كتلاك (۷۸-۶۰)
 کلکسیون مذکور دارای پنج نوع سکه طلائی ظرفیت کوشانو
 سا سانی میباشد، و سلسله آن ازروی شواهد که از تپه مرنجان،
 بدخشان، کندز تاشقرغان کرکی (نزدیک دریای آمو) و سیستان
 (۱۲۶ ف-۱۹۵۳) بدست آمده تثبیت میگردد. این شواهد سکه
 های طلائی مروج را در زمان آریادر قسمت غرب و شمال افغانستان
 در جریان قرون سوم و چارم بعد از میلاد نشان میدهد. درهم های
 نقره ای سا سانی موجود در کلکسیون هرات بصورت واضح
 نمایندگی از عصر شاپور اول مینماید، که معمولاً این سکه ها
 در هرات و میمنه زیاد تر یافت میشود.
 (هاکن ۱۹۳۵ - ۲۸۷ - ۲۹۲) که این موضوع در کلکسیون های
 مربوط به کولونسی (۱۹۴۰-۷۹ ف) تیت (راپسیون ۱۹۰۴
 ۶۷۹ ف)

ومکماهن (کودرنیگ ۱۹۱۱-۷۷۹) به وضاحت نشان داده شده است. بار دیگر بهمین ترتیب ممکن است درهم های سا سانی باید پول مروج ساحه آریا را تشکیل داده باشد طوری که در درانجیانا در جنوب باختر نیز از این سکه ها مورد استفاده بوده است، (۱۹۵۳-۱۲۴-ف) قرون وسطی و رومی ها: کتلاک (۷۹-۸۵)

این سکه ها نقره ای از جمله انواع مشهور میباشد که نیکی و سامانتا آنها را از وادی کابل انتقال داده است. از طرف دیگر (گادایا پایسا) بطور منظم در قسمت های جنوبی افغانستان پیدا میشود که نوع دیگر آن سکه ها در نزدیکی قندهار نیز بدست آمده است (۱۹۷۲). قدیمترین سکه مسی دوره (اونیش) (کتلاک ۸۰) دارای مشخصات مکمل روی و پشت بوده که گویا این سکه از جمله ممتاز ترین سکه نشر شده توسط آنها باشد بدین لحاظ بهتر است که موجودیت نمونه دوم آنرا در هرات بدانیم طلای گانکیا دیوان قرن یازدهم بعد از میلاد بدون شك توسط تاجران انتقال داده شده و سکه طلائی با سلیکوس رومی از جمله خوبترین سکه ها میباشد. امپراطوری رومی در شرق (۴۷۶ بعد میلاد) هیچ نوع سکه ئی روی کار نیاورد. و یکتعداد کم و محدود از زمامداران رومی و بایزانتین که از افغانستان راپور داده شده سکه هائی کمتر نشر نمودند.

نمونه های پول رایج آن زمان

کلکسیون موزیم هرات یقیناً یک دلچسپی خاصی و اثر قوی ئی بالای درك چگونگی پول رایج آن وقت را می گذارد. پول رایج سیلو سید که به تعقیب آن نشریونانی شاه گریکو باختری دیو دتس اثید موس، دیمتریوس، اوکرا تیدوس بوده واز همه جمله روشنترین دوره ها می باشد. سکه های مسی کوشانی یک پرابلم را بمیان می آورد زیرا ندون شواهد حفریات نمیتوان به جرئت در مورد امپرا طوری کوشانی حرف زد.

چار درهمی های که در اراکوزیا و سیستان یافت گردیده، از جمله درهمی های مسی می باشد که از هرات بدانجا آورده شده است. و بدین جهت میتوان گفت آریائی ها سکه های مسی و

کوشانی را مورد استفاده قرار می دادند و ممکن هرات يك جزء از امپرا طوری آنها در آن زمان بوده باشد. در قرون بعدی پول رایج طلائی آریا قسمی به نظر میرسد که توسط کوشانو سا سانی ها تهیه شده باشد، و ضرب سکه نقره ای در زمان سا سانی از دوره شاپور دوم حساب میگردد. خلاصه کلکسیون موجود در هرات بعضی از سکه های فوق العاده ارزشمند را دارا بوده و يك معلومات فوق العاده در مورد پول رایج سیلو سایدی آن سر زمین را تا قرن ششم بعد از میلاد نشان می دهد.

نوعیت این سکه ۱۵ :

۱- دودمان - یونانی، نوعیت فلز: - نقره، روی سکه: - ستاتر هخامنشی حوالی ۳۵۰ ق.م کله سینوپ بطرف راست. عقب سکه عقاب بحری بالای دلفین بطرف راست که در پائین آن نگارش آرمی ساید. آریا راتس؟ چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ قدری فرسوده بوده توسط وی مورگان در سال ۱۹۲۳ الی ۱۹۳۶ در پاریس نشر شده.

وزن بگرام: ۹/۱۴ اندازه به ملی متر یا قطر: ۱۹.

۲- دودمان - یونانی، نوعیت فلز، مس، روی سکه - سلوکوس اول ۳۱۲ تا ۲۸۰ ق.م کله دیوسکورا بطرف راست. عقب سکه قسمت پیش روی يك اسپک شاخدار بطرف راست در بالای آن يك چنگک در پیشرو قرار دارد. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده - توسط الفابت نوویل در ۱۹۵۸ در نیویارک نشر شده. وزن به گرام - ۷/۸. اندازه به ملی متر یا قطر - ۲۰/۵.

۳- دودمان - یونانی - نوعیت فلز - نقره. روی سکه - انتی کوس اول ۲۸۰ - ۲۶۱ ق.م. کلمه انتی کوس اول به طرف راست طوری دیده می شود که فیته بدور سر او تاب خورد، است. عقب سکه اپولو در حالت استاده طوری دیده میشود که تیر را بدست راست گرفته و کمان بدست چپ او قرار دارد. و کلمه انتی کوس به خط یونانی در داخل دیده می شود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده - ولی شماره آن ۶۹۸ بوده و نیم درهمی میباشد. وزن به گرام، ۲/۰ - اندازه به ملی متر یا قطر - ۱۳.

۴- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز: مس، روی سکه دیوتس: کله شاه بطرف راست طوری دیده می شود که کلاه

نمدی بسر دارد. عقب سکه: الهه آتنه در حالت استاده طوریکه رو برو دیده می شود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نشر شده در کتاب جلد اول. کتلاک سکه های موزیم پنجاب توسط وایت هید نشر شده است. وزن بگرام ۸/۱. اندازه بملی متر ۲۲/۵ قطر

۵- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز: نقره. روی سکه دیوتس: کله شاه بطرف راست طوری دیده میشود که کلاه نمادی بسر دارد. عقب سکه: الهه آتنه در حالت استاده طوریکه رو برو دیده می شود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نشر شده در کتاب جلد اول. کتلاک سکه های موزیم پنجاب توسط وایت هید نشر شده است. وزن بگرام ۶/۹. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۳.

۶- دودمان: یونانو باختری. نوعیت فلز: نقره زیاد قطع شده. روی سکه: اتید موس اول: کله شاه بطرف راست طوری دیده می شود که کلاه خود بسر دارد. عقب سکه: هیرا کلیس به حالت استاده بطرف چپ طوری دیده می شود که گریزی را بالای زانوی راست قرار داده و برسنگ تکیه کرده. لقب سلیوس بطرف راست نیز دیده میشود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۸ کتلاک موزیم پنجاب بوده ولی یک درهمی می باشد وزن بگرام: ۲/۳. اندازه به ملی متر یا قطر: ۱۵.

۷- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز: مس. روی سکه: کله برهنه هیرا کلیس بطرف راست. عقب سکه: یک اسپ بحالت استاده بطرف راست. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام: ۸/۶. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۴.

۸- دودمان: یونانو باختری. نوعیت فلز: نقره یک روبلی. روی سکه: دیوتر یوس اول: نیم تنه شاه در حالیکه کلاه مشابه کله فیل بسر دارد. عقب سکه هیرا کلیس تاج دار. یکجا با کلمه ك مانند انگلیسی در سمت داخل بطرف راست. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۹ کتلاک موزیم پنجاب وزن به گرام:

۸/۶. اندازه به ملی متر یا قطر: ۰/۷.

۹- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز: نکل. روی سکه:

اگاتو کلس نیم تنه دیومسیوس بطرف راست. عقب سکه پلنگ در حالت استاده بطرف راست و به طرف چپ حرف ف مانند روسی. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۴۳ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام: ۶/۷. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۵.

۱۰- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز نکل. روی سکه: اگاتو کلیس یا یا نتالیون نیم تنه دیونیوس سوس بطرف راست عقب سکه: پلنگ استاده بطرف راست چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده

مشابه سکه شماره ۴۳ کتلاک موزیم پنجاب سکه شماره ج، س ۲ کتلاک موزیم بریتانیا. وزن بگرام: ۵/۰ اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۲.

۱۱- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز: نقره. روی سکه: انتی ماکوس تیوس نیم تنه شاه بطرف راست در حالیکه کلاه نمدی بسر دارد.

پشت سکه پوزیدون: الهه دریادر حالت استاده روبرو بطرف راست دیده میشود و حرف ن مانند انگلیسی در قسمت داخل دیده می شود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه های صفحه ۱۲۱ کتلاک موزیم بریتانیا. وزن بگرام: ۱۶/۶. اندازه به ملی متر یا قطر: ۳۲/۵

۱۲- دودمان: یونانو باختری. نوعیت فلز: نقره. روی سکه: یوکرا تیدس: نیم تنه شاه در حالیکه کلاه خود بسر دارد بطرف راست دیده می شود. عقب سکه: اپولو: در حالت استاده بطرف چپ دیده میشود. در وسط برخی علامات دیگری نیز به چشم می خورد. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه های صفحه ۱ و ۱۳ کتلاک موزیم بریتانیا. وزن بگرام ۱۶/۴ اندازه بملی متر یا قطر: ۳۱

۱۳- دودمان: یونانو باختری. نوعیت فلز: نقره درهم. روی سکه نیم تنه شاه بطرف راست در بین یک دایره. عقب سکه: دیوسگری به طرف راست و بطرف چپ آن یک علامه ۸ دری بطرف چپ آن یک علامه ن مانند انگلیسی دیده می شود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نمونه های آن را می توان در سکه های شماره ۲۰ و ۶۲۲ کتلاک موزیم پنجاب مشاهده نمود. وزن بگرام: ۳/۹. اندازه به ملی متر یا قطر: ۱۸/۵.

۱۴- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز: نقره ۴ درهمی.

روی سکه: پلاتو: نیم تنه شاه در حالیکه کلاه خود بسر دارد بطرف راست. عقب سکه: ایلیوس: بالای کوارد سریگ بطرف راست و علامت م انگلیسی بایک خط اضافی در آن بطرف راست دیده میشود چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نمونه آن را میتوان در پلیت شماره ۲۰ و شماره ۱ موزیم بریتانیا مشاهده نمود. عقب سکه از عین خصوصیت بسر خور دار است. وزن بگرام: ۱۶/۸. اندازه به ملی متر یا قطر: ۳۳.

۱۵- دودمان: یونانو باختری نوعیت فلز: نقره درهم. روی سکه مینیناندر: نیم تنه شاه در حالیکه کلاه خود بسر دارد بطرف راست. عقب سکه: پالاس بطرف راست در حالیکه یک گرز بطرف راست نزدیک او دیده میشود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نمونه آنرا میتوان در پلیت های شماره ۴۵ و ۱۲ کتلاک موزیم بریتانیا مشاهده نمود. وزن بگرام: ۲/۳. اندازه به ملی متر یا قطر: ۱۵/۵.

۱۶- دودمان: یونانو باختری. نوعیت فلز: نقره ۴درهمی روی سکه: ارمالوس: نیم تنه شاه در حالیکه تاج بسر دارد بطرف راست عقب سکه: زیوس: بحالت استاده بطرف چپ بالای یک تخت و علامت ویژه بطرف راست. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نمونه آنرا میتوان در پلیت های شماره ۶۲ و ۲۹ کتلاک موزیم بریتانیا مشاهده کرد. وزن بگرام: ۹/۴. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۶/۵.

۱۷ دودمان: یونانو باختری. نوعیت فلز: نقره ۴درهمی. روی سکه: ارمایوس: نیم تنه شاه در حالیکه تاج بسر دارد بطرف راست عقب سکه: زیوس: بحالت استاده بالای تخت بطرف چپ طوری دیده میشود که بطرف چپ او یک سمبول بشکل یک پاکت و یک عصا هم دیده میشود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نمونه آنرا می توان در پلیت های شماره ۶۴ و از پلیت شماره (۱) به بالا دید. وزن بگرام: ۹/۷. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۵.

۱۸ دودمان: یونانو باختری. نوعیت فلز: نقره ۴درهمی. روی سکه: هیلپو کلس: نیم تنه شاه در حالیکه کلاه خود بسر دارد بطرف راست دیده میشود. عقب سکه زیوس: در حالیکه استاده بطرف چپ بالای تخت. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: نمونه های آنرا میتوان در کتلاک سکه های جانشین های اسکندر که در ۱۹۶۹ در شیکاگو توسط کنگهم در پلیت های شماره ۱۷۱ و ۱۷۲ مشاهده نمود. وزن بگرام: ۱۴/۵. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۹.

- ۱۹- یونانو باختری نوعیت فلز: نقره درهم. روی سکه نیم تنه شاه درحالیکه تاج بسردارد بطرف راست دیده میشود. عقب سکه؛ زیوس. در حالت استاده روبرو طوری دیده میشود که گرزوسپر بدست گرفته. چگونگی نوعیت ونمونه منتشر شده: نمونه آنرا میتوان در پلیت های شماره ۱۳۵ کتلاک موزیم پنجاب مشاهده نمود. وزن بگرام: ۱۳/۶۵ اندازه به ملی متر یا قطر: ۱۸/۵
- ۲۰- دودمان: عصر ساکاوپوچی. نوعیت فلز: نقره ۴درهمی روی سکه؛ اتید موس: (شاید تقلیدی باشد ازسکه های باستانی نیم تنه شاه در حالیکه تاج بسردارد بطرف راست دیده میشود. عقب سکه: هیرا کلیس. درحالت استاده بطرف چپ. چگونگی نوعیت ونمونه منتشر شده: مشابه سکه های شماره ۸ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۲۲/۲. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۹/۵.
- ۲۱- دودمان: عصر ساکاوپوچی. نوعیت فلز: نقره ۴درهمی روی سکه؛ نیم تنها، در حالیکه تاج بسردارد بطرف راست. عقب سکه: هیرا کلیس. درحالت استاده بطرف چپ. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه های شماره ۸ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۱۴/۲. اندازه به ملی متر یا قطر: ۳۰.
- ۲۲- دودمان: عصر ساکاوپوچی. نوعیت فلز: نقره ۴درهمی روی سکه؛ نیم تنه ها، در حالیکه تاج بسردارد بطرف راست. عقب سکه: هیرا کلیس. در حالت استاده بطرف چپ. چگونگی نوعیت ونمونه منتشر شده: مشابه سکه های شماره ۸ کتلاک موزیم پنجاب وزن بگرام: ۱۳/۰. اندازه به ملی متر یا قطر: ۳۰.
- ۲۳- دودمان؛ عصر ساکاوپوچی. نوعیت فلز: نقره ۴درهمی روی سکه: هیلو کلس: تقلید باستانی (نقره غش دار) نیم تنه شاه در حالیکه تاج بسردارد به طرف راست. عقب سکه؛ زیوس در حالیکه روبروی استاده وسپروگرز بدست گرفته است. چگونگی نوعیت ونمونه منتشر شده: نمونه آنرا می توان در پلیت های شماره ۱۳۴ موزیم پنجاب مشاهده نمود. وزن بگرام: ۱۴/۷. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۷.
- ۲۴- دودمان: عصر ساکاوپوچی. نوعیت فلز: نقره اوبل. روی سکه: ایو کرا تیدس؛ کاپی باستانی نیم تنه شاه بطرف راست عقب سکه: دیو سکری. چگونگی نوعیت ونمونه منتشر شده: نمونه آنرا می توان از پلیت شماره ۱۹ به بعد در کتلاک موزیم بریتانیا

۲۵- دودمان؛ عصر ساکاو یوچی. نوعیت فلز: نقره هیمیدر روی سکه: سا پاد بیزس: نیم تنه شاه در حالیکه کلاه خود بسر دارد بطرف راست. عقب سکه: نیم تنه شاه در حالیکه کلاه خود بسر دارد بطرف راست شیر به طرف راست نانا یا به طرف چپ چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ پلیت شماره ۱۱۹ و ۲ کتلاک موزیم بریتانیا نمونه خوب آن بشمار میرود. وزن بگرام: ۲/۲۵ اندازه به ملی متر یا قطر: ۱۵.

۲۶- دودمان؛ عصر ساکاو یوچی. نوعیت فلز: نقره اوبل. روی سکه: ایرا یوس: نیم تنه شاه بطرف راست با یک حلقه مشکوک بدور آن. عقب سکه؛ هیکل استاده نامشخص. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ مشابه به پلیت ۱۶۴ و ۱۱۷ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۰/۷ اندازه به ملی متر یا قطر: ۱۱.

۲۷- دودمان؛ هندوستانی و هندو پارتنی نوعیت فلز: نقره ۴ درهمی. روی سکه: ازیس اول: شاه سوار بر اسب بطرف راست. عقب سکر الهه روشنائی بطرف چپ با یک علامت مثلث مانند و عصا. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ پلیت شماره ۸۲ و ۱۱۱ کتلاک موزیم بریتانیا وزن بگرام ۹/۵ اندازه به ملی متر یا قطر ۲۷.

۲۸- دودمان؛ هندو پارتنی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: کله

شاه بطرف چپ بالقب سبلیوس بسلینی. عقب سکه؛ نایک بطرف راست در حالیکه گرز بدست دارد دیده میشود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ مشابه سکه شماره ۷۲ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۷/۴. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۳/۵.

۲۹- دودمان؛ کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: شاه بی نام نیم تنه شاه به طرف راست. عقب سکه: سوار کار بطرف راست در حالیکه انکوس بدست دارد. (عقب این سکه سائیده گی زیاد دارد). چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ مشابه سکه شماره ۱۰۰ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام: ۸/۱. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۲.

۳۰- دودمان؛ کوشانی. نوعیت فلز: مس روی سکه: شاه بی نام نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: سوار کار بطرف راست در حالیکه انکوس بدست دارد. (عقب سکه سائیده گی زیاد دارد) چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ مشابه سکه شماره ۹۰۰

کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام $4/7$. اندازه به ملی متر یا قطر $18/5$.

۳۱- دودمان: کوشانی نوعیت فلز: مس روی سکه؛ شاه بی نام نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: سوار کار بطرف راست در حالیکه انکوس بدست دارد. (عقب این سکه سائیده گی زیاد دارد). چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۰۰ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام: $8/3$ اندازه به ملی متر یا قطر: $20/5$.

۳۲- دودمان: کوشانی نوعیت فلز مس روی سکه: شاه بی نام نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: سوار کار بطرف راست در حالیکه انکوس بدست دارد. (عقب سکه سائیده گی زیاد دارد) چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۰۰ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: $8/35$. اندازه به ملی متر یا قطر: $20/5$.

۳۳- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: شاه بی نام نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: سوار کار بطرف راست در حالیکه انکوس بدست دارد. (عقب این سکه سائیده گی زیاد دارد). چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۰۰ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام: $8/05$ اندازه به ملی متر یا قطر: $21/5$.

۳۴- دودمان: کوشانی نوعیت فلز: مس. روی سکه؛ شاه بی نام نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: سوار کار بطرف راست در حالیکه انکوس بدست دارد. (عقب این سکه سائیده گی زیاد دارد) چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ مشابه سکه شماره ۱۰۰ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: $7/5$ اندازه به ملی متر یا قطر: $18/5$.

۳۵- دودمان: کوشانی نوعیت فلز؛ مس. روی سکه: شاه بی نام نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: سوار کار بطرف راست در حالیکه انکوس بدست دارد. (عقب این سکه سائیده گی زیاد دارد). چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۰۰ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام: $8/05$ اندازه به ملی متر یا قطر: $20/0$.

۳۶- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز مس. روی سکه: ویما کد فیزس؛ شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده. عقب سکه: شیوا؛ در حالت استاده در مقابل گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام؛ ۱۵/۹. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۶/۵.

۳۷- دودمان: کوشانی نوعیت فلز: مس. روی سکه: ویما کد فیزس؛ شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده. عقب سکه؛ شیوا؛ در حالت استاده مقابل گاو چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام؛ ۱۵/۴. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۷/۵.

۳۸- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: ویما کد فیزس؛ شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده. عقب سکه شیوا؛ در حالت استاده در مقابل گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام؛ ۱۶/۴. اندازه به ملی متر یا قطر: ۲۶.

۳۹- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: ویما کد فیزس؛ شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده. عقب سکه شیوا؛ در حالت استاده در مقابل گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام؛ ۱۵/۴. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۵.

۴۰- دودمان کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: ویما کد فیزس؛ شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده. عقب سکه: شیوا؛ در حالت استاده در مقابل گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن به گرام؛ ۱۳/۰. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۶.

۴۱- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز طلا. روی سکه: کنشکا؛ شاه کوشانی استاده بالای آتشکده. عقب سکه؛ نانا در حالت استاده به طرف راست. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۲۷ نشر شده در کتلاک گوبل در فرانکفورت. وزن بگرام ۸/۰. اندازه بملی متر یا قطر: ۱۹.

۴۲- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز طلا. روی سکه: کنشکا؛ شاه کوشانی استاده بالای آتشکده. عقب سکه: نانا در حالت استاده به طرف راست. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده؛ مشابه سکه

شماره ۲۷ نشر شده در کتلاک کوبل در فرانکورت. وزن بگرام: ۶/۰. اندازه بملی متر یا قطر: ۱۹.

۴۳- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: طلا. روی سکه: کنشکا: شاه کوشانی استاده بالای آتشکده. عقب سکه: نانا شیوا استاده به طرف راست. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: عین سکه شماره ۴۴ کتلاک نشر شده کوبل در فرانکفورت. وزن بگرام: ۷/۹. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۰.

۴۴- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: کنشکا: شاه کوشانی استاده بالای آتشکده. عقب سکه نانا بطرف راست استاده چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۹۷ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۱۶/۰. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۵/۵.

۴۵- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: کنشکا. شاه کوشانی استاده بالای آتشکده. عقب سکه، اوادو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: سکه شماره ۸۲ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۱۵/۱. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۵.

۴۶- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز طلا. روی سکه: اویشکا: نصف بالائی تنه شاه بطرف چپ در حالیکه کلاه خود مدور بسر دارد. عقب سکه: فارو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده مشابه سکه شماره ۶۴ کتلاک نشر شده کوبل در فرانکفورد در (۱۹۵۷) وزن بگرام: ۷/۹. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۰/۵.

۴۷- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز طلا. روی سکه: اویشکا نصف بالائی تنه شاه بطرف چپ در حالیکه کلاه خود مدور بسر دارد. عقب سکه اواشیوی چاردست. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: روی سکه مشابه سکه شماره ۱۱۹ کتلاک کوبل و عقب آن مشابه سکه شماره ۱۶۲ کتلاک کوبل وزن بگرام: ۷/۹. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۰.

۴۸- دودمان: کوشانی نوعیت فلز طلا. روی سکه اویشکا: نصف بالای تنه شاه بطرف چپ در حالیکه کلاه خود مدور بسر دارد عقب سکه: فارو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه عقب سکه شماره ۱۶۲ کتلاک کوبل. وزن بگرام: ۸/۰. اندازه بملی

۴۹- دودمان: کوشانی نوعیت فلز: طلا ۱/۴. روی سکه؛ اویسکا نصف بالای تنه شاه بطرف چپ در حالیکه کلاه نوکدار بسر دارد عقب سکه: میرو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه ۱۴۷ کتلاک کوبل وزن بگرام؛ ۲/۱. اندازه بملی متر یا قطر: ۱۳/۵.

۵۰- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه: شاه در حالیکه سوار بر فیل است بطرف راست دیده می شود. عقب سکه شیوا: در دو دست بایک نیزه سرشاخه دراز. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۵۱ کتلاک موزیم پنجاب وزن بگرام: ۲/۱.

۵۱- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس. روی سکه شاه در حالیکه سوار بر فیل است بطرف راست دیده میشود. عقب سکه؛ شیوا: دو دست بایک نیزه سر شاخه دراز چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۵۱ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۱۰/۴. اندازه بملی متریا قطر: ۲۵.

۵۲- دودمان: کوشانی نوعیت فلز: مس. روی سکه: شاه در حالیکه سوار بر فیل است بطرف راست دیده می شود. عقب سکه شیوا: دو دست بایک نیزه سر شاخه دراز. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۱۵۱ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۸/۱. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۴/۵.

۵۳- دودمان: کوشانی. نوعیت فلز: مس روی سکه: واسو دیوا؛ شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده. عقب. سکه؛ شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه های ۲۱۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۹/۳. اندازه بملی متریا قطر: ۲۵.

۵۴- دودمان: کوشانی نوعیت فلز مس روی سکه واسو دیوا؛ شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده عقب سکه شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه های ۲۱۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۹/۵ اندازه بملی متر یا قطر: ۲۵.

۵۵- دودمان کوشانی های بعدی. نوعیت فلز مس (نوع شیوانسبتاً مغشوش) روی سکه شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده بطرف چپ عقب سکه؛ شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و

- نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۶۱۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۸/۰. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۳.
- ۵۶- دودمان: کوشانی های بعدی. نوعیت فلز: مس (نوع شیوا نسبتاً مغشوش) روی سکه: شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده بطرف چپ عقب سکه. شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۶۱۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۷/۵. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۲.
- ۵۷- دودمان: کوشانی های بعدی. نوعیت فلز: مس (نوع شیوا نسبتاً مغشوش) روی سکه شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده بطرف چپ عقب سکه شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۶۱۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۷/۸. اندازه بملی متر یا قطر ۲۰/۵.
- ۵۸- دودمان: کوشانی های بعدی نوعیت فلز: مس (نوع شیوا نسبتاً مغشوش) روی سکه: شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده بطرف چپ. عقب سکه: شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۶۱۶ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۸/۷. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۲.
- ۵۹- دودمان: کوشانی های بعدی نوعیت فلز: مس (نوع شیوا نسبتاً مغشوش روی سکه: شاه کوشانی در حالت استاده بالای آتشکده بطرف راست. عقب سکه الهه (زن) نشسته بر تخت. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۲۲۸ کتلاک موزیم پنجاب. وزن بگرام: ۷/۹. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۲.
- ۶۰- دودمان: کوشانو ساسانی نوعیت فلز: طلا. روی سکه: نوع واسو دیوا. شاه در حالت استاده بطرف چپ طوری دیده میشود که کلاه نوکدار بسردارد. و دست خود را بالای آتشکده دراز نموده در بین پا های او علامت سو و ستیکا دیده میشود. عقب سکه شیوای دو دست در حالت استاده بمقابل گاو دیده میشود. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۱۹ کتلاک کوبل. وزن بگرام: ۸/۰۵. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۷.
- ۶۱- دودمان: کوشانو ساسانی نوعیت فلز: طلا. روی سکه: آرمزد اول: شاه در حالیکه تنبان بتن طوری دیده میشود که پاچه های تنبان او در قسمت بجلک پایه شکل فشرده تاب خورده است. عقب سکه شیوا با گاو. او طوری دیده میشود که بپا جامه ساسانی

بتن دارد. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳ نشر شده توسط بیسواردر نشریه انجمن سکه شناسی بنگال سال ۱۹۵۶. وزن بگرام: ۷/۹. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۸/۵۰.

۶۲- دودمان؛ کوشانو ساسانی نوعیت فلز: طلا. روی سکه: آرمزد اول: شاه در حالیکه تنبان بتن طوری دیده میشود که پاچه های تنبان او در قسمت بجلک پا بشکل فشرده تاب خورده است. عقب سکه: شیوا با گاو. او طوری دیده میشود که به پا جامه ساسانی بتن دارد. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۲۵ کتلاک گوبل. وزن بگرام: ۷/۹ اندازه بملی متر یا قطر: ۲۹/۵.

۶۳- دودمان: کوشانو ساسانی نوعیت فلز: طلا. روی سکه: بهرام اول: شاه در حالت استاده بالای آتشکده در حالیکه گاو او باشاخرهای حیوان بشکل تاج آراسته شده. عقب سکه: شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه های شماره ۳۳۷ کتلاک گوبل و سکه شماره ۱۳ نشر شده توسط بیسوار در نشریه سکه شناسی هند. وزن بگرام: ۷/۶ اندازه به ملی متر یا قطر: ۳۴.

۶۴- دودمان: کوشانو ساسانی نوعیت فلز: طلا. روی سکه: کیدارا: شاه استاده بالای آتشکده با یک تاج مشخص. عقب سکه: شکل نسبتاً تغییر یافته شیوا و گاو. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره ۳۴ کتلاک گوبل و سکه شماره ۱۴ نشر شده توسط بیسوار. وزن به گرام: ۷/۸ اندازه بملی متر یا قطر: ۳۶/۵.

۶۵- دودمان: ساسانی نوعیت فلز نقره. روی سکه: شاپور اول (۲۷۲-۲۴) عقب سکه: آتشکده و آتش پرستان. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام: ۳/۵. اندازه بملی متر یا قطر ۱۹

۶۶- دودمان: ساسانی. نوعیت فلز: طلا. روی سکه: شاپور دوم (۳۰۹-۳۷۹) عقب سکه: آتشکده و آتش پرستان. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده (۰) وزن به گرام: ۷/۷. اندازه بملی متر یا قطر: ۱۹.

۶۷- دودمان ساسانی. نوعیت فلز: نقره. روی سکه: شاپور دوم: (۳۷۹-۳۰۹) عقب سکه: آتشکده و آتش پرستان. چگونگی

نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام. $۰/۴$. اندازه بملی متر
یا قطر: $۰/۲۴$.

۶۸- دودمان: ساسانی نوعیت فلز: نقره. روی سکه: بهرام
چارم (۳۸۸-۳۹۹) عقب سکه آتشکده و ملحقات آن. چگونگی
نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام: $۰/۴$. اندازه بملی متر
یا قطر: $۰/۲۴$.

۶۹- دودمان: ساسانی. نوعیت فلز: نقره. روی سکه: بهرام
پنجم (۴۲۰-۴۳۸) عقب سکه: آتشکده و ملحقات آن چگونگی
نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام. $۰/۴$. اندازه بملی متر یا
قطر: $۰/۲۸$.

۷۰- دودمان: ساسانی نوعیت فلز: نقره. روی سکه: بهرام
پنجم (۴۲۰-۴۳۸). عقب سکه: آتشکده و ملحقات آن. چگونگی
نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام. $۰/۳$. اندازه بملی متر
یا قطر: $۰/۲۹$.

۷۱- دودمان: ساسانی نوعیت فلز: طلا. روی سکه: پیروز
(۴۵۷-۵۸۴). عقب سکه آتشکده و ملحقات آن. چگونگی و نمونه
منتشر شده: وزن بگرام. $۸/۳$ اندازه بملی متر یا قطر: $۰/۲۰$.

۷۲- دودمان: ساسانی. نوعیت فلز نقره. روی سکه خسرو اول
(۵۳۱-۵۷۹) عقب سکه آتشکده و ملحقات آن. چگونگی نوعیت و
نمونه منتشر شده: وزن بگرام $۰/۳$. اندازه بملی متر یا
قطر $۰/۲۴$.

۷۳- دودمان: ساسانی نوعیت فلز نقره روی سکه آرمزد چارم
(۵۷۹-۵۹۰) عقب سکه آتشکده و ملحقات آن چگونگی نوعیت و
نمونه منتشر شده: وزن بگرام: $۰/۳$. اندازه بملی متر یا قطر $۰/۲۶$
۷۴- دودمان ساسانی. نوعیت فلز نقره روی سکه آرمزد چارم
(۵۷۹-۵۹۰) عقب سکه آتشکده و ملحقات آن چگونگی نوعیت و
نمونه منتشر شده: وزن بگرام: $۰/۳$. اندازه بملی متر یا
قطر: $۰/۲۶$.

۷۵- دودمان: ساسانی نوعیت فلز نقره. روی سکه خسرو دوم
(۵۹۱-۶۲۸) عقب سکه چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن
بگرام. $۰/۴$. اندازه بملی متر یا قطر: $۰/۲۶$.

۷۶- دودمان: ساسانی نوعیت فلز نقره. روی سکه: نامشخص ولی ساسانی. عقب سکه: آتشکده و ملحقات آن چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده. وزن بگرام. $۴/۲۵$. اندازه بملی متر یا قطر: $۳۰/۵$.

۷۷- دودمان: ساسانی نوعیت فلز: نقره. روی سکه: نامشخص ولی ساسانی عقب سکه آتشکده و ملحقات آن. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام. $۴/۱$. اندازه بملی متر یا قطر ۲۹ .

۷۸- دودمان: ساسانی نوعیت فلز: نقره. روی سکه: نامشخص ولی ساسانی. عقب سکه: آتشکده و ملحقات آن. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام. $۴/۱$. اندازه بملی متر یا قطر ۳۱

۷۹- دودمان: دوره وسطی (یفتلی ها) نوعیت فلز: نقره. روی سکه: نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: شواهد يك آتشکده. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: وزن بگرام. $۴/۲۳$. اندازه بملی متر یا قطر: $۳/۴$.

۸۰- دودمان: قرون وسطی یفتلی نوعیت فلز: مس. روی سکه نیم تنه شاه تاج بسر (يك نوع بخصوص و مشخص). عقب سکه يك هیکل استاده. (بعلت فر سایش زیاد نامشخص) چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه پلیت شماره ۲۱۲ کوبل وزن به گرام. $۱/۴$. اندازه بملی متر یا قطر: ۱۵ .

۸۱- دودمان: قرون وسطی (نیکی ملکه) نوعیت فلز: نقره. روی سکه: نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: آتشکده بادو هیکل استاده چگونگی و نمونه منتشر شده: مشابه سکه های ۲۲۲ کوبل وزن بگرام. $۴/۰$. اندازه بملی متر یا قطر: ۲۵ .

۸۲- دودمان: قرون وسطی (گدا یا پیسه) نوعیت فلز: نقره (غش دار) روی سکه: تقلید نادرست و نسبتاً خشن از سکه های نوع نیم تنه شاه بطرف راست. عقب سکه: خطوط که نمایندگی می کند از يك آتشکده. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه پلیت شماره ۲۴۰ کتلاک موزیم کلکته که توسط ویسن سمت در

۱۹۰۶ در اکسفورت بنشر رسیده وزن بگرام. ۴/۴. اندازه بملی متر یا قطر: ۱۷.

۸۳-دودمان: قرون وسطی (شاهی) نوعیت فلز: نقره
روی سکه گاو به طرف راست شیری سامانتا دیوا. عقب سکه
شاید يك اسپ سوار. چگونگی نوعیت و نمونه منتشر شده:
مشابه پلیت شماره ۲۴۰ کتلاک موزیم کلکته که توسط ویسنسن
سمت در ۱۹۰۶ در اکسفورت به نشر رسیده. وزن بگرام. ۲/۹۵
اندازه بملی متر یا قطر: ۱۸

۸۴-دودمان: قرون وسطی (کلچوری) نوعیت فلز: طلا.
روی سکه: نگارشات با نشانه های قدیمی. سری متکا: نکا یا
دیوا. عقب سکه: الهه نشسته چگونگی نوعیت و نمونه منتشر
شده: مشابه پلیت شماره ۲۵۲. وزن بگرام. ۴/۰. اندازه بملی
متر یا قطر: ۱۸/۵.

۸۵-دودمان: رومی. نوعیت فلز: طلا. روی سکه: باسلیکوس
(۴۷۶/۷). قسمت پیش روی نیم تنه. عقب سکه: رب النوع
پیروزی در حالت استاده که صلیب درازی را بدست گرفته
است و در پائین آن کلمه وکتوریا اوگ ک دیده میشود. چگونگی
نوعیت و نمونه منتشر شده: مشابه سکه شماره اول پلیت
شماره ۴۹ کتاب سکه زنی امپراتوری بیزانتین که توسط گوداگر
در ۱۹۵۷ در لندن بنشر رسیده است. وزن بگرام. ۴/۱. اندازه به
ملی متر یا قطر ۱۷/۶.

مباحث :

الن.ح.، ۱۹۳۶ کتلاک سکه های قدیمی هند در موزیم بریتانیا،
لندن ۱۹۳۶. گورد رینگتون. و. ۱۹۱۱ سکه های جمع آوری
شده ذریعه هانری ماگماهان در ژورنال سیستان انجمن سلطنتی
آسیائی. لندن ۱۹۱۱ ۷۷۹-۷۸۴ کولونی م. ۱۸۴۰ یاد داشت

کشفیات جوهرات از گندهارا. ژورنال انجمن آسیائی بنگال ۱۸۴۰ - ۹۹-۹۷ کوریل ر. ۱۹۵۳: مسکوکات سانسائی و کوشانو سانسائی در افغانستان خزینه مسکوکات افغانستان چاپ نشریات هیات دافه در افغانستان جلد ۸۱۷ و صفحات ۱۲۴-۱۲۷

فری، ر. ۱۹۶۲. میراث های ایران- لندن. ۱۹۶۲
آکن ژ. ۱۹۳۴: خزینه های مسکوکات قدیم در افغانستان چاپ روز نامه آسیائی سال ۱۹۳۵ صفحات ۲۸۷-۲۹۲.

مکداول، د. و ۱۹۷۸ دوره قبل از اسلام. باستان شناسی افغانستان لندن ۱۹۷۸.

میتچنر، م. ۱۹۷۵: مسکوکات هندو گریک و هندوسیت ها جلد ۹ لندن ۱۹۷۸

نیویل، ی. ت. ۱۹۳۸ ضرابخانه های سیلو ساید شرقی مطالعات سکه شناسی نمبر ۱، نیویارک ۱۹۳۸.

راپسون، ج. ۱۹۰۴: سکه های نقره ای قدیمی بلوچستان ژورنال سلطنتی انجمن آسیائی ۱۹۰۴-۳۱۱.

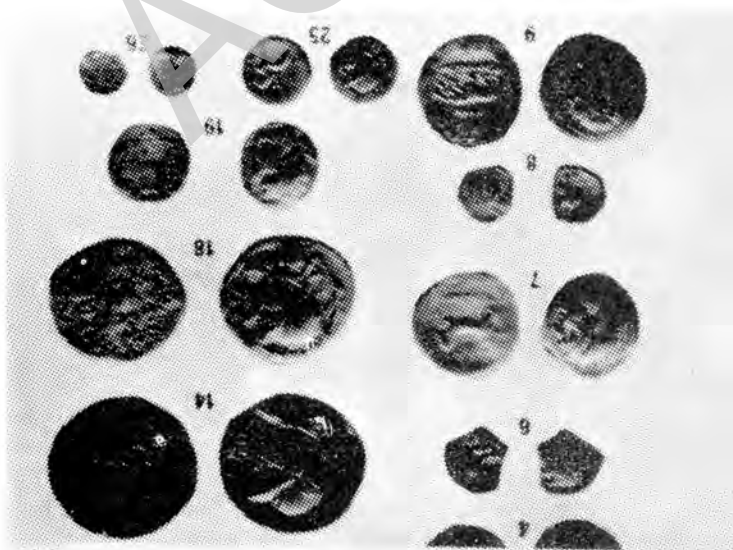
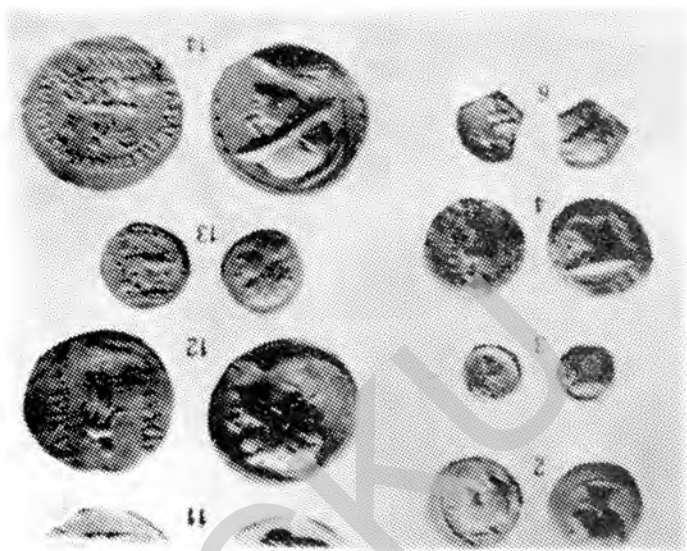
راپسون، ی. ج. ۱۹۰۴ قبل از میلاد: یاد داشت سکه های قدیمی جمع آوری شده سیستان ذریعه ج، پ- انجمن کمیسیون سرحدی سیستان ژورنال انجمن سلطنتی آسیائی ۱۹۰۴، ۶۷۳-۶۸۰
داکتر شولو مبرژه: ۱۹۵۳

مسکوکات و پول های یونانی در امپرا طوری آسمید.
خزینه مسکوکات افغانستان چاپ نشریات دافه جلد ۱۷ چاپ فارسی سیمو نیتا ۱-۱۹۵۷ مقاله راجع به مسکوکات نامیده شده هندو گریک شرق و غرب روم. ۱۹۵۷ تولستو ف، س، پ ۱۹۶۳ اسناد قصر تو پارک قلعه با تاریخ کنشکالیدن ۱۹۶۸، ۳، ۴-۳۲۶

22001



این هم چند نمونه از سکه های قبل از اسلام که در موزیم هرات وجود دارد



نمونه سکه های قبیل از اسلام در موزیم هرات

تتبع و نگارش: خلخی حیدری

مهاجرت یوچی (تخاری) هادر باختر

تاریخ و چگونگی مهاجرت قبایل بدوی و بادیه نشین را در آسیای مرکزی نمیتوان بدون ارزیابی اسناد و منابع چینی یونانی و رومی بشکل درست و منظم پژوهش و مطالعه نمود. برای بررسی تاریخ باستانی قبایل یوچی، هیونگ - نووی سون و ساکه ها و تماس و برخورد ها و جدل های این قبایل یکی با دیگر و چگونگی مهاجرت یوچی ها در باختر بهترین و معتبر ترین منبع دست داشته تاکنون درین میان اسناد و مدارک چینی میباشد، که از جمله مهمترین همه اینهاست:

۱- سی - کی یا شی - کی (اسناد تاریخی) که توسط سوما چین یا سیما تسین گرد آورده شده است (کار آن پیش از ۹۱ میلاد تکمیل گردیده است)

۲- تسین - هان - شو یا چو (تاریخ دودمان هان اول)

۳- هیو - هان - شو یا هو - هان شو (تاریخ دودمان هان دوم)

۴- وین - هسین - تونگ - کاو (دایرة المعارف) که در سده سیزدهم میلادی توسط ما - توان لین نوشته شده است.

از خلال منابع ذکر شده در بالا چنین بر میاید که یوچی ها برای نخستین بار در تاریخ، در کانسو شمال غرب چین بظهور رسیدند و تا مدتی در آنجا اقامت داشتند. در گذارشات هیو - هان - شو آمده است که کشور یا خطه یوچی های بزرگ (تا - یوچی) در ناحیه لان - شی - چی - ینگ واقع می باشد که از آن یسی در غرب بفاصله ۴۹ روز مسافت دور میباشد و بفاصله ۶۳۷۵ لی (۱) در شرق آن شهر لی چوانگ مرکز نمایندگی عالی چین (که در نواحی جنوب تور فان واقع است) موقعیت دارد. بهمین ترتیب لان - شی - یا محل اقامت یوچی های بزرگ از لویانگ (پایتخت چین) ۱۶۳۷۰ - لی فاصله دارد. تعداد مجموعی یوچی ها درینجا به یک هزار خانواده میرسد که نفوس مجموعی آن به چار صد هزار نفر میرسد (۲).

در این نواحی طایفه دیگری نیز زندگی مینمودند که در تاریخ

بنام هیونگ - نو یاد میشوند. هیونگ - نوها مردمان بادیه نشینی بودند که با سایر اقوام بادیه نشین بصورت پراکنده در نواحی منگولیا زیست می نمودند ایشان در اواخر سده سوم پیش از میلاد تمام اقوام پراکنده آن نواحی را تحت رهبری خویش به هم متحد نموده و یک اتحاد وهم پیمانی جدیدی را بوجود آوردند هیونگ - نوها بدون شك نسل مردمانی بودند که در ازمه های پیشین بنام هیون - یو (Hun-ya)

یاد می شدند. امروز عقیده کلی بر آن است که هیونگ نوها به نوبه خود اجداد کسانی اند که واقعه نگاران اروپائی ایشان را بنام هون ها یاد می کنند. بهمین ترتیب هون ها مردمانی اند که با اقوام بربر دیگر یعنی دی (Di)

هارتباط نزدیک داشته اند. قبایل دیگری که در آغاز با هیونگ نوها در اتحاد در آمدند بمرور زمان از صحنه تاریخ محو گردیدند. بهر حال در ۱۷۶ یا ۱۷۴ پیش از میلاد جنگ سختی بین یوچی ها و یونگ - نوها در گرفت که در اثر آن یوچی ها شکست خورده و مجبور شدند تا کانسو را ترک نموده بسمت غرب حرکت کنند. قسمتی از طایفه یوچی که توسط نویسندگان چینی بنام یوچی های خورد (سیاو - یوچی) یاد شده اند قادر نبودند تا کتله بزرگتر قبیله یا یوچی های بزرگ (تا - یوچی) را در این مهاجرت دنبال نمایند، بطرف جنوب برگشته و در دره تارم بین مردمان سرحد که به نام کیانگ یاد میشدند جاگزین گردیدند. گروه بزرگتر با گله ها و رمه های شان بمنظور یافتن چرا گاهها بطرف غرب حرکت نمودند که در مسیر خویش بایک طایفه دیگر بادیه نشین بنام وی سون بر خوردند. در جنگ و بر خورد شدیدی که بین یوچی ها و ایشان صورت گرفت وی - سون ها شکست خورده و رهبر آنها نان - تیو می کشته شد. یوچی ها باز هم به مهاجرت خویش بطرف غرب ادامه داده و پیش از ۱۶۰ پیش میلاد با مردمان دیگری که به نام سی سای یا ساک یاد میشدند در نواحی جهیل (اسیک کول) کلاویز شده و آنها را شکست داده و به فرار مجبور نمودند. ایشان در اثر این شکست از دست یوچی ها مجبور بعقب نشینی در کی - پن شدند. یوچی ها برای مدتی در سرزمین های تازه به تصرف آورده شان باقی ماندند تا اینکه در حوالی ۱۶۰ پیش از میلاد پسر رهبر مقتول وی - سون ها که تحت نظارت

هیونگ-نوها بزرگ شده بود با حمایت ایشان جهت انتقام گیری پدرش بر یوچی ها حمله نموده و آنها را بعد از شکست مجبور ساخت تا از سر زمین جدید اشغالی شان بیرون روند باز هم گروه بیشتری از یوچی ها مجبور به مهاجرت به طرف غرب شدند. ولی عده کمی از آنها با متابعت از وی سون-هادر همانجا باقیماندند. بعد از ۱۶۰ ق.م تقریباً برای يك نسل دیگر بی نام و نشان میمانند تا اینکه پیش از ۱۲۸ پیش از میلاد دو باره به صحنه میایند.

از بررسی گذارشات چینی دو مرحله مشخص مهاجرت یوچی ها را به روشنی میتوان ملاحظه نمود، نخست از ناحیه کانسو به قسمت بالائی ایلی که در ۱۶۰ پیش از میلاد پایان یافت و بار دوم مهاجرت آنها از قسمت بالای ایلی به تاهیا یا تاهسیا که در حوالی ۱۲۹ یا ۱۲۸ پیش از میلاد صورت گرفته است (۳). ولی از بررسی يك یاد داشت مختصر چینی (۴) چنین معلوم میشود که یوچی ها بعد از شکست سال ۱۶۰ پیش از میلاد بطرف غرب رفته و تاهیا (باختر) را اشغال نموده اند. آنچه در مجموع میدانیم این است که سالیان بعد از ۱۶۰ پیش از میلاد برای یوچی ها سال های پر درد سری بوده است که همه آن به جنگ و ستیز و زدو خورد گذشته، که در اثر آن از نقطی به نقطه ی به مهاجرت پرداخته اند. تا اینکه مسکن گزین گردیده اند (۵).

چنانچه از گذارشات چانگ-کین بر میآید یوچی ها در ۱۲۸ پیش از میلاد از جنگ و زدو خورد به ستوه آمده بودند و بیک زندگی آرام و صلح آمیز نیاز مبرم احساس مینمودند. زیرا درین وقت نسل جدیدی از آنها رویکار آمده بود که برای ایشان بر خورد ها و شکست های سالیان پیشین یعنی سالهای ۱۷۴ و ۱۶۰ جز خاطرات دوره طفولیت چیزی بیش نبود.

در ۱۳۸ پیش از میلاد ویوتی (Wuti) امپراتور دودمان هان چانگ-کین را بحیث نماینده خاص خویش نزد یوچی ها فرستاد تا زمینه اتحاد ایشان را با دودمان هان چین علیه دشمن مشترك شان هیونگ-نوها میسر گرداند اینک یوچی ها درینوقت در کدام ناحیه زیست مینمودند و چانگ-کین از کدام راه نزد ایشان رفت در اسناد دست داشته چینی ثبت نگردیده است. ولی در مجموع

چنین تصور می شود که چانگ کین راه شمال را در پیش گرفته رفته و بعداً از طریق ایرکشی تام به فرغانه رسیده و بگمان غالب یوچی ها در اینوقت هنوز هم در شمال سیر دریا اقامت داشتند. چانگ-کین در راه مسافرتش به ترکستان چینی توسط هیونگ نوها دست گیر و برای مدت بیش و کم ده سال نزد آنها اسیر ماند. او بالاخره با همراهانش راه فرار در پیش گرفته و خود را به تایه وان (فرغانه) نزد ساکه هارسانید که ایشان زمینه مسافرت او را از طریق کانگ-کیو نزد یوچی ها میسر گردانید. او بالاخره بین سمرقند و دریای آمو در يك منطقه با همراهانش جاگزین گردید.

از این مطلب چنین بر می آید که قسمتی از مردمان کانگ-کیو که بگمان بیشتر از طرف سبای وانگ نیز تقویت گردیده بودند، مانند یوچی ها از سیر دریا گذشته و در نواحی شمالغرب و غرب اقامت گزیده بودند، ضمناً بگمان زیاد قسمتی از یوچی ها پیش از ایشان این مسیر را طی نموده بودند. چنانچه چانگ-کین گذارش داده است که آن عده از کانگ-کیو ها که در جنوب دریا اقامت داشتند تحت تسلط سیاسی یوچی ها قرار داشتند و آن عده دیگر که در شمال دریا بودند. تحت تسلط هیونگ-نو ها قرار داشتند (۶)

یوچی ها در ۱۲۸ پیش از میلاد بین سمرقند و آمو اقامت داشتند و گرچه باختر تحت تسلط آنها قرار داشت ولی از آمو عبور نکرده بودند با وجود آنکه عده از محققین با این عقیده اند که حینیکه چانگ-کین در ۱۲۸ یا ۱۲۹ پیش از میلاد با یوچی ها در تماس بود، ایشان بر تاهیا یا باختر تسلط کامل داشتند ولی دانشمند الف-ک. نارین (۷) با در نظر داشت بر رسی هایش از فصل يك صد و بیست و سوم کتاب سی - کی یا شی-کی سوما-چینی و مطالب تیسین هان شو و هو-هان شو چنین بیان نموده است که تسلط کامل سیاسی یوچی ها بر باختر یا نواحی جنوب در یای آمو بمراتب بعدتر صورت گرفته است از جانب دیگر دانشمند پاول بر نارد. با در نظر داشت کاوشها و تحقیقاتی که در آی خانم بعمل آورده است، باین عقیده است که شهر آی خانم بین سالهای ۱۴۷-۱۴۵ پیش از میلاد توسط مهاجمین بربر که از شمال

آمو آمده بودند ویران گردیده است. در صورتیکه این مهاجمین یوچی ها بوده باشند نظر دانشمندان این قسماً مردود شناخته میشود و نظریه قبلی تقویت بیشتر میابد (۸).

درشی-کی یا شی-چی پیرامون موقعیت باختر چینی آمده است: تاهیا که در جنوب دریای آمو موقعیت دارد، بفاصله بیشتر از دو هزار لی در جنوب غرب تایه وان (فرغانه) واقع میباشد آنها (اشاره ایست بمردم باختر) مهاجر و خانه بدوش نبوده دارای خانه ها و شهرها میباشد که همه دیوار دارد.

رسوم و سنت های شان مانند مردمان فرغانه میباشد. آنها دارای شاهان یا رهبران بزرگ نبوده ولی در برخی از شهرها وقصبات کوچک شان رهبران و روسای وجود دارد. عساکر آنها ضعیف بوده و در امر نبرد کار آزموده نیستند. در تجارت و مسایل مربوط به آن باندازه کافی پیش قدم هستند. زمانیکه یوچی های بزرگ (تا-یوچی) بطرف غرب مهاجرت کردند برایشان حمله ور شده و آنها را شکست دادند و تمام تاهیا یا باختر را تحت تسلط خویش در آوردند. نفوس شان در مجموع بیشتر از یک ملیون بوده و پایتخت آنها شهر لان-شی چی-ینگ (شهر دیوار دار لان شی) میباشد. ذکر کلمه تاهیا در منابع چینی همواره اشاره ای است بر مردمان باختر زمین یا جنوب دریای آمو که این اصل را تقریباً تمام محققین تأیید مینمایند (۹).

طوریکه گفته آمدیم تمام منابع چینی یوچی ها را فاتح باختر می دانند، در حالیکه سترابو (۱۰) فتح باختر را به چار قبيله بربر نسبت می دهد که عبارتند از اسائی، پسپانی، توخاری و ساکارولی. تور گوس آنرا بدو قبيله اسائی و ساکا راوکی نسبت داده است.

دانشمندان چون تارن چار پنیتر (۱۱) هالون (۱۲) و بئخ هوفر (۱۳) نظر سترا بورا در قسمت سه قبيله آن مورد تأیید قرار داده اند. گروه اسائی و ساکارولی ذکر شده توسط سترابو بدون شك همان دو قبيله اسائی و ساکا راوکی ذکر شده توسط تور گوس میباشد. درین میان صرف يك قبيله قسماً ناشناخته باقی می ماند و آن عبارتست از توخاری که آنهم بگمان بیشتر همان یوچی های ذکر شده در منابع چینی میباشد.

نام توخاری به آن‌عه از مردمی خطاب میشد که شهری داشتند در راه ابریشم بنام توگارا (thogara) (۱۴) و تالمی ایشان را بنام قاگوری (thagoroi) یاد نموده است. چینی هانیز از آثار و بقایای توگارا در سده دوم پیش از میلاد در کانسو آگاهی داشتند. بهمین ترتیب از موجودیت این نام در نواحی کانسو متون تبتی نیز یاد آوری نموده اند.

بهر حال در يك سند کشف شده ساکا از ختن که مربوط سده هشتم میلادی میباشد آمده است که شهری بنام توگارا (thaugara) در کانسو موجود بود. از جانب دیگر اپولو دورس بیان داشته است که توخاری هادر سده دوم پیش از میلاد از جای دیگری به باختر آمده اند. که شاید این جای ذکر نشده کانسو باشد. ولی مورخین چینی نشان داده اند که کسانی که در آن زمان از کانسو به باختر آمدند یوچی ها بودند. بهمین ترتیب بار دیگر از گذارشات اپولو دورس و پلینی (۱۵) چنین بر می آید که در زمان حکمرانی ایو قیدموس (در حدود ۱۹۰ پیش از میلاد در گذشته است) در حوزه تارم هیچ توخاری وجود نداشت. توخاری ها نظر به گذارشات پلینی بمراتب بعد تر در آنجا آمدند. بار دیگر مورخین چینی نشان داده اند که قسمتی از یوچی ها (یوچی های کوچک) درین زمان در حوضه تارم اقامت گزیدند که تاریخ آن چند سال محدودی بعدتر از ۱۷۴ پیش از میلاد میباشد.

نویسندگان هندی همواره یونانی ها و یوچی های کوچک را بنام توکارا یا توخاری یاد کرده اند. در حقیقت حینیکه در هر بخشی از منابع چینی بنام یوچی برمی خوریم درعین بخش از گذارشات سایر منابع نام توخاری را بعوض کلمه یوچی میابیم چه این منابع و متون هندی باشد. چه تبتی و چه یونانی و یا ساکا.

گذارشات و رویداد های مسافرت چانگ-کین همان طوری که توسط سی-کی (Sse-Ki) ذکر گردیده بود در فصل ۹۶ تاریخ دودمان اول هان (۲۰۶ پیش از میلاد - ۹۴ میلادی) توسط پان-کو باعین شکل و از دید این مطالب دو باره گذارش داده شده است:

الف: پایتخت قلمرو یوچی ها شهر کین-چی (Kien-chi) یا لان شان (Lan-Shan) بوده... وکی-پین (Ki-Pin) در سرحد جنوبی آن موقعیت دارد.

ب: قلمرو یوچی به پنج بخش تقسیم گردیده بود که از این میان نخستین آن هیومی (Hieou-mi) بوده که مرکز آن شهر هو-می (Ho-Mi) بود. دومی چونگ (Choung-Mo) که پایتخت

آن نیز به عین نام یاد میشود. بخش سومی کوی-چوانگ (Kouei-Chouang) یا کوشان (Kushan) که مرکز

آن شهر هو-تساو بود، بخش چارمی هیتون بود که مرکز آن

شهر پوما (Po-Ma) یا بامیان بوده و پنجمی کاو-فو (Kou.Fo) یا کابل بوده که مرکز آن نیز بهمان نام یاد میشود.

این پنج بخش در مجموع زیر کنترل یوچی های بزرگ (تا-یوچی) قرار داشت.

طوریکه در بالا نیز اشاره شد تاهیا که مرکز آن لان شی یا بدخشان کنونی بود قبلاً در تصرف یوچی ها در آمده بود. و طوریکه در منابع هو-هان شو-تسین هان-شو هردو، آمده است همین تاهیا به پنج بخش تقسیم گردیده بود که از بخشهای مذکور در بالا نام بردیم. ولی گزارشات تسین هان-شو با هو-هان شو در دو مورد از هم مغایرت دارد:

نخست، بعوض اینکه در هو-هان شو نگاشته شود که در کشور تاهیا پنج قبیله زندگی می کرد، آمده است که یوچی ها امپراتوری تاهیا را بین پنج هی-هو (Hi-Hou) تقسیم نمودند دیگر اینکه بعوض نام کاو-فو بصفت بخش پنجم نام تومی (Tumi) ذکر شده است.

بهر حال گذشته از این نظریات و گزارشات مختلف و گونه گون، فان-یی (Fan-ye) در فصل ۱۱۸ تاریخ دودمان دوم هان (۲۵-۲۲۰ میلادی) نگاشته است که بعد از گذشت یکصد سال شهزاده کیو-شوانگ یعنی کیو-تسیو-کیو بر چار قبیله دیگر حمله ور شده و همه رامطیع خویش گردانید و باین ترتیب خود را

شاه (وانگ) یا حکمرای سلطنتی گرداند که کومی-چوانگ یا کومی-شوانگ نامیده میشود. این شاه کشور انسی (An-si) یا پارتی‌ها را بشمول خطه کاو-فو (کابل) تحت تسلط خویش در آورده و بهمین ترتیب کی-پن و پو-تا را نیز اشغال نموده و خود را حکمرای کامل و مستقل این مناطق گردانید.

سلطنت یونانو باختری که در سده دوم پیش از میلاد بمیان آمد با وجود داشتن موفقیت‌های چشمگیر نظامی و بذل توجه به هنر و فرهنگ، یک سلسله نارسائی‌هایی نیز داشت که مهمتر از همه مشکلات و ناسازگاری‌های داخلی آن میباشد.

آخرین پادشاه یونانو باختری هرما یوس بود که در اواخر سده اول پیش از میلاد در کابل و مناطق اطراف آن سلطنت می‌نمود خطه او از چار طرف توسط دشمنان خوانده و ناخوانده اش محاصره شد بود. ساک‌ها از طرف شرق پهلوها از طرف غرب ویوچی‌ها از سمت شمال او را تهدید می‌نمودند و باین ترتیب سلطنت کابل مدت زیادی برای او دوام نکرد. مسلط شدن کیو تیسو-کیو یا کجو لاکد فیزس را بر کابل، از بررسی مسکوکات او بخوبی درک کرده می‌توانیم از مشاهده سکه‌های نوع هرما یوس کجو لاکد فیزس باین نتیجه میرسیم که او در مراحل اول به شکل حکمرای مستقل در کابل سلطنت ز کرده است بلکه او و هرما یوس یکجا باهم حکمرائی نموده‌اند. و این مطلب سوالات زیادی را بین دانشمندان و محققین بوجود آورده است که چه رابطه بین این دو وجود داشته است. برخی از محققین این رابطه را یک پیوند خویشاوندی بین هرما یوس و کجو لاکد فیزس میدانند. بهر حال این حکمرائی مشترک دیرپا نبود و بعد از مدت کوتاهی کجو لاکد فیزس بصورت یک پادشاه مستقل عرض اندام نمود و بر سلطنت دو صد ساله یونانو باختری‌ها که در آن سی و نو شاه و دو ملکه حکمرائی نمودند خاتمه داد.

BIBLIOGRAPHY

- 1-Baldev Kumar,
The Early kushans. India 1973,
(A History of Rise and progress
of the kushan power under the
Early kushan Rulers from kujula
kadphises to Vasudeva) pp.7-19
- 2.Chattopadhyay, B.
The Age of the kushans. Culcut-
ta, 1976.
(A Namismatic study) p-
p. 1-6
- 3-Hulsewe. A.F.P.
China in Central Asia, Belgium,
1979.
(The Early Stage: 125 B.C.—A.
D. 23)
- 4-Mc Govern, W. M.,
The Early Empires of Central
Asia (A Study of the Scythians
and Huns)
- 5-Mukherjee. B.N.,
Studies in Kushan Geneology
and Chronology Vol.1. 1976.
- 7-Puri, B.N.
The Indo-Greeks. Oford, 1957,
pp. 128-164
- 7-Pari, B.N.
India Under the Kushans. India
1965.
- 8-Skrine. F.H.
The Heart of Asia. London. 1899,
pp. 3.21
- 9.Sulimirski, T.,
the Sarmations. England 1970,
pp.112 ff.
- 10-Tarn. W.W.
The Greeks in Bactria and India.
Oxford, 1951, pp. 270-313.

پاورقی ها

- ۱- لی (Li) واحد مسافه چینی بوده و معادل ۵۷۶ متر میباشد.
- ۲- الف.ك. نارین (هندوگریك) ص، ۱۳۱
- ۳- الف.ك. نارین (هندوگریك) ص، ۱۳۳
- ۴- الف. ویلی (یاد داشت های از مناطق غربی) ترجمه بخش اول فصل ۹۶ و فصل های اول تا ششم چین -هان- شو- یا تاریخ دودمان اول هان. که توسط پان کو نگاشته شده است. ص، ۲۰ شماره دهم نشریه انستیتوت انتر یولوژی.
- ۵- هیرت (سرگذشت چانگ کین) ص، ۹۴ نشریه انجمن شرق شناسی اضلاع متحده امریکا ۱۹۱۷.
- ۶- هیرت (سرگذشت چانگ کین) ص، ۹۶، نشریه انجمن شرق شناسی اضلاع متحده امریکا، ۱۹۱۷. «شرق» باید در اصل شمال یا شمال شرق، باشد. «شرق» باید تایه دان ویوچی باشد.
- ۷- هیرت. ص، ۹۷، آنها در شمال اکسوس زندگی میکردند و پای تخت شان نیز در آنجا بود.
- ۸- الف.ك. نارین (هندوگریك) ص، ۱۳۸.
- ۹- کاوشهای آی خانم در سال ۱۹۷۸ (نشریه هیات مشترک تحقیقات باستان شناسی افغانستان و فرانسه) اپریل جون ۱۹۸۰.
- ۱۰- و.و. تارن (یونانی ها در باختر و هند) طبع دوم کمبریج صفحات ۲۹۵-۲۹۸.
- ۱۱- و.و. تارن (یونانی ها در باختر و هند) (ص، ۲۸۴ و پیا ورقی ۴) تارن معتقد است که درین شکلی نیست که اپولو دورس مستقیماً از منابع سترابو استفاده نموده است. گرچه از نام او ذکری بعمل نیاورده است.
- ۱۲- ZDMG، ۱۹۱۷ صفحات ۳۲۲-۳۷۰
- (Zeitschrift der Dufchen Morgenlandischen Gese llschaft)
- ۱۳- ZDMG، ۱۹۳۷، ص ۲۴۴،
- ۱۴- نشریه انجمن شرق شناسی اضلاع متحده امریکا ۱۹۴۱ صفحات ۲۴۳-۲۴۴
- ۱۵- و.و. تارن (یونانی ها در باختر و هند) طبع دوم، کمبریج ص ۲۸۵.

تتبع و نگارش: نیک سیر

نگاهی مختصر برگستره

امپراتوری کوشانی

پیش از اینکه بحدود و وسعت امپراتوری کوشانی ها نظر اندازی شود و در این زمینه مختصر گفتاری فراهم آید، لازم میافتد تا از پس منظر زندگی این سلسله پادشاهان نکاتی چند گفته شود، زیرا هر مساله‌ی در هر زمینه‌ی که مطرح می‌گردد، دارای گذشته‌ی است. که این گذشته روی شرایط اقتصادی، اجتماعی مقطعی از زمان بنیاد گذاشته می‌شود.

سلسله کوشانی ها و امپراتوری وسیع شان ناشی از حرکت و بیجا شدن يك تعداد اقوام صحرائشین بنام «یوچی‌ها» میگردد. که این اقوام در نتیجه فشار احتمالی روز افزون «هون‌ها» در حدود نیمه دوم قرن اول پیش از میلاد از حدود آسیای میانه شرقی به جانب غرب و جنوب غرب پیش آمدند. که بعد ها از يك سلسله تغییرات کمی و کیفی بنام «یوچی‌ها» یاد شدند.

البته چون هر حرکت و کوچ از یکجا بجای دیگر لازمه برخورد اجتماعی میباشد. این قوم نیز در حدود دریای آمور (یا هم نظر به عقاید بعضی مورخین وادی های پنجاب به بعضی مردمی بنام های «کوی شونگ» «تومی» «هیوتان» و «شونگ‌می» بر خوردند و بر آن ها مسلط شدند.

قوم «یوچی» در نخست دارای هیچ گونه راه و روش عقیدتی نبودند و تنها طبیعت آنها را به خود مشغول میداشت. ولسی در نتیجه تماس زیر تاثیر عقاید و تفکر مردم باختر قرار گرفتند و به مرور در ساحه فرهنگ بومی شان جای خود را باز نمودند و به نام «کوشانیان» مسمی گردیدند البته این برخورد و نزدیکی شان با مردم این منطقه تهدیدی بدولت «یونانو باختری» نیز به شمار می رفت.

حدود اقتدار و ساحه پیشروی کوشانی ها نظر به بلندی و پائینی قدرت شان نشیب و فراز زیادی داشته است. چنانچه در زمان

سلسله اول کوشانی، یعنی خاندان «کدقیزس» ها و همزمان با اوج قدرت دولت ساسانی (حدود نیمه اول قرن سوم میلادی) قلمرو نفوذ کوشانی محدود می نمود. ولی در زمان امپراتوری «کنشکای» اول و «هویشکا» این حدود، وسعت زیاد تری — خود را یافت.

بعضی عقیده دارند که در زمان کنشکا قدرت این امپراتوری تا ماورالنهر گسترش یافته، که البته این نظر محتاج دلایل بیشتر می باشد زیرا تا حال اسناد معتبر در زمینه بدست نیست، ولی آنچه مستدل می نماید، اینست که این طرف آمو دریا تحت نفوذ فرهنگی کوشانیان بوده است. چنانچه اصطخری یکی از شهرهای سغدیان را بنام «کوشانیه» یاد می کند. و ابن خرداد از آن هم پافراتر می گذارد و میگوید که فرمانروای منطقه بین آمو دریا و سیر دریا بنام «کوشانشاه» یاد می شده است که این نکات سغدیان را در دوره نفوذ کوشانی ها تحت اداره این امپراتوری نشان می دهد. که باز هم این مساله تحقیق و نظر یابی بیشتری را ایجاب می کند نکته دیگری که در زمینه قابل یاد آوری می نماید، اینست که حکام محلی سغدیان و فرغانه تا حدود قرن هفتم میلادی خویشان را از سلسله نسب کوشانشاهان یاد کرده اند. که این مساله در موردش دلیلی مبنی بر تقویت نفوذ کوشانیان می باشد.

درین جا باید گفت که بخش دیگر نفوذ فرهنگی و اجتماعی کوشانیان و وسعت آن در دیگر نقاط وابستگی بدین بودایی نیز پیدا می کند. زیرا مطالعه این دین در زمان کوشانی ها قسمت مهمی از شناخت فرهنگی عصر این امپراتوری بشمار می رود. بر اساس برخی نظریات تاپیش از بقدرت رسیدن کنشکا نفوذ دین بودایی تا آن سوی دریای آمو یعنی ماورالنهر رسیده بود. که با بمیان آمدن این شاه مقتدر، این نفوذ توسعه بیشتر یافته و تا حدود چین پیش رفته است. چنانچه با تشویق و حمایت کنشکا هیأت های تبلیغی دین بودایی روانه چین شده و از طرف امپراتور چین (مکتی) استقبال نیک گردیدند. که عقیده (اوریوف) در زمینه مساله را روشن می نماید زیرا او در رساله یی بنام (مطالعات باستانشناسی در آسیای میانه) می گوید که در اثر حفاریات

(ایرام) نزدیک (ترمز) معلوم گردیده که این شهر در قرابست دهنه آمو در دوران کوشانی به بلندترین آبادانی خود رسیده و دو معبد بودایی در داخل آن موجود بوده و همچنان معبد دیگری بالای تپه مجاور بنام (قزه تپه) دیده شده که بعضی بخش های از معبد مذکور بشکل دهلین ها و سموچ های نقاشی شده وجود داشته که تعداد زیادی از سنگ نوشته های که از معبد مذکور بدست آمده و خوانده شده توسط «لوکونین» نشر گردیده است، نمایانگر ارتباط دین بودایی بازمینه های اجتماعی امپراتوری کوشانی می باشد. همچنان در قبال این مسایل وسعت امپراتوری مذکور با قرابت به نفوذ بودیزم متکی به اسناد کتیبه ها، سکه ها، معابد، تیکرها و غیره میباشد، که توسط دانشمندان گوناگون بنا بر رایه نظریات متفاوت پیشکش گردیده است که یادآوری همه از حجم اندک این نوشته خیلی بدور می نماید. یک نکته که تأیید مکرر گردیده و زیاد روی آن متکی باشواهد حساب می شود، اینست که دوره کنشکا مقتدرترین دوره بوده و وسعت امپراتوری کوشانی زیادترین حد خود را داشته است. چنانچه برویت سکه ها و کتیبه ها (هندو گندهارا)، سرخ کوتل و تپه سردار غزنی این مساله تأیید شده که وسعت امپراتوری کوشانی از ماورالنهر تا دریای گنگا بوده است.

در عهد (کجو لاکد فیزس) نیز در دو طرف هندوکش سلطه کوشانی ها پهن بوده و با اساس اسناد ثبت شده تجارت در مناطق دور دست باختر و گندهارا رواج داشته است. و سکه های طلایی و مسی شاه مذکور که از این مناطق بدست آمده، شاهد مدعاست. در زمان این شاه راه ابریشم حیثیت تجارتی خود را داشته و راه های کاروانی از مرز های چین (سکیانگ)، (شنگهای) تا پایتخت قدیم پارتیان یا اشکانی ها می گذشت، که در بازگشت بباختر رسیده و در بلخ این راه دو شعبه می گشت، و مرز های بیشتری را شامل بود.

این راه تجارتی در حدود سال دهم سلطنت کجو لاکد فیزس تصادف می نماید، که وی توانست در ایام قدرت خود، حدود سلطه خویش را تا دورترین مرز های غربی و شمالی یعنی بحیره کسپین برساند و در عین حال حکمروایان خود را به حدود هند و وسطی

و پنجاب بگمارد که این نکات تا بای وسعت امپراتوری کوشانی را در آن زمان ارایه می دارد.

باساس اسنادی که در اثر حفریات باستان شناسی بدست آمده مراکز عمده فرمانروایی کوشانی با وسعت تمام عبارت از (Bactra)، کاپیسا (Kapica) تکسیلا (Taxila)، متهورا (Mathura) است. که در قبال آن البته در زمان های مختلف این سلسله اوج و نزول و وسعت و حدود سلطه یی شان دیده می شود. بعضی را عقیده بر اینست که در دوران اوج سلطه و قدرت کوشانی ها و وسعت خاک شان در شمال تا بحیره اورال رسیده، که این نظر به اساس سکه های که از خوارزم بدست آمده، مورد تأیید و تفسیر «تولستوف» دانشمند اتحاد شوروی قرار گرفته است. ولی بعضی بعداً برین نظر بنگاه تردید دیده اند. زیرا می گویند در آن زمان که کوشانی ها نفوذ وسیعی داشتند. در خوارزم و سغد یانه سکه های وجود داشته که دلالت بر استقلال آن مناطق مینماید یعنی تحت نفوذ و اداره کوشانی ها نبوده اند. اما بهر حال باید گفت که در زمان قدرت کوشانی ها و وسعت امپراتوری مرز های شمالی خیلی پهن بوده و تا حدود آن طرف آمو تاغیسار هم رسیده است. که این نظر تا هنوز هم قابل تأیید می باشد.

نکته یی که در این جایادآوری آن خالی از مفاد نیست، موضوع ارتباط تجارتي و تبادلہ ی کوشانی ها با قلمرو های بیرونی و دور افتاده است که نمایانگر علاقمندی شان باز دیاد تجارت و دیگر انواع ارتباطات با ملل دیگر بوده است.

آثار مکشوفه بگرام که متشکل از مودلهای گچی با چهره های یونانی، عاج های هندی، ظروف شیشه یی مصری و حکاکي های گوناگون است و به قرن دوم و سوم بعد از میلاد تعلق می گیرد، نمایانگر این حقیقت است که کوشانی ها به کشور های دور افتاده ارتباط داشته اند. این نظر از روی مسکوکات این دوره نیز تأیید شده میتواند. زیرا در روی سکه های کوشانی اشکال خدایان (هلنی رومن) مانند هیرا کل، افسستو، سرا پیست، خدایان ایرانی مانند میترا، اردو کشو، اتروپری، ترینه و نیز

خدایان هندی مثل شیوا، مزه‌نیا و بودا دیده شده‌اند. که البته این شواهد دلیل ارتباط و نزدیکی اقوام و احکام کوشانی با دیگر ملل جهانی بوده است.

کنشکا دارای امپراتوری مقتدری بوده و با تدبیر و صلابت تمام حکمروایی می‌کرده است. چنانچه قلمرو او از جانبی به امپراتوری‌های پارت‌ها و چین محاط بوده و از طرف دیگر با امپراتوری رومن‌ها نزدیکی بهم میرسانده، هیچکدام از این قدرت‌ها خیال تخطی و قدم‌گذاری را به قلمرو کوشانی در سر نداشته‌اند. که این نمایانگر اقتدار و عظمت فکری کنشکا بود. این عظمت و وسعت امپراتوری کوشانی در زمان کنشکا به اولاده او نیز انتقال یافت. چنانچه بعد از او پسرش (واسیشکابین سال‌های ۱۲۳-۱۳۳-۱۴۰) بعد از میلاد قدرت را بدست گرفته و توانست با هیبت تمام سلطنت کند. بعد هم پسر دیگرش که نایب‌السلطنه کشمیر بود، به قدرت رسید، که این عظمت تا قرن سوم بعد از میلاد ادامه پیدا کرد.

جان.م. روزنفلد در بخشی از کتاب خود بنام «هنر دوره کوشانی» می‌گوید: «شاهنشاهی کوشانی در روزگار کنشکا شاید به زروه قدرت خود رسیده بود، و در دنیای آن روزگار آن یک ابر قدرت به حساب می‌رفت، اما بی‌شک دانشمندان امروزی این تمایل وجود داشته که در باره وسعت اراضی آن مبالغه نکنند...»

بگفته این دانشمند با اساس شواهد عینی باستان‌شناسی حضور کوشانیان فقط در نقاط متهورا، تکسیلا، پیشاور، بگرام و سرخ کوتل دیده شده، که با اساس این واقعیت نقاط مذکور واقعاً از نقطه نظر فرهنگ و اصالت‌های هنری و اجتماعی کوشانیان مهم بشمار می‌روند. دست آورد های هنری چون شایبای بگرام و معبد و کتیبه سرخ کوتل و در حدود یک صد و بیست و یک معبد خانوادگی کوشانی در متهورا، گنجینه عظیم ساسان و اقزار و کشف محله اشرافی و بازار در بگرام و استوپه کنشکا در پیشاور و امثال آن در نقاط متنوع دیگر نمایانگر وسعت این شاهنشاهی است. اما اینکه بگفته (روزنفلد) در این مورد مبالغه گردیده، سخنی است که محتاج بحث زیادتر می‌باشد.

این دانشمند عقیده دارد که به اثر تحقیقات و حفاریات پوهنتون (اله آباد) در (کوشامبی) این نتیجه بدست خواهد آمد، که برای مدت کوتاهی که بوده شاید نفوذ کوشانیان در آن منطقه نیز وجود داشته، که خود حکایت از پیشروی سلطه فکری این دودمان را می کند.

بودن کوشانیان در سراسر منطقه گندهارا (دره سوات، کابل) و همچنان در کشمیر و بلخ نیز به مشاهده رسیده، زیرا شواهد کتبی درین زمینه ها نکاتی را به دست می دهد، که به صورت قطع نفوذ فرهنگی کوشانیان را در آن جا تثبیت می نماید.

البته در ماورای این نقاط یعنی آن طرف بلخ و دریای آمو و آنسوی کشمیر شواهدی بدست است که کوشانیان را در آن نقاط مسلط نشان می دهد، که این شواهد البته قاطعیت تمام نداشته و محتاج تحقیق بیشتر میباشد. چون در یک دوره معین نمیتوان توسعه و وضع کمی و کیفی یک منطقه را تشریح نمود و برای تحقق آن اسناد و شواهد معین و مطلوب ضرورت است. در مورد موقعیت و وضعیت موقف امپراتوری کوشانی نیز مساله چنین است. که محتاج آرایه دلایل بیشتر میگردد. آنچه بصورت یقین میتوان گفت. وسعت نفوذ سلسله شاهان کوشانی در اوج قدرت شان دارای شعاعی بفاصله بین متهورا و بلخ بوده است. که درین حدود میتوان ارزیابی های فرهنگی و اجتماعی این دودمان را جامعه عمل پوشید.

قدرت و سیطره کوشانیان بر حوزه تارم (بین سلسله کوه های تیان شان و کونلون بفاصله بیش از هزار و پنجاه میل) نیز دقت بیشتری را ضرورت دارد. زیرا اسناد و شواهدی که درین زمینه وجود دارد، بگفته (م، روزنفلد) قابل تامل و دقت می نماید و هم این منطقه از نگاه سوق الجیشی نیز دارای اهمیت بوده و معلوم نیست که کوشانیان از نگاه تجارتي یا از نقطه نظر نظامی باین جا علاقه گرفته اند. و هم مدت سیطره و نفوذ شان به یقین دانسته نشده و مطالعه بیشتری را نیازمند است.

تخارستان و نقاط مهم آن یعنی بغلان و قهندز، بدخشان (که البیرونی قهندز را پایتخت تخارستان می گوید و منظور قندز امروزیست) نیز روز گاری تحت نفوذ امپراطوری کوشانی

بسر برده اند. و بخصوص که از بدخشان سکه‌های مربوط کوشانی بدست آمده و همچنان از قهندژ گنجینه‌های زیاد مربوط کوشانی و ماقبل آن نیز دیده شده، که دلالت به حضور کوشانیان بر این منطقه مینماید.

خوارزم (حدود مجرای سفلی دریای آمو) نیز از جمله نقاطیست که وجود امپراتوری کوشانیان در آن نمایان گردیده است. زیرا باثر حفریات باستان شناسی اتحاد شوروی در (توپر و قلعه) و (اعجاز قلعه) اسناد و شواهدی بدست آمده است که دلیل به صحت موضوع مینماید.

بلغ و حدود آن را هم می‌توان در چوکات قلمرو کوشانی شامل دانست، زیرا حفریات باستان شناسی بخصوص وجود «معبد سرخ کوتل» در بخش جنوبی آن برهان قاطع بر بودن سلسله کوشانی بر این منطقه است. اگرچه که در تمام حفریات وسیع و دامنه داری که در بخش شمالی صورت گرفته، کدام سندی زنده بدست نیامده که بتوان بر آن اتکا کرد. ولی با وجود آن بلغ را نیز از جمله نقاط اصلی امپراتوری کوشانی باید بحساب آورد. زیرا بلغ در نقطه تلاقی چار منطقه پارت، هندوستان تورون و دنیای مغلی قلعه «شکست ناپذیر» کوشان شهر بوده است.

چون از منطقه «زرافشان» در جوار سمرقند تعدادی سکه‌های کوشانی بدست آمده، حکایتگر آنست که منطقه «سغدیان» یعنی بین دریای آمو و سیر دریا که شامل بخارا و سمرقند و حدود آنست، در یک اتحاد و نزدیکی با امپراتوری کوشانی بسر میبرده‌اند. زیرا گفته شده که در حدود سال (۸۳) میلادی یکنوع قرار داد همبستگی بین کوشانیان و حکمرایان «سغدیان» بوجود آمده است.

بعضی را عقیده بر آنست که کوشانیان قدم تا حدود خراسان نیز گذشته‌اند، زیرا از ضرابخانه‌یی که در «مرو» کشف گردیده، نمود سکه‌های «کوشانوساسانی» بدست آمده است. ولی این عقیده تا جای ضعیف مینماید زیرا امکان دارد که وجود این سکه‌ها در «مرو» شاید دلیل بودن ساسانی‌ها بر این منطقه

باشد، تا کوشانی ها. گویا این مساله نیز مانند بعضی مسایل دیگر مربوط باین نوشته محتاج گفتگو و تفحص بیشتر باشد. با شواهد و اسنادی که از «بگرام» بدست آمده است و

باساس گفته «هیوان تسنگ» زایر چینی که «کاپیسا» را شهر شاهی یاد نموده و باستناد به کشفیات «پا یتاوه» حوالی چاریکار و «شترک» (چار کیلومتری بگرام) می توان گفت که کاپیسا از جمله نقاط مهم استواری دولت شاهنشاهی کوشانی بوده باشد. همچنان «کاپیسا» منطقه ایست که علاقمندی شاهان این سلسله بخصوص کنشکا را بخود جلب کرده است.

باساس سکه های متاخر کوشانی «اراکوزیا و سیستان» نیز خود را به قلمرو کوشانی نزدیک ساخته و همچنان «گند هارا و اودیانا» که از پایگاه های قابل استفاده این امپرا توری است. باساس تصویر عجیب یک مرد «هندوسیتی» و دوریلیف دیگر از آن در پته های زینه یی که از وادی سفلی «سوات» کشف شده، جز این امپراتوری بشمار میرود. و نیز «هیوان تسنگ» کنشکا را پادشاه «گندهارا» میداند، که این موضوع با وجود استوپه کنشکادر پیشاور و کشف «جبه کنشکا» از آن وکتیبه یی شاپور در «نقش رستم» به واقعیت می پیوندد.

کابل هم باساس دریافت مجسمه سوری درخیرخانه و کشف یکتعداد سکه های «ویما کد فیزس» در بعضی استوپه ها از گرد و نواحی کابل و پیدایش استوپه بودایی در وردک متعلق به «هوویشکا» در حوزه نفوذ قدرت کوشانیان شامل می شود. زیرا این منطقه باساس شواهد مذکور از جمله نقاط مهم نفوذ این امپراتوری می باشد.

از جمله حدود امپراتوری کوشانیان، منطقه جلال آباد (در قدیم نگارا هارا) نقطه مهم و قابل یاد آوری به شمار می رود. زیرا این منطقه با داشتن ذخایر مربوط به کوشانی مورد توجه است. هده و استوپه های «بیماران» و همچنان بقایای سه مجموعه معبد بودایی که از خاک جلال آباد بدر آمده

آنها با ارتباط به مسایل کوشانی می توان ارزشمند گفت. مجسمه های مربوط باین منطقه (رومی بودایی) بوده واز (ستوگ) ساخته شده است. و بطور یقین می توان گفت که جزا هم «کوشان شهر» بحساب میروند. درین جا باید تذکر داد که ترسیمات زیادی از لباسهای کوشانی بر نقاشی های سنگی هده بنظر می خورد که نگرهار را از مراکز عمده کوشانی وانمود می نماید.

نقاط دیگری که در جمله حدود کوشانی بحساب می روند، عبارت از (تکسیلا و پنجاب غربی) اند که مرکز مهم کلتوری و سیاسی بوده و سه منطقه قابل ذکر درین جا بنام های «تپه بهیر» «سیر کاپ» و «سیر سو کله» وجود دارد، که هر کدام بنوبه خود ارزش خاصی دارند. بخصوص که در منطقه «سیر کاپ» حفريات مفصلی انجام گرفته است، همچنان نوشته های سنگی که در «سوی و بهار» یعنی شانزده میلی جنوب غرب «بهاول پور» کشف شده، حاکی از آنست که تسلط و نفوذ کوشانیان تا جنوب پنجاب رسیده است.

کشمیر هم ازین نقطه نظر منطقه ایست که باید از آن تذکری داد، زیرا که دره علیای «جهیلم» یک بخش «کوشان شهر» بوده و تاریخنامه خانوادگی سلاطین کشمیر بنام راجاتر نجینی (تالیف عالم کشمیری کلها نه) نیز اشاره به پادشاه تروکشه (هوشکه، جوشکه، کنشکه) یعنی (هوویشکا، واسیشکا و کنشکا) می کند. که هر کدام ازین ها مبادرت به ساختن شهری کرده اند شهر متهورا و زیاده از یکصد و پنجاه کتیبه ی که مطعلق بجلگه علیای گنکا می شود، حضور کوشانیان را درین جا نشان داده و نمایان می سازد که یک معبد خانوادگی کوشانی هم درین منطقه پیدا بوده است. باید گفت که متهورا یکی از دو مکتب هنری کوشانی است، که در قبال مکتب هنری کندهارا عرض اندام می نماید. و درعین حال در حفظ و نگهداشت آثار تاریخی نقطه ممتاز بحساب می آید.

وجود سکه های زیاد کوشانی در منطقه سفلی گنگاهم نمایانگر قدرت این سلاله درین منطقه است. زیرا «اوریسه»، «مایور بهنج»، «ستیل گهر» «بوکسر» و «سیتابهنج» نقاطیست که این ذخایر سکه را بخود جای داده اند. و اکنون سکه های «اوریسه» را بنام «پوری کوشان» می گویند.

نفوذ و وسعت خاک امپراطوری کوشانی باساس بعضی روایات ضعیف تا «دکن» هم رسیده است. و این مساله را بدین واسطه ضعیف میتوان گفت که اسناد کتیبه‌یی کمتری درین مورد بدست است. در آخر می توان گفت که چون وسعت و پهناوری نفوذ کوشانیان در زمان کنشکا پله آخرین خود را طی می نمود. او از پایتخت های دوگانه تکسیلا و بگرام تمام مرزها و حدود امپراطوری خود را چه در شمال افغانستان و چه همسایگان غربی اش را تا شرق هند و چه کشمیر و سند و چه جنوب «مهراشتر» را اداره و کنترل می نمود. که این خود وسعت آن امپراطوری را تحقق می بخشد. ولی نکته‌یی که درین جا تکرار آن لازم می افتد، اینست که نباید درین مورد مبالغه بیش از حد صورت گیرد. زیرا تاجای امکان بایستی حقایق مدنظر گرفته شود.

منابع استفاده

- ۱- هنر دوره کوشانی- اثرم. روز نفلد- ترجمه استاد سرور همایون
- ۲- هند تحت تسلط کوشانیان- اثر پوهاند ضمیر صافی
- ۳- از: فشرده نوشته پروفیسور اسکندروف دانشمند اتحاد شوروی بنام «مطالعات دوره کوشانی»
- ۴- تاریخ امپراطوری کوشانیان نوشته نظر محمد عزیز
- ۵- شماره (۲۸۰) مجله آریانا سال (۱۳۴۷)
- ۶- شماره نهم سال دوازدهم مجله آریانا
- ۷- شماره دوم سال ۱۳۵۸ مجله «تحقیقات کوشانی»

کجولا کد فیزس او دهغه ډول ډول نو مونه

کجو لاکد فیزس د چینا یانوله خوا د (کیو تسیو کیو)
(۱) Kieu-tsieu-kio یاکیو تسیو خیو Kieu-tsieu-khio

په نامه شوی همدارنگه د کجولا کد فیزس نوم په یونانی رسما
الخط د ده په خپلو مسکو کا توکی د کوزو لوکد فیزس (۲) او کوزو
لاکد فیزس (۳) په نامه لیکل شوي او کجولا کاسا (۴) کجولا کاسو
(۵) کویو کافسا (۶) کویولا کادانا (۷) کجولا کارا کافسا (۸) او
کجولا کارا کاپسا (۹) نومونه د خروشتی په رسم الخطد ده دمسکو
کاتو په شاکنی لیکل شوي دي. راپسن لیکي چه کجولا کره کد
فیزس له کجولا کد فیزس سره توپیر لري او اضافه کوی چه
کجولا کره کد فیزس هغه څوک وه چه د زیونیزس Zeioonises
لایت یی د پوشکا لاواتی Puskalawati

پاچاهی په وخت کبسی ونیو امکان لري چه کجولا کاراکد فیزس له
ویما کد فیزس سره هم عصر اوهم دوره وي (۱۰). راپسن د دی
نظریی لپاره کوم قانع کونکی دلیل نلري (۱۱) څرنگه چه د
چینایی اسنادو له مخی ثابت شوي چه ویما کد فیزس (۱۲) د
کجو لاکد فیزس جانشین وه نه د کجولا کاراکد فیزس. په هر حال
د کجولا کد فیزس د سرکپ سکه Sirkap چه د هرما یوس
Hermaeus نیمه تنه بنسی دغه سکه په خروشتی تورو داسی
لیکل شوي... جولا کارا دراماتی Julakara Dharmats (۱۳). باید
وایو چه د سکه پیژندنی شواهدوله مخی معلومیژی چه د هرما
تیداسا Dhar matidasa کلمه د کجولا کد فیزس د سکو په مخ
لیدل شوي (۱۴) چه په ده پوری اړه لری. البیرونی کجولا کد فیزس
بارها تاتکن Barhatatkin بولی
د کجولا کد فیزس فتوحات:

الف تاهیا Tahia :دهوهان شو Heouhanchou چه

په د لمرنی هان د کورنی تاریخ په چین کبسی دي په قول کجولا
کد فیزس د تاهیا په یوه سیمه کبسی دولایت مشر وه (۱۶) ده په
څلورو نورو ولایتو یرغل وکړ! او دا څلور سیمی یی ترلاسه کړي

او ځان یی د یوه سیمی قانونی پاچا چه د کوشانی پاچاهی په نامه یا دیده اعلان کړي (۱۷). په حقیقت کبښی دي د لمرنی کوشا نیانو د سلطنت بنسټ ایښودونکی وه چه د کوشا نیانو قلمرو د سفدیانی، باختر، د اوسنی تاجکستان، ختیځ، ازبکستان، ختیځ ترکمنستان او د افغانستان شمالی سیمو په گډون وه (۱۸) د کجولاکد فیزس دبری تاریخ دتاهیا پنځو برخوته په دقیق صورت نه دي څرگند شوی. مگر فانیسی fa-ye وایی کله چه یوچی د هونک نو Hongno له خوا مغلوب شو دوي تاهیا ته ولاړل او تاهیا یی په پنځو برخو وویشه وروسته دسلوکلو څخه کجولاکد فیزس د تاهیا څلورو نورو سیمو باندي حمله وکړه (۱۹) او دغه سیمی یی په بري سره ونیولی (۲۰) سپیچ Specht او سمت Smith (۲۱) عقیده لری چه وروسته د ډیری مودی څخه د تاهیا قلیرو وویشل شو. سل کاله وروسته د تاهیا تاریخ دهغه د ویشی څخه باید حساب شی نه د تاهیا د فتح د تاریخ څخه. لاکن د فانیسی نظریه داسی وه چه هغه فاصله او مدت چه د دغه دوو پیښو مینځ کبښی موجود ده ډیر وخت نه دي او د تاهیا د قلمرو ویشه ډیر ژر وروسته د (۱۲۶) پخوا د میلاد څخه تر سره شو. مگر کجولا کد فیزس دتاهیا په څلورو سیمو باندي وروسته د (۲۶) او (۲) په خوا د میلاد کلو مینځ کبښی چه تقریباً د میلاد لسم کال نه مخ کبښی وه یرغل وکړ څرنگه چه (وای لیو Wei-liao) لیکي چه د یوچی پاچا (مشر نه وه) دوهم کال د میلاد څخه پخوا یی سلطنت وکړ (۲۲). په دي معنی چه کجولا کد فیزس خپل ټول قدرت په ټول تاهیا کبښی په همدی تاریخ ټینګ کړ. د ده دفتوحاتو وروستنی کړ نلاره فانیسی Fanye له خوا په لاندی ډول تشریح شوی دي.

کجولا کد فیزس د (۱. سی A-si) په هیواد باندي حمله وکړه په دي یرغل کبښی یی (کاوفو، Kaofu هم ونیو. همدا رنگه ده (پوتاو Potao) او (کیپن Kipin) وران کړ او دي وروسته دنوموړ یو هیوادو حکمران شو. (کیو تسیو کیو Kieou-tzion.kio وایی چه کجو لاکد فیزس د اتیا کلو په عمر مړ شو (۲۳). ډیره مشکله ده چه د ده د قلمرو درست

اوموثق سرحد تخمین کرو او همد ده دفتوحاتو تاریخ و تاکو مگر په تقریبی توگه د تاریخ تاکنه او دهغه د قلمرو حدود ټاکلی شو. که چیری موژ دغه سوا لوند چينائی او يونانی ليکونکو په اسنادو کښی اوهم دسکو پیژندنی او لرغون پیژندنی اسنادو او شواهدو له مخی کیدای شی چه دا لویه ستونځه حل شی.

ب (۱. سی A-si) : ۱. سی (ان- هسیور- نگانسی)

An-hisor. Ngansi

چه د ارسا سید Arsacide هیواددهغه دنسبت ایښودونکی ارسا

سیس Arsaces په نامه یادشویدی. همدا رنگه د پارتی

Parthia په نامه چه د کسپین د بحیري په جنوب لویدیځ کښی

موقعیت لري یاد شویدی. دلته پار تیانو تر لمري پیری د میلاد

څخه پخوا خپل قلمرو ته پراختیاورکړه. د پار تیانو امپرا طوری

ایوفرات Euphrates څخه تر اراکوزیا Archosia (۲۴) او

د اموسین څخه د هند تر سمندر پوري پراختیا ورکړ او دا سیمی

دده د تسلط لاندی وی په دی وخت کښی هرما یوس Hermaues د

یونانی نسل چه د اکر اتیدس Eucratides د کورنی څخه وه

په منځنی او جنوبی افغانستان کښی یی سلطنت کاوه. پارتیان

تل له روم سره د ارمنی اغاره په جگړه بوخت وه، د دوی امپرا طوری

د نائب السلطنه له خوا اداره کیده چه ځینوی دیر قدرت درلود او

حتی ځینوی سلطنتی نومونه درلودل چه هغوی د ډیرو جگړو له

کبله دیر ضعیف شوی وه، یو له دغو نائب السلطنه یا پاچاو څخه

(فراتاسیس Phratases) یوه معاهده له روم سره د میلادی

پیری په لمړی کال کښی امضا کړه په دی معاهده کښی پار تیانو

تعهد وکاوه چه د ارمنی له چارو څخه لاس واخلي (۲۵) د ۱. سی

A-si فتح او بري د کجولا کد فیزس له خوا په همدی وخت کښی

تر سره شو کله چه هغه په تاهیا کښی د یوچی ټول ایالتونه

ونیول او مرکزی قدرت یی تر لاسه کړ مگر د ۱. سی A-si په

نیولو سره د پار تیانو ټول قلمرو یی تر لاسه نشو کړای

څرنگه چه دغه ډول قدرت غوښتونکی جگړي تر ۲۲۶ میلادی

کال پوري دوام وکړ (۲۶) پخوا له دی تاریخ څخه یوازی اصلی

(۱. سی A-si) قلمرو د تاهیا د کمانو تسلط لاندی راغی.

چ کاو فو ' Kao fu : تر دي وخته پوری د کابل سیمه
 ډیره ښه پیژندل شوي وه د کاوفو Kao fu کلمه د سانسکریت
 د کوښا له کلمې څخه اخیستل شوی چه د کابل د سین
 قدیمی او پخوانی نوم وه ۰۲۷. د کابل سین د کاو په نامه د
 پتولمی Ptolemy (۲۸) له خوا کوفس Kophes د
 سترابو Strabo له خوا (۲۹) او کوفین د فیلو ستراتس (۳۰)
 له خوا یاد شويدي چه له دی نوموڅخه د کاوفو نوم
 اخیستل شويدي. هرمايوس د یونانی اخی پاجا په کاوفو کښی
 د لمړي پیړی پخوا د میلاد څخه تر نژدي وختو پوری سلطنت وکړ
 حقیقت دا ده چه هرمايوس دپارتي امپرا طوری تاثیر لاندی وه ځکه
 دپار تیانو دامپرا طوری په لست کښی دختیځ ولایت څخه (۳۱)
 یادونه نه ده شوي. کله چه یوزیات شمیر مسکو کات چه په
 گوندا فارتز Gondapharens (۳۲) پوري اړه لری دبگرام او دافغا
 نستان له نورو ځایو څخه کشف شوي (۳۳). دمسکو کاتود څیرنو
 څخه داسی څرگنده شوي چه هرمايوس یا دیونانی نسل
 پاچاهی دیوی لنډی مودی لپاره دپار تیانو دامپرا طوری یوه برخه
 وه. چه دوي داوژدی مودی دپاره دهغوی دقدرت لاندی نه
 وه. وروسته د کجولا کد فیزس له خوا ونیول شو چه په لمړي پړاو
 کښی کجولا کد فیزس دهرمايوس تابع او متفق وه وروسته کجولا
 کد فیزس خپل استقلال اعلان کړ دهغو مسکو کاتو له مخی چه لاس
 ته راغلی دي جوتنه شوی چه کجولا کد فیزس هرمايوس یی مغلوب
 او خپلواک پاچاهی یی وکړه اودهغو په گډه اوچلا پاچاهی کښی
 دغه سکی خبری کړیدی.

الف: یوازي د هرمايسس سکی (۳۴).

ب: د هرمايوس او کجولا کد فیزس په گډه توگه سکی (۳۵)

ج: یوازي د کجولا کد فیزس سکی (۳۶)

د پورتنی سکو دشواهدو څخه معلومیږي چه

۱: هرمايوس لمړي مستقل او خپلواک پاچا د کابل په سیمه
 کښی وه.

۲: وروسته کجولا کد فیزس له هرمايوس سره په گډه حکومت
 وکړ مگر د یوي لنډی مودی څخه کجولا کد فیزس د هرمايوس څخه

قدرت و نیو او په سکو کبسی د کجولا کد فیزس نوم په خروشتی رسم الخط لیکل شویدي حال دا چه د سکو پرمخ د هر مایوس نوم په یونانی رسم الخط لیدل شویدي.

٣- وروسته کجولا کد فیزس په مستقل ډول حکومت وکړ او د ده په سکو کبسی د لوي امپراطور نوم لیدل شویدي. مگر دلته لنده فاصله او خلا د پارتي د حاکم گوندا فارنز د پاچاهی مینخ کبسی لیدل کیږی ده یوزیات شمیره مسکو کات ضرب وهلی دي چه په ډیرو ځایو کبسی د هغه سکی لیدل شویدي. وایت هیت

White-head

وایی چه د کابل په سیمه کبسی د لنډی مودي لپاره په مشترک ډول هر مایوس او کجولا کد فیزس حکومت وکړ. د یو اندو کریک شهزاده په سکو کبسی په خروشتی رسم الخط د کجولا کاسا نوم لیدل شویدي. پرته له دی چه د سکو پشکل او د چورونی په ډول کبسی بدلون راشی موز د کوشانیانو د مشر نوم کوزو یلو کد فیزس Kozoyloka dphizes په خیرد یونانی د یوی سکی په یوه مخ باندي لیدل شوی او په پای یاوروستنی دوره کبسی دهر مایوس نوم د سکو په مخ نه دي لیدل شوی وروسته له هغه چه کجولا کد فیزس په کابل کبسی د یونانو باختری اخرنی پاچایی له قدرت څخه وغور ځاوه (٣٧). مگر وایت هید اشتباه کړي چه پارتیان د کابل فاتحان دي.

گوبند پای Gobindpai لیکي چه د مسکو کاتو په مخ د باسیلوس ستیروس سیو.

Basillos. Ster os-seu

ارمایو Ermaion او خوشان سوزایو Khoshan. Syzaou, کوزولا کد فیزس Kozolakadphesis لیکنی د کجولا کد فیزس د سکو په مخ لیدل شوي وایی چه د Su یاسی Sy) کلمی د سوزوگو Sy-zagou د اضافی حالت مفرد دي چه (سی-زوغوس Sy-zugos مشترک معنی ورکوی یعنی د کجولا کد فیزس او هرما یوس کله پاچاهی (٣٨) څرگندوی دغه تشریحات د ورته والی له کبله نه دي ثابت شوی. د یوی بلی سکی په مخ (کوشان-سی زاوو کوزولا کد فیزس Kushan-Syzaou Kozola Kadphesis نوم او د سکی پر بل مخ د پاچانیمه تنه او سر (٣٩) چه د

اکوستوس Aygustum (۴۰) له څیري سره ورته والی لری نه د هرما یوس له څیري سره (۴۱) د (سی Sy) کلمه په ښکاره توگه د اضافی حالت پسوند دي او (زاوو Zaoou) د زاوس Saous د کلمی مفرد حالت دي.

راپسن Rapson یوځل بیا په دي هکله چه هرما یوس له کجو لاکد فیزس سره د هرما یوس دسلطنت په پای کښی گډ حکومت جوړ کړ. وروسته هرما یوس د کجو لاکد فیزس له خوا مغلوب شو او د کابل سیمه یی دهغه څخه ونیوه چه دا خبره د هغو دسکو له مخی تائید شویدی (۴۲). همدارنگه ستین کونو Stenko

پورتنی نظر تائیدوي او وایی کله چه کجو لاکد فیزس په پار تیانو یرغل وکړ په دي وخت کښی هرما یوس له کجو لاکد فیزس سره متفق شو ځکه هرما یوس ځان یی د پار تیانو فاتح گانه مگر وروسته د لنډي مودی څخه دکوشانی حکمرانانو او مشرانو هرما یوس ته دا موقع ور نه کړه چه دسلطنت څخه د مستقل پاچا په توگه استفاده وکړي نو په دی اساس کجو لاکد فیزس دهرما یوس څخه سیاسی چاری تر لاسه کړی (۴۳) وروسته راپسن

Rapson

خپلی نظریی ته تغیر ورکړ او وایی چه د کابل سیمه دخولسیزو لپاره د پار تیانو تر کنترول لاندی وه دا هم امکان لری چه اویا کاله وروسته د یاوانا پاچا کورنی وروستی حکمران کابل د پهلوي کورنی څخه کوشا نیانوقدرت ونیو (۴۴). همدا رنگه التیکار Altekar دهغو پنځو نوي مسکو کاتو له مخی چه نوی لاس ته راغلی دي وایی چه کجو لاکد فیزس او هرما یوس گډه پاچاهی در لوده چه په دغوسکو کښی چه یوشان نه دي د پاچا نیمی تنی څیري په کښی لیدل کیږي (۴۶).

د کجو لاکد فیزس سلطنت جلا کیدل د هرما یوس څخه دیوي اوژدي مودی لپاره کجو لاکد فیزس یی ډیرو ستونځو سره مخامخ کړ ډیره مشکله ده وویلشی چه ولی کجو لاکد فیزس د یوه بهرنی پاچا نوم چه هغه اویا کاله پخوا مړ شوي وه دخپل سکی په مخ د دوهم ځل لپاره لیکلی دي او د سکی په بل مخ خپله کجو لاکد فیزس د فاتح په توگه معرفی شویدی. په هر حال کجولا

کدفیژس یو زیات شمیر سکسی خپري کړی چه دغه سکى د امپرا تور اگوستوس Augustus د رومنی سکو په تقلید جوړي شویدی حال دا چه کجو لاکدفیژس هیڅ ضرورت نه درلود چه د تخنیکى له پلوه دا ډول سکى جوړي کړی ځکه دغه پاچا دکجولا کدفیژس له خوايى ماته کړي وه. حقیقت دا ده چه پورتنى پېښى چه ولیکل شوي د پوهانو ډول ډول نظریى وي چه د هغو څخه په لاندې ډول نتیجه اخلو:

۱: هرما یوس په ازاد او مستقل ډول دکابل په سیمه کښى حکومت کاوه چه د ده دسلطنت تاریخ په کابل کښى د لمړي پېړى پخوا د میلاد څخه او د میلادى پېړي په پیل کښى ښودل شویده. د هرما یوس د سلطنت په دوره کښى نقره اى مسکو کات ضرب وهل شویدی چه د تخنیکى او جوړونى له پلوه سارى نه لری چه په ځینو دغو سکو کښى د هرما یوس اودملکى کالیوپ Calliope نیمه څیره لیدل کيږي (۴۷).

۲- هرما یوس د ارا کوزیا پاچا گوندا فارن له خوا سخته ماته وکړه، کجو لاکد فیژس ته چه دتاهیا پاچا وه پنا هنده شو گونا فارن د ارا کوزیا پاچا په نامه یوزیات شمیره سکى ضرب وهلى دي. د گوندا فارن د تخت کشینا ستاسو تاریخ د تخت بهایى Takht-i-Bahi ډبرلیک له مخى یا د ده دسلطنت په شپږ ویشتم کال کښى لیکل شوي څرگند شويدي (۴۸). دغه ډبر لیک چه د وکراما Vikrama په عصر کښى ژباړل شوي ۴۶ میلادى کال ښودل شوي. د پور تنیواسنادو او شواهدو له مخى گوندا فارن په شلم یا یو ویشتم میلادى کال کښى په تخت کشیناست او کابل یى د (۲۰-۴۶) میلادى کلوو مینځ کښى ونیوه. بنرجى (۴۹) Banerji اومجومدار Majumdar (۵۰)

پورتنى ډبرلیک دساکا Saka دتصر په اصطلاحاتو ترجمه کړي او تاریخ یى ۱۸۱ میلادى کال ټاکلى دي مگر د دوى دغه ترجمه د لرغون پېژندنى اسنادو پر ضددي. څرنگه چه د گوندا فارن مسکو کات موندل شویدی چه دکنشکا او دهغه د جانشینا نود سکو څخه ډیر پخوا او رومى دى په دي وختو کښى د کنشکا او د هغه د جانشینا نو سکى د تاکسیلا (۵۱) څخه لاس ته راغلى دي.

حقیقت دا ده چه یو زیات شمیرد هرما یوس او کجو لاکد فیزس د سکو گډې نمونې موندل شویدی چه تاریخ یی د گوندا فارن ۵۲ د سکو څخه وروسته دي. دا د تعجب ځای نه دی چه دغه دری پاچا (هرما یوس، گوندا فارن او کجولاکد فیزس) هم عصره پاچا یان وه. د گوندا فارن پاچاهی د کجولاکد فیزس د پاچاهی څخه لږڅه وروسته وه.

۳- کجو لاکد فیزس پار تیانوته ماته وکړه وروسته یی په کابل باندي یرغل وکړ او هغه یی ونیومگر گوندا فارن له خپل سلطنت او د هغه نورو قلمرو څخه تر ۴۷۶ میلادي کال پوری استفاده وکوله. څرنکه چه د تخت بهایی د برلیک کبسی په روښانه توگه

Takhti Bahi

ښودل شویدي. دغه وخت د کابل په پاچاهی کبسی ډیره نارامی وه په دي وخت کبسی په گډه توگه سکی خپري شوی چه هرما یوس په دي سکو کبسی فاتح بلل شویدی د دغه سکی ښی نه دي جوړی شوی د سکو مخ ډیر زیز او بده څیره لری (۵۳). دلته دي نظریی څخه چه د گوبند پای Gobindpai له نوا ورکړ شوي د هغه ملاتړ نه دی شوي چه کالیوپ Calliope دهرما یوس ښځه او ملکه ده اوهم وایی چه کالیوپ له هرما یوس سره ډیر توپیر لري (۵۴). وروسته له څو وختو څخه کجولاکد فیزس له هرما یوس سره گډ حکومت جوړ کړ پس د لنډې مودې څخه کجو لاکد فیزس د هرما یوس څخه سیاسی چاري تر لاسه کړي کجو لاکد فیزس د څو مودي څخه یو ډول سکی چه درومن دیناری په څیر داگوستوس پاچا د سکو له مخی ضرب ووهلی. پان کو Panko لیکي چه کابل دیوچی د قلمرو اصلی ولایت وه (۵۶) که چیري دا څبره صحیح وي شاید کابل د ۲۴۰ میلادی کال نه پخوا یو چیانو نیولی وی (۵۷). لکن د پان کو Panku اظهارات دفانیی Fom-ye له خوا تایید شوي دی یو بل چینایی پوه (تومی Tou-mi) د کابل پر ځای کاوفو لیکي او وایی چه کاوفو دیوچی د قوم اصلی ولایت وه (۵۸)، چه دا نظر د فان یی لهخوا هم تایید شویدي همدا رنگه وایی چه د کابل بری وروسته د (آسی A-si) له فتحی څخه پینښ شوی. تومی وایی په هر حال کابل په ډیر زور سره

د گوندا فارن څخه وروسته دشلم میلادي نه و نیول شو. (۵۹).
 فان یی وایی چه کجولاکد فیزس د اتیا کلو په
 عمر مې شو (۶۰)، که چیري کجولاکد فیزس خپل سیاسی قدرت
 او سیاسی استحکامات د سلطنت په شلم کال کښی پیل کړي وی
 چه دغه تاریخ د میلاد څخه پخوا له لسم کال سره سمون خوري.
 په دي توگه کجو لاکد فیزس په (۵۰) میلادي کال کښی مړ
 شویدی د کابل بري د کجو لاکد فیزس له خوا په دیرشم میلادي
 کال کښی پښی شویدی اود نورو قلمرو فتح وروسته د کابل دفتحی
 څخه صورت موندلی دي.

د- پوتا یا پوتاو Pota-potao فرانک (۶۱) Frank او
 مار کوارت (۶۲) Marquet وایی چه پوتا د ارا کوزیا ۶۳ په شمال
 کښی موقعیت لري حال دا چه چاوان Chavannes دغه ځای
 بلخ بولی. مارتین Martin چه پتا نکا PathanKa یا
 پختا نکا Pakhtanka د پتان Pathan ۶۵ هیواد
 بولی. چاوان په ښکاره توگه په خپل نظر کښی اشتباه کړي ځکه
 د بلخ جغرافیایی موقعیت په پای کښی چه د کجو لاکد فیزس د
 قلمرو یوه برخه پخوا د کابل د بري څخه وه. هیرودوتس

Herodotus
 ۶۶ وایی چه پوتا د پختون او پتان سره یو شان دي. د پتان
 موقعیت د پېښور جنوب اولودیځ څخه تر اندوس پوری
 بولی هغه قلمرو او سیمه چه د پېښور شمال او کندهار الودیځی
 برخي په گډون دکپین په سیمه کښی دي.

ه- کپین Kipin : کپین د چینایی د جغرافی دیره مشکله
 او پیچیده اصطلاح ده چه دغه کلمه په مختلفو قلمرو کښی راز
 راز معنی لري. په چینایی منابعو کښی کپین یو معلوم او مبهم
 اصطلاح ده چه د یوه خاص هیواد له خوا تشریح شوي نه ده دکپین
 کلمه په مختلفو نومو لکه کشمیر، ناگار، اکندهار، اودیانا، یاد
 شویدي. (د پنی تین Pienyetien کتاب په یوه فصل کښی چه (تو
 شوتسی چینگ Tu-shu-tsicheng نومیري کپین او کشمیر یو شان
 گڼل شویدي. لاکن (او کونگ Ou-Kong کپین او کشمیر
 یو یوشان نه بولی او وایی چه دادواړه کپین او کشمیر سره جلا

دی. او کونگ وایې چه ما لمړی دکشمیر څخه لیدنه وکړه وروسته کپین ته په ۶۷ کال کښی ولاړم (سونگ یان Surgyen) له کندهار څخه یې په ۲۵۰ میلادی کال کښی لیدنه کړي وایې چه کندهارا او کپین څنګ په څنګ هیوادونه وه ۶۸.

چاوان او لیوي Levi د دغه نظر پښنهاد کوي چه دهان له وخت څخه د امود سین ۶۹ په شمالی برخو کښی د (چپین)

Chipin

یا کپین نوم کشمیر ته وبل کیده دغه دلیل د بودایی زیات کونکی په لیکنو کښی چه د تانګ Tang (۷۰) په عصر کښی لیکل شوي دي او په ځینو نورو اسنادو کښی له نوم سره چه د افغانستان ۷۱ لیکل شوي چه د کپین نوم کاپیسا په شمال ختیځ کښی موقعیت لري ورکړ شوی دغه نوم چه په چینایي اسنادو کښی لیکل شوي د هان Han کورنی پوری اړه لري چه دکپین نوم کشمیر دی بیل beal ۷۲ او تارن Tarn ۷۳ لیکي چه کپین له کوفن Kophen یا کابل ته وبل شویدی، همدا رنگه سمت وایې چه کپین په ځینی متونو کښی کاپیسا ته وبل شویدی (۷۵). په هر حال پیچ Petech همدا لري چه کپین په یقین سره کندهارا او لویدیځ پنجاب ته وبل کیده او د کپین بري په حقیقت کښی د کوشانیانو لمړی بری په هند کښی (۷۶) وه که چیري مور په انتقادی ډول Heou Han Shou دهان وروستی کورنی تاریخ) یاد داشتونه او لیکنی تر ژوروی څیرنی لاندی ونیسو داسی نتیجه اخلو چه د کافو Kaofu یا د کابل فاتح نوم هم لیکل شوي، کپین د کابل سیمه معنی نه ورکوي او یوازی پر کشمیر دلالت کوي، همدا رنگه هیوان تسانګ (۷۷) چینایي زیارت کونکی په خپلو لیکنو کښی اشاره کوي چه کپین نه دی بلکه کاپن Kapin دي کشمیر یوازی د طلا د پاره ډیر مشهوره او پان کو Pan Ku د کپین په هلکه ډیر یاد داشتونه لری چه کپین د طلا او نقره یی مسکو کاتو او مروجه پیسو له پلوه ډیر مشهور وه دا مسکو کات نه یوازي په کپین کښی په جریان او چلند کښی وه بلکه (ووشاو لی wo Yih Sheuli) ۷۸ هم نوموړي پیسی په چلند کښی وه. د گند هارا لویدیځی برخی او د پښور شمالی سیمی د کپین په قلمرو کښی شامل وه.

په هر حال د گند هارا ختیځی برخی د تاکسیلا د پاچاهی یوه برخه وه چه د اپولونیس Appolonius له خوا لیکنی شوی په ۴۳ یا ۴۴ میلادی کال کبني له نوموړي سيمي څخه لیدنه کړي وه په هغه وخت کبني فروتس Phraotes په دي سيمو کبني سلطنت کاوه (۷۹). همدارنگه د اپولونس په نامه کبني ليکل شوي چه فروتس د داندوس په ختيځ سيمه کبني حکومت کاوه ده په يوه قصر کبني چه دغه قصر يوازي د يوه منځني طبقی د کور په څير وه ژوند کاوه. فروتس له يوناني ليکونکو څخه سخته کرکه درلوده همدا ډول ده له مصري سفر کونکو څخه چه د ده په هکله يی ځيني دروغجنی قصی او داستا نونه ليکلی وه کرکه کوله په دي ډول فروتس له بر برانو سره مالی مرستی کولی تر څویر بران د ده د قلمرو د يرغل گرو په مقابل کبني مانع شی او هم بر بران خپل قلمرو (۸۰) وساتی. ښکاره خبره ده چه دپار تيانو پاچا چه داپولونس له خوا د فروتس په نامه ياد شوي په حقيقت کبني پرته له گوندا فارن څخه بل څوک نه دي چه په سکو کبني د(اپرا تيبها تا Apratihata په لقب ياد شوي (۸۱). فروتس خپل سلطنت او پاچاهی ته په تاکسیلا کبني دوام ورکړ او وروسته د کجولاکد فیزس له خوا له سلطنت څخه وژ غورل شو او د تاکسیلا په يوه عادي ځای کبني يی ژوند غوره کړ د هغه تنفر او انزجار د يونانيانو په مقابل کبني په دي دليل وه چه د نوموړي اتحاد او اتفاق له کجولاکد فیزس سره د ده پرضد کړی وه او کجو لاکد فیزس ته فروتس باج او غرمات ورکول چه د کوشانی او نور يرغل گرو څخه وژغورل شی. پورتنی بحث او دليل د تخت بهایی په ډبر ليک کبني تائید شويدی نوموړی ډبر ليک په (۱۰۳) کال کبني د گوندا فارن پاچا په وخت کبني خپور شو. همدا رنگه د لرغون پيژندنی شواهدو او اسنادو له مخی څرگند شوي چه گوندا فارن په تاکسیلا کبني دیوی او زوي مودی لپاره سلطنت وکړ تر څو کوشا نيانو (۸۲) د هغه څخه سیاسی قدرت ونيو. کجو لاکد فیزس د تاکسیلا په حکومت فشار واچاوه چه مالیه او باج ورکړی گونو Know په خپل نظر کبني

اشتباه کری وه چه سرکپ د تاکسیلا یوه برخه وه چه د کجولا
 Sir kap
 کد فیزس (۸۳) له خوا کجو وران او پرینودل شو ځکه په سرکپ
 کبسی د کجو لاکد فیزس د جانشین د ویما کد فیزس سکی موندل
 شویدي (۸۴)

د کپین د بري تاریخ تر اوسه د لرغون پوهانو مینځ کبسی تر
 بحث لاندې ده او په غوڅه توگه څرگنده شوي نه ده. لیوی Levi
 هغه کوي چه دغه ستونځه (تسین هان چو Tsiens-Han-chow
 هان دکورنی تاریخ په مرسته حل کړي.
 له هغه وخت څخه امپرا تور (ووتی woo-ti) خپلی اړیکي او
 مکا تبي له کپین سره ټینگی کړی دکپین پاچا سر بیره په دی له
 چین سره مخابراتی اړیکي درلودی بیانی هم هغه کوله څه د چینائی
 یرغل کړوله تجاوز څخه ځان وساتی پاچا وو تولاو woo-tou-laou په څو
 مرا سمو کبسی چینائی استازی ووژل.

... (پی موفو Yaemuhfo) د چین اویا استازی ووژل او وروسته
 خپل استازی د یوه لیک سره دامپرا تور در بار ته ولیږه په لیک
 کبسی امپرا تور ته د سر غړونی اخطار ورکړ شوي وه. مگر هیواد
 کبسی نا کراری شـره (یوان تی Yuan-ti) امپرا تور
 نوموړي استازی د (۴۸- او ۳۲ پخوا د میلاد څخه) مینځ کبسی له
 خپل هیواد څخه وویست او مخابراتی اړیکي هم وشلیدی د
 چینګ تی Chen-j-fi امپرا تور په وخت کبسی چه د (۷۳۲ او ۷) په
 خوا د میلاد کلو مینځ کبسی (۸۶) د کپین پاچاهی د دوهم ځل لپاره
 خپل استازی د یوه لیک سره چه په لیک کبسی د خپل اشتباه او
 غلطی بښنه غوښتی وه ولیږه. امپرا تور چینګ تی د کپین پاچاهی
 د لیک ځواب د رالیژل شوي استازی په لاس په ډیر د رناوی
 سره واستاوه او له دغه استازی سره یی څپل یو محافظ ولیږه تر
 څو نوموړی استازی خپل هیواد ته روغ او جوړ ستون شی.
 سمدستی د چین او کپین هیوادو مینځ کبسی د لوړ رتبه سفیرانو
 په سویه (۸۷) اړیکي ټینگی شوي دکپین استازی په ۲۵ کال پخوا
 د میلاد څخه بیرته خپل هیواد ته ستون شو (۸۸).

لیوي Levi وایی چه د کیپن حکمران هڅه کوله چه د چینایی امپرا تور پام د دوهم ځل لپاره راواړ وي کوم چه د پخوانی چینایی استازو له خوا ځینی ستونځی مینځ ته راغلی وي او د دغه ستونځو له کبله د دوی مینځ کښی اړیکی وشلیدی. ځکه د کیپن حکومت ځینی ناوړه او له خطر هڅه کارونه یی تر سره کړل. نو ځکه د کیپن پاچا خپل استازي د دوهم ځل دپاره دچینگ تی جانشین ۸۹ یوان تی Yuah—ti دچین امپراتور ته په (۳۲-۷۱) پخوا د میلاد څخه ولیزه چه وروسته کیپن د یوي لنډی مودی څخه د کجو لاکد فیزس له خوا د (۲۵-۷۱) کلو د میلاد څخه پخوا ونیو (۹۰). نوموړي تاریخ چه کجو لاکد فیزس په کیپن باندی یرغل وکړ او هغه یی ونیو دیرمخ کښی ښودل شوي مگر پان کو Pan—Ku په خپلو لیکنو کښی په دی هلکه داسی وایی چه دغه پیښی تر ۲۴ میلادي کال پوری دوام وکړ مگر له بده مرغه د فاتحینو نومونه یی نه دی لیکي. په هر حال د فان یی په قول کجو لاکد فیزس پوتا Pota او کیپن وروسته د کافو د بري څخه ونیو کافو د کجو لاکد فیزس له خوا په (۳۰) میلادي کال کښی تر لاسه شو پوتا او کیپن امکان لری چه د کجو لاکد فیزس له خوا وروسته د (۳۰) میلادي کال څخه او د (۵۰) میلادي کال څخه پخوا نیول شوي وی اودغه (۵۰) میلادی کال د هغه د مرگ تاریخ هم دي د کجو لاکد فیزس قلمرو اوسنی تاجکستان، ازبکستان ختیځ ترکمنستان، شمالی افغانستان (داوسنی شمالی افغانستان نیمايي خراسان، د لویدیځ پاکستان یوه برخه (دافغانستان له سرحد نه تراندوس پوري) او د کشمیر په ګډون وه، د تاکسیلا پاچاهی د کجو لاکد فیزس تابع او باج ورکونکی وه.

د کجو لاکد فیزس مسکو کات:

کجو لاکد فیزس یوزیات شمیر مسی مسکو کات د خپل پاچاهی په دوران کښی خپري کړی چه له نوموړی سکو څخه زیات شمیر یی له افغانستان (۹۱ دانی) اوله تاکسیلا څخه نوي دانی لاس ته راغلی دي. دغه سکی چه مریح شکل لري دسکو په مخ په یونانی رسم الخط او دسکو په شا په خروشتی رسم الخط لیکنی لیدل

شوي چه په لاندی ډول تقسیم شویدی.
۱- دسکی په مخ د هرما یوس نیمه خیره د تاج سره لیدل کیږي
چه په یونانی رسم الخط دغه لیکنی لري (باسیلوس ستیروس
سوایرمایو Basileos steros su دسکی په شا هیرا کلس مخ او تاج
Ermaiou.

په سر لیدل شوي په بنی لاس کبسی یی گرز نیولی او پر اوڅه
باندی یی د زمري پوستکی پروتدی په خروشتی رسم الخط داسی
لیکنی لری (کجولا کا ساسا کوشانا یاوو Kagula Kasasa
Klishana Yava.

کجولا کاسا سکه دکوشانی پاچایا مشر چی روزه یسی نیولی
ناستدی (۹۳). دغه سیکه یوه گده سیکه ده چی د کجولا کد
فیزس او هرما یوس له ضرب وهلی شوي.

۲- دسکی پر مخ د هرما یوس نیمه خیره چی تاج یی پرسرا یبسی
په یونانی رسم الخط داسی لیکنی لري (کوشانو کوزولا کد
فیزس

دسکی په شا د هیرا کلس مخ له تاج سره لیدل کیژی په بنی
لاس کبسی یی گرز نیولی او د زمري پوستکی د لاس په سر
اچولی په خروشتی رسم الخط لیکنی لری (کجولا کا ساسا کو
شانا یاوو کاسا دهرا ماتیداسا (۹۴) kagula kasasa kusana
Yavugasdh ramathidasa

دی سیکي څخه داسی بڼکاری چه کجولا کد فیزس او هرما یوس
په تدریجی ډول په گده حکومت کاوه. په همدی شان یو شمیر
زیاتی خرابی او استفادی وړنه وه د سکو نمونی
چه په گده ضرب وهل شوي شته دوی په ځینو چلیدونکی
او تحریف شوي یونانی سکی (۹۵) چه د هرما یوس نیمه تنه
خیره چه نه پیژندونکی ده لیدل شوي. په دغو سکو کبسی د یوه
پاچا نیمه تنه چه اوڅه وینستان او خیره یی د هرما یوس له څیری
سره ورته والی لري د دغه سکولیکنی په یونانی رسم الخط دی
او شکل یی مدور او گرد دی (۹۶) او په نورو سکو کبسی نیمه
تنه خیره لیدل کیژی چه مخ یی هرما یوس ته ورته والی لری او
لیکنی یی تقریباً یونانی دی (۹۷). نوموړی سکی په بڼکاره
ډول څرگند وي چه دا سکی په هغه وخت کبسی جوړي شوی کله

چه کجولا کد فیزس او هرما یوسد پار تیانو پر ضد په جگړه بوخت وه امکان لري چه کوشانی پاچا دسکو جوړونی لپاره ښه ماهر استاد نه وی استخدام کړي ځکه دا ډول د سکو جوړونه د ماهر او یوه استاد کار نه دي.

۳- دسکی پر مخ د پاچا سر لیدل کیږي چه دغه سر د اگوستوس Augustus سر ته نژدي ورته والی لری چه دده د پاچاهی په وروستیو وختو کښی جوړي شویدی د دغو سکو لیکنی خالص یونانی دي (کوشانسوزاوو کوزولا ک دافیس Khoshansu zaou د کوشانیانو د مشر سکه کوزولا kozola kadaphes

کد فیزس.

د سکی په شا د پاچا او در بال نوع خیره په ناستی لیدل کیږي پاچا په یوه ډول څوکی چه د روند او منځنی پښی فتر لرونکی دی په مخ یی ښکلی ټوټه فرش شوي چه دا ډول څوکی یوازی د روم عالی رتبه مامورینو او پاچا د استفادې لپاره وه ناست دي چه ښی لاس یی په څوکی اوژد ایښی دغه شکل () په دي سکه کښی لیدل کیږی د سکی رسم الخط روشتی ده (خاشاناسا یاوسا Khasanasa yauasa دهراماتیتا سا Kuyula kaphsas (sa) Chadhramatithasa

د کجو لاکد فیزس سکه د کوشانی مشر پاچا دي (۹۸) کوامر سوامی او بنرجی وایی چه په دي سکه کښی امکان لری دغه خیره د شیوا وي (۹۹) مگر یوازی د شیوا مخصوص سمبول چه د نندي غوای دي او په شیوا پوری اړه لري چه د ویما کد فیزس په سکه کښی نه لیدل کیږي. نوموړی سمبول چه په دي سکه کښی لیدل شوي په قوی گمان سره د بودایی د تري رتنا سمبول دی. دغه ډول سکی ښی چه کجولا کد فیزس یو مستقل او آزاد پاچا وه چه په خپل ټول امپرا توري باندی یی مسلط کړ او ده دغه سکی د اگوستوس د سکو له مخی چه رومی سر و نه یی درلودل کاپی کړي باید وویل شی چه د اگوستوس د پاچاهی اخري پراو له (۲۷) پخوا د میلاد څخه تر ۱۴ میلادي کال پوری) وه دغه سکی کاپی شویدي

۴- د سکی مخ د پاچا سر چه بنی خواته یی کتلی پر سر یی جنگی خولی له دوه تاو شوي بشکروسره لیدل کیژي په دغو سکو کبني په خالص یونانی رسم الخط باندي داسی لیکل شویدی (کوشانو کوزولا کوزولو کد فیزس او کد فیزیو .

د سکی په شا یو ولاړ سر تیری چه په سر یی مخصوص جنگی خولی چه بنی خوا ته کوري په لاس کبني یی غبني او مدور سپر لیدل کیژي په خروشتی لیک داسی لیکل شویدی (۱۰۰)
(کوجولا کوسا کوشا ناسا Kogula-Kausa-Kushanasa.

دغه مخصوصه خولی د جنرال اولوي سر تیری ملی خولی ده اوس د کجو لاکد فیزس مخصوصی سکی چه بهرنی تاثیر په کبني نشته ضرب وهلی او د ده دغه سکه خاص شکل او نښه لري.

۵- د سکی مخ کوهان لرونکی غوای چه بنی خواته ولاړ دي د سکی لیک یونانی دی دغه نښه او علامه (سمبول کد فیزس) لری. د سکی شایاندي دوه کوهان لرونکی او بنان چه په بنی خوا کبني ولاړ دي په خروشتی لیک داسی لیکل شوی (کوشانا کو یولا کارا کافسا Kushana Kuyula Kara kaphsasa.

(۱۰۱) د دغو سکو په مخ ډول ډول لیکنی لیدل شویدی لکه (ماها را یاسا را یارا سا کجولا کارا کوسا (۱۰۲)

Maharayasa Payarayasa Kagulakara Kaphsa Kayula kara
Kapsa Maharayasa Rayarayasa. Maharajasa Raj at iragasa
کننگ هم په یوه له دي سکو کبني د دیوا پوترا . deuputra نوم ویلی دي او دغه نوم صحت لری چه د نورو پوهانو له خوا تائید شویدی (۱۰۳). د کجو لاکد فیزس له خوا د لوي امپرا طور نوم هم لیدل شویدی دا ځکه چه هغه خپل اوج او قدرت ته رسیدلی وه د ده امپرا طوري له باختر څخه شروع او په هند کبني پای ته رسیدلی.

کجو لاکد فیزس باختر ته د دهغه او ښانو لپاره چه دوه کوهان یی در لودل زیات یی خوښول او مینه یی ور سره درلوده (۱۰۴). چه دغه دوه کوهان لرونکی اوبښان دده د سکو سمبول وټاکل شو او د کجو لاکد فیزس هند یی یوازی د شیوایی دین لپاره خوښ وه او کوهان لرونکی غوا (نندی) چه دشیوا مخصوص سمبول وه وټاکه. د کجو لاکد فیزس دین او مذهب: کجو لاکد فیزس خپل اصلی دین بودائی دین وټاکه. (دهارما تیدا: Dhar mathida) ۱۰۵ نوم چه معنی یی (مذهبی روژه نیول) او ساچا دارما تیدا (۱۰۶) Sacha dharm athild

حقیقی توگه عوضی روژه نیول چه د بودایی ضروری صفت او لغت دی.

دغه حقیقت د چینایی شواهدو له له مخی تائید شوی چه د یوچی پاچا په دوهم کال پخوا د میلاد څخه حکومت کاوه چه بودایی تعلیمات یی په پوره ډول زده کړی وه. د (وی لیو Wei lio) لیکنی چه تر اوسه ساتل شوی (د سان کو تچی San Koa tchi) له خوا دغه حقیقت ته اشاره شوی. دوهم کال د میلاد نه پخوا د (یوان تچو Yaman tchou) په لمړی کال کښی یو چینایی رسمی استازی د بودایی (سوترا Sutra) یی په مستقیم ډول د یوچی سفیر په چین کښی په شفاهی توگه زده کړه وکړه (۱۰۷). د وی لیو په یاد داشتو کښی چه پخوا د میلاد په دوهم کال کښی نه یوازی د یوچی پاچا ته اشاره شوی چه دغه د یوچی پاچا پرته د کجو لاکد فیزس نه بل څوک نه دی. کجو لاکد فیزس کله چه په هغه وخت (۱۰۸) کښی پنځه ولایت یی متحد کړل دي د یوچی د کورنی لومړی پاچا شو.

دلته د پوهانو او تاریخ لیکونکی مینځ کښی ډول ډول عقاید او نظریات د پورتنی ترجمه شوی اسنادو کښی موجود دی پانترز Panthiers بواپی چه په پین تین Pien I کښی چه

دوهم ځل د پاره په هند کښی خپور شوی داسی ترجمه شوی. د هان د (ای تی Ai Ti) دیوان تچو Yuaun Tcheou دوهم کال

پخوا د میلاد څخه د لوی یوچی پاچا له خوا یو پوه او نامتو بودایی مرید او استاوی چه (ای تسیون کیو I Tsun Keou) نومیده چین ته ولیږه په عین وخت کښی دغه استازی یو بودایی کتابد

چین در بار ته تسلیم کړ (۱۰۹). له بلی خوا سپیچ په دي هکله راز راز ترجمی کړی او وایی چه (په منځنی هند کښی یو روحانی او مقدس سړي چه چالین سی Cha linsi، نومیده هستوگنه در لوده) د هان د (ای تی Ai Ti یوان تچيو Youan techeou)

لمړی کال چه دوهم کال د میلادڅخه پخوا سره سمون خوري دچین امپرا طور کنگ لیو King lio ته دلوی یوچی پاچا له خوا یو استازی او نامتو بودایی پوه چه (ای تسیون کیو I sun keon) نومیده

د بودایی دین د تبلیغ دپاره چین ته ولیژل شو دغه استازی یو بودایی کتاب ځان سره درلودهغه یی د چین دربار ته تسلیم کړ

(۱۱۰) د سپیچ په قول کنگ لیو هندی وه او د یوچی استازی له خپل ځان سره بودایی کتاب نه درلود. په دي توگه سپیچ په خپل

نظر کښی اشتباه او سهوه کړي وه څرنکه چه یو زیات شمیر چینایی تاریخ پوهان او لیکونکی وایی حقیقت دا ده چه کنگ لیو د یوچی له خوا یو بودایی مرید او مبلغ چین ته ولیژه چه شفاهی تعلیم یی ورکاوه. په ۹۶۵ نه تر ۶۶۷ میلادی کال پوری تاو سیون Teo Sieun

داسی وایی چه د (ای تی Ai ti یوان تچيو Youah tcheou) په دوهم کال د میلاد نه پخوا کنگ لیو خپل استازی د لوی یوچی دربار ته د بودایی مذهب زده کړی لپاره ولیژه ولی نوموړي استازی کله چه د بودایی مقدس کتاب زده کړ

چین ته ستون شو (۱۱۱). په همدی په شان لیکنی مورن په (فان تچيولن Fa-iuen-tchoulin) کښی چه تاو چین Tao-chan په مرسته

په ۶۶۸ میلادي کال کښی لیکل شوی (۱۱۲) موندلی شو. کجو لاکد فیزس دهندویي مذهب شیویزم ته ډیر احترام درلود او هغه ته یی پر اختیا ورکړه (۱۱۳) وروسته نندي غوایی چه د شیوا

په زړه پوری سمبول وه او نندي Nandipada کلمه چه له دوه کلمو څخه ترکیب شوي په خپل مسکو کاتو کښی د سمبول په توگه وټاکه (۱۱۴).

د کجو لاکد فیزس مړینه. کجو لاکد فیزس د اتیا کلو په عمر مړ شو ۱۱۵ دغه تاریخ امکان لري چه له پنځوسم میلادی کال سره سمون خوری کله چه تاهیانور څلور ولایتو باندي یرغل وکړ

لسم کال پخوا د میلاد څخه وه. توماس . سمت. سرکار اومارشال په ترتیب سره د کجلا کجو لاکد فیزس د مړینی تاریخ ٤٠ میلادی کال ١١٦. ٤٥ میلادی کال. ٦٥ میلادی کال ١١٨ او ٨٠ میلادی کال نبودل شویدي. دغه تاریخ ٦٥ میلادی کال چه دسر کار له خوا ورکړ شوي ډیر وروسته دی. ځکه په دی وخت (دیارلس کاله) زیات کړي چه کجو لاکد فیزس د زوی ویما کد فیزس د پاچاهی وخت دي. په دی وخت (١٣ کاله) ویما کد فیزس دشمالی هند زیاتی سیمی نیوي او ځپل مسکو کات یی ضرب ووهل. دمار شال نظریه د کوشانی کرونو لوژی په کنیشکاپه ١٢٨ میلادی کال کښی په سلطنت کشیناست په پنځم فصل کښی په بحث او خبري وشي (١٢٠).

پا ورقی

- HHC, chap. 118 -١
 CCim, 65. No-1 -٢
 CBM p. 123. pl, xxv,5 -٣
 CCim; p. 65 No-1cbm; 122; pl;
 xxv; 3-4 -٤
 CC im; p. 66, plxl, 2 -٥
 cbm; p. 123, pl; xxv; 5 -٦
 ccpm. vol, 1. p. 182 p.n -٧
 ccim. p. 67, No.17; p; 1, xl-4 -٨
 nc; ser; lll; vol; xll; 1892 -٩
 chi; vol I. p. 58 -١٠
 nc, ser, lll. vol; xil; 1892. pp. 66-
 67 -١١
 pl; lv, 118 hhc, chap.118 -١٢
 Asiar, 1912-13, p. 52. No-49 -١٣
 CBM. p. 120. pl xxv. 1 -١٤
 Tha, vol, II 207-208 pp 10-12 -١٥

١٦- کجو لاکد فیزس دهیروس Herous زوي چه د تارن وائی چه کجو لاکد فیزس په اغلب گمان سره د هنیراوس نمسی

کوشا نیانو مشر وه. حال دا چه دي (ABI, pp. 505-507) له
 بده مرغه په دی هلکه مناسب اوموثق دلایل نسته چه پورتنی
 نظریات تائید او تصدیق کړي.

hhc, chap, 118 -۱۷

۱۸- دوهم نمبر نقشه دشوروی اتحاد د لرغون پیژندونکی په دی
 نژدي وختو کښی یو خراب قصر په خلچایان په منځنی آسیا کښی
 کشف کړي. دوي وایی چه دغه ښار او قصر د کوشا نیانو لمرنی
 مرکز وه.

hhc, chap-118 -۱۹

Ja, qe; seric; tomex; 1897; pp, 152 -۲۰

JRAS; 19030 pp; 28,28 -۲۱

hhc, chap. 118, trans by specht
 in Ja; 1883; p. 324 IA, 1903.p. -۲۲

417 IA. 1917,p. 261 seechap II
 hps pp. 362-27 -۲۳

Aicl. p. 31, -۲۴

hps. p. 387 -۲۵

hps. p86 -۲۶

Rg-veda,x. 27 Jrascns vol
 xv, pp. 359-60 -۲۷

OGP. chap 18-2AIP.p. -۲۸

Geagraphy book xv. 26 -۲۹

Aiel.p. 192 -۳۰

psic, p. 9 -۳۱

۳۲- گوندا فارن د پار تیانووالی یا نائب السلطنه په اراکوزیا
 کښی وه او وروسته دي دپار تیانوخیلواک پاچاشو ده کابل او تاکسیلا
 ونیوا ما کابل یی لادیر ژر له لاسه ورکړ او هڅه یی کوله چه په
 تاکسیلا باندي حکومت وکړی هغه په شام میلادی کال کښی پر
 تخت کشیناست.

CHI, p. 577 -۳۳

CBM, P. 62 -۳۴

- Cbm, p. 126, pl xxvi icr, pl; II; 7.
Chinol I -۳۵
pl vl 14 cbm, p, 122 pl. xxv. 3-4
ccim. p. 66; pl; xl,2 cbm, 123; pl-
xx; 5 nc; series Iu, vol, xII -۳۶
1982; pp. 66 67; pl; lv 9.12 JUS
vol, v. 1947. pp. 78, 79
- 6LI 'd 'I 'foa 'umCC -۳۷
Nia vol, I, 1988- 39. p. 269-71 -۳۸
Photograph. I -۳۹
Phtograph. II -۴۰
Photagraph III -۴۱
ICR. p. 16 -۴۲
Cpi No, II pt. I p -۴۳
Chi, vol, I. pp. 516 562 -۴۴
Jih; vol. xII. p. 29. -۴۵
Jnsl, vol Ix, pt; I. 194 7pp. 6.8. -۴۶
Chi. pp. 560 61 -۴۷
- ۴۸- تخت بهامی Takht-i Bahai دلودیخ پاکستان دنوشهر په ۲۴
میلی کبسی پروت دي او دغـدبرلیک د ماها را یا گودو
هارا Maharaya Guda vhara (کوندا فارن پاچا په وخت کبسی)
لیکل شویدي.
- Ia. 198, pp. 61-62 28 -۴۹
Ia. 1917. pp; 267-69 -۵۰
JRAS. 1915. pp. 195-96 -۵۱
ASIAR, p. 56 -۵۲
CHI; pp. 561 589; pl, VII; 28. ICR
pl II. 7. 8.9. -۵۳
NIA, vol. I, 1938; 39;p 273 -۵۴
CIB; pl. lv. 27 -۵۵
THC; Chap. 96ca) fal;15r -۵۶
Seebibl iographical Notes -۵۷

- ۵۸- HHc. chap. 118
- ۵۹- تخت بهایی ډبرلیک په قول گوندا فارن په شلم میلادي کال کښی د سلطنت په تخت کشیناست.
- ۶۰- HH.c chap. 118
- ۶۱- BF. p. 99
- ۶۲- UZGVE, p. 175
- ۶۳- اراکوزیا د اوسنی افغانستان په جنوب ختیځ او د بلوچستان په شمال لویدیځ کښی پروت دي.
- ۶۴- بلخ دافغانستان په شمال کښی موقعیت لري.
- ۶۵- CIS. pt. 1. p. 95
- ۶۶- History book, IV. 44. AICL p.4.
- ۶۷- EI, vol; xiv pp. 290 93
- ۶۸- TFS.p. 197
- ۶۹- 206BC=264AD
- ۷۰- 618 AD—907 AD
- ۷۱- TP. vi. 1906. p. 538
- ۷۲- TFS. p. 197
- ۷۳- GBI. p. 469—73
- ۷۴- دافغانستان شمال ختیځ.
- ۷۵- EHI, p251, fin
- ۷۶- NIS; p. 69
- ۷۷- Oyct. vol,I pp; 259-61
- ۷۸- (وو یی شاولی - Woo, Yih—Shau-li)
- ۷۹- (باردان) Bardanes یاوار دانس. radanes. ۳۹ نه تر ۴۷ میلادي کال پوری پاچاهی کری
- ۸۰- ITAT, BK. I chap. 28; BK III. chap 58
- ۸۱- SH, 1932 p. 101
- ۸۲- JRAS 1915; pp. 195 96

TRAS, 1932. p. 957	-۸۳
ASIRA, 1912—13-p.44	-۸۴
GRAS. 1912. p.p. 683	-۸۵
Ibid	-۸۶
Li.tai ki sse nion poo	-۸۷
Ibid	-۸۸
yuan tiruled from 48 bcto 32bc	-۸۹
JA. JAN. feb 1897 p. 22	-۹۰
JASB. vol, III. p. 152. vol.v. 597	-۹۱
ASIR, vol xlll. p.p. 22-27 33 34	-۹۲
CCIM p. 33. No.I pl, vl, 14 CBM. p. 120. pl; xxv.I	-۹۳
CCIM. p. 65. No1 CBM. p. 122 pl. xxv, 3-4	-۹۴
CCIM, p.65,No; 15-22	-۹۵
JNSI-zlol, IX. pt. pp. 7-9	-۹۶
Ibid	-۹۷
CBM. p. 123 pl xxv .5	-۹۸
JNSI. xol, IX. pt. II 1947	-۹۹
CCIM. p. 66 pl. xl.2	۱۰۰
CCIM.p. 67. No. 17.pl. 4m	-۱۰۱
NC. ser III. zol, xll, 1892. pp. 66- 67	-۱۰۲
Jnsi; vol lx. pt; II.p. 79 81	-۱۰۳
(Ammianus mareedlilus History)	-۱۰۴

باختر زیاتی برخی لکه مار گیانی چه له
 بحیری خخه لیری دی مگر خاوری حاصل خیزه وه چه خاروی یی په
 دښتو او دغرو په لمنو کښی خریدل د بدن غری بڼایسته او
 خورا قوی وه چه موژ د باختر داوشانو له مخی قضاوت کولی شو
 دغه ډول اوبڼان د میترا دتس Mithradates په مرسته
 باختر ته راوړل.

CCIM; p. 33. No. 1. pl vi. 14	-١٠٥
104 CBM.p. 123.p. xxv.5	-١٠٦
JA JAN. feb. 1897. p. 14 BF. p.p 91-92	-١٠٧
HHC chap. 118	-١٠٨
IA 1903. pp. 419 420	-١٠٩
JA. JAN Feb; 1890. pp. 180 85	-١١٠
IA. 1903 pp. 419 420	-١١١
Ibid	-١١٢
IA. 1904. p. 115	-١١٣
CCIM. p. 67; No. 17; pl. xl.4	-١١٤
HHC chap. 118	-١١٥
JARS. 1913.p. 629.	-١١٦
EHL. p. 252	-١١٧
HCIP. pp. 136 139	-١١٨
JRAS. 1947. p. 27	-١١٩
Ibid.p. 32	-١٢٠

نویسنده: د. پی پونیه
 مترجم: عبدالولی اچکزی

جام بگرام (فانوس اسکندریه)

یکی از قشنگترین آثار موزیم ملی کابل جام مشهور شیشه‌یی است که در سال ۱۹۳۷ ضمن حفاریاتی تحت نظر ژوزف هاکن، در بگرام کشف گردیده است که تزئینات کار شده در جدار این جام از بحر الهام گرفته شده است.

از جمله این تزئینات از ساختمانی میتوان نام برد که بچیث فانوس اسکندریه تشخیص شده است (۱) در سال ۱۹۷۹ در حین عملیات نقل و انتقال کلکسیون های اثار باستانی جهت تخلیهء ساختمان اصلی موزیم، جام مذکور متعاسفانه شکسته و شدیداً صدمه دید.

اینجانب در آن زمان بچیث ترمیم کار اثار باستانی با هئیات باستانشناسی فرانسه در افغانستان ایفای وظیفه نموده و

ماموریت داشتم تا تمام اثار مکشوفهء حفاریات سابقه این هئیات را قبل از تسلیم دهی شان به موزیم ملی کابل ترمیم نمایم.

بشمول بعضی از اشیای مکشوفه که قبلاً به موزیم ملی کابل تسلیم داده شده بود نیز ایجاب مراقبت و ترمیم دوباره را می نمود تا چاره و تدبیری جهت جلوگیری از تخریب و ضیاع شان شده باشد، از جمله در قدم اول جام یا فانوس اسکندریه قرار داشت زیرا با

در نظر داشت وضع بسیار خراب و صدمه شدیدی که به آن وارد شده بود تا دوباره موقعیت شایسته و گرانبهایش در اطاق مخصوص کشفیات بگرام موزیم ملی کابل اعاده شود.

اولتر از همه لازم است که از منظره و حالت اصلی جام قبل از صدمه و خسارات وارده بر آن ذکری بعمل آید. این اثار

باستانی جامیست دارای یک پایه با طول ۱۸۰ ملی متر و تزئینات مختلفه بحری. این تزئینات زیبا و نفیس متشکل اند از سه کشتی

که بدون شک در وسط آبهای بحر قرار دارند ذیلاً توضیح میگردند: یک کشتی مخصوص محکومین بادو قطار پارو در دو طرف، یک

کشتی بادبان دار و بالاخره یک قایق کوچک دیگر که در آن شخصی بحالت نشسته دیده میشود. این شخص یک پاروی

مخصوص رهنمائی کشتی را بدست گرفته است. علاوه بر یک

برج که خشت و سنگ های ساختمانش کوچک اند بنظر میخورد در بالای این برج شخصی قرار گرفته که بدو طرف راست و چپش دو تریتون (اسم خداوندان بهری که از نسل Triton (رب النوع بودند) اخذ موقع کرده اند (۲) برج مذکور و اشخاصیکه بالای آن قرار دارند از طرف محققین بحیث فانوس اسکندریه یا مجسمه Poseidon قبول شده است.

قرار نظر مولف znXO (۳) مبداء و منشاء اصلی این اثر باستانی اسکندریه وانمود شده است. مساله از هر قراریکه باشد جام مذکور نمایندگی از کارماهرانه و تسلط بسیار عالی فنر شیشه گری را می نماید..

از ظرافت و زیبایی برجسته کاری های آن چنین برمیاید که تزئینات شیشه بحالت کاملاً داغ و حرارت دیده بالای بدنه لشم جام اضافه و چسپانیده شده است. به طور مثال میتوان از برج فانوس و بدنه هر سه کشتی یاد آوری کرد. از آنجائیکه تزئینات فوق نمیتوانست مستقیماً بالای بدنه پیام تثبیت و محکم شود، پارچه های کوچک شیشه بحیث نقطه اتکا بین جدار جام و تزئینات ذکر شده قرار گرفته است (شکل ۱) بطور مثال از نيزه سه شاخه ئی مخصوص پوزیدون (رب النوع یونانی ابهار)، تریتون ها کشتی بادبان دار و پاروی رهنمائی کننده قایق میتوان نام برد که به همین ترتیب بالای بدنه جام تثبیت شده اند.

بدنه جام بوسیله عمل دمیدن شیشه در قالب ساخته شده است. تمام عناصر تزئینی اضافه شده آن بوسیله کشش و انبساط شیشه به وجود آمده است. از طرف دیگر شیشه گران آنزمان بدون شك از وسایل و افزار برنده جهت برش و قطع شیشه کار گرفته اند تا جام را با تزئینات مختلفه گرافیک (صنعت تصویر اشیا به وسیله خطوط و اشارات) بیارایند خصوصاً بالای جدار های بیرونی قایق از شبکه تزئینات مارپیچی آن یاد آوری کرده میتوانیم.

در حقیقت، جام مذکور که تا سال ۱۹۷۹ در موزیم ملی کابل به معرض نمایش قرار داشت و قبلاً بالای آن يك سلسله ترمیمات مختلفه صورت گرفته بود (شکل ۲). که ترمیم اولی جام

قبلاً در سال ۱۹۳۹ یعنی زمان اولین نشریات و تحقیقات بالای بگرام صورت گرفته است (درین نشریات جام بصورت تکه پاره و قطعات مختلفه عکاسی و نمایش داده شده است) (۴). در سال ۱۹۵۴ که برای بار دوم نشراتی در مورد ساحه باستانی مذکور صورت گرفت، عین جام بصورت ترمیم شده دیده میشود ولی هنوز هم نا تکمیل است (۵). در واقع اگر چه اکثریت قسمت های تزئیناتی جام در عکس فوق موجود است با آنهم بدنه آن یک تعداد زیاد خلاها و نقایص دارد. بعضی از آنها که نسبتاً کوچک اند در قسمت جدار عمودی ولبه برجسته آن دیده میشوند. کلان ترین این تقیصه ها در پ سایه جام بنظر میرسد زیرا ثلث بخش پایانی این اثر گرانبهای باستانی بکلی معدوم است.

در آزمان ترمیم کنندگان جام مذکور از دو تکنیک یا طریقه جهت ساخت دوباره اثر مشکوفه فوق استفاده کسردند بجز از طریق سرش کاری و اتصال که یک متود عادی و شناخته شده است، از همه اولترچیت تأمین یکپارچگی عناصر و قسمت های مختلفه جام شکسته یک پارچه گاز (ململ یا به عباره بهتر تکه فوق العاده نازک جام مانند و تقریباً شفاف)، بالای جدار داخلی جام چسپانیده شد. جهت چاره و تدبیری برای فقدان پایه جام علی العجاله پایه از گچ به آن پیوند گردید. (شکل ۱) این قسمت ساخته شده یعنی پایه گچی اجازه میداد تا جام به وضعیت اصلی خود قرار گرفته بدون اینکه ضرورتی به سکو باشد تا آنکه این پایه کاملاً منطبق با بدنه جام بوده و با حفظ حالت مرزون آن با یک دید منظره اصلی و مکمل جام را بمقابل نظر قرار میداد. این طرز ترمیم قبل از همه بالای آثار دیگر مشکوفه بگرام بکار برده شده است. خصوصاً یک ریتون Rhyton شیشه ای (ریتون یا گائوسفالین ظرفیست که یونانیان قدیم در آن می آشامیدند و بشکل شاخ و یاسر حیوانات بود) بهمین طریقه ترمیم شده است (۶).

خسارات عمده ای که در سال ۱۹۷۹ در اثر انتقال موزیم جام بالای وارد گردید زیاد تر مربوط بخش بالائی جسم پوزیدون میشود که در نتیجه بخش مذکور به هزاران پارچه خورد شکست

قبل از اینکه دست به ترمیم جام زده شود باید چند نکته را نظر به کارهای سابقه آن مدنظر بگیریم بالخصوص در دو مورد یکی استعمال و استفاده گاز است که باعث مکدریت جام شیشه‌ای شفاف شده و دیگری استعمال گچ جهت ساخت دوباره پایه جام است که بنظر ما به زیبایی و ظرافت اثر باستانی فوق صدمه رسانیده و کمتر موزون به نظر میرسد اگر چه ترمیم کننده آن کوشش کرده است تا با استعمال رنگ، سطح سفید گچ مستور و پنهان شود.

۱- حذف و پاک کاری تکه‌های گاز: پارچه‌های مربع گونه‌های گاز که هر ضلع آن ۱۰ سانتی متر طول داشت بالای جدار داخلی جام بوسیله یکنوع سرش حیوانی چسپیده بود. جدا کردن پارچه‌های مختلفه جام بوسیله مرطوب ساختن دو باره سرش قبلی صورت گرفت. البته بخشی از تکه پارچه‌های جام که بوسیله عین سرش جمع و یکجا شده بودند نیز از هم جدا شدند. بعد از اینکه تجارب و تست‌های مختلفه مثلاً با سرش Vinylique صورت گرفت، بالاخره تکه پارچه‌های این جام بکمک صمغی بنام araldite epoxide دوباره سرش و بهم وصل گردید.

که در این مرحله شروع به حذف پاک کاری بسیار دقیقانه رسوبات اهکی نمودیم. این پاک کاری میخانیکی مشکل دیگری را بوجود آورد و آن مکدر شدن شیشه سطح جام بود که این پدیده در اصل مربوط به تبلور

cristaisation

قسمی و ناتمام بوده که در نتیجه باعث فلس گون شدن شیشه و تاثیرات کروماتیک و قوس قزحی شدن جام می گردید. بدین ترتیب با وجودیکه خطر از بین رفتن خفیف جلا و درخشندگی جام موجود بود تصمیم گرفته شد تا این قسمت‌های فلس گونه به وسیله تطبیق یک طبقه متمادی فلم Alcod poly vinglique بالای سطوح داخلی و خارجی تثبیت و محکم ساخته شود. این کار بوسیله یک محلول الکل پولی و ینیلیک ۱۰٪ البته بعد از اینکه خالیکاه‌های جام ترمیم گردید، صورت گرفت.

۲- ترمیم و ساخت دوباره پایه جام (تصاویر ۱-۸):
خلاها و قسمت‌های ناقص جام بوسیله صمغ پولی ایسترا

نکوزیون پر و مملو ساخته شد. به این مقصود از طریقه معمول ساخت دو باره ظروف کار گرفتیم. البته مشکلات زیاد و بسیار جدی در زمان ساختن پایه جام پیش آمد، زیرا هدف ما این بود تا پایه قبلاً ساخته شده گچی را با پایه جدید صمغی عوض نماییم.

اولتر از همه ضرور بود تا پایه قبلی آن از بین برده شود. این کار بسیار سهولت بوسیله مرطوب ساختن گچ آن انجام پذیرفت و پایه از بدنه جام جدا گردید (شکل ۳). متعاقباً از پایه گچی جدا ساخته شده بوسیله موم پارافین قالب گیری گردید. قسمیکه در طبقات مختلفه موم مذکور بصورت لایه ها پارچه های گاز بکار برده شد. بالاخره با این طریقه قالب بیرونی پایه جام را بدست آوردیم (شکل ۴). بوسیله این قالب بدست آمده لازم بود تا یک هسته دیگری گچی بدخل آن ریخته شده و ساخته شود طوریکه یک فاصله با ضخامت یک ملی متر بین هسته مرکزی و قالب بیرونی گذاشته شود. بدین مقصود یک قشر یکنواخت و یک شکل از ماده پلاستیسیین که یک ملی متر ضخامت داشت بالای تمام سطح داخلی قالب مومی قبل الذکر تطبیق نمودیم. در بین این قالب مختلف الطبیعه و غیر متجانس یک هسته گچی ریخته شده و به تعقیب از بین بردن و خروج قشر پلاستیسیین قالب مکمل و بدون عیب پایه جام بدست آمد.

بخش بیرونی این قالب جدید از موم و بخش داخلی آن از گچ تشکیل یافته بود (شکل ۵) بالاخره بعد از کارهای فوق کافی بود تا جهت بدست آوردن یک پایه جدید شفاف و با ضخامت یک ملی متر صمغ پولی ایستر در قالب بدست آمده ریخته شده شود (شکل ۶). این پایه جدید با بدنه جام بواسطه یک قشر نازک صمغ پولی ایستر یکجا شد.

۳- ساخت دوباره بخش بالائی تنه:

اشکال اساسی که جهت انجام عملیه وجود داشت مستقیماً ارتباط به طبیعت عنصر مورد ساخت مجدد پیدا میکرد. در این جا مقصود ما قسمت تزئینی است که بکلی معدوم بوده تنها شواهد و اسناد فوتو گرافیک و عکس ها در اختیار ما قرار

داشت. بدین ترتیب ما با استفاده و کمک از يك مجموعهء عكس های مختلفه نمونهء پوزیتیف و بر جسته از بخش بالائی پوزیدون را بوسیله گچ مخصوص دندانسازی. تهیه نمودیم (تصویر ۹): آنگاه قالب دیگری ازین نمونه پوزیتیف (مثبت) به وسیله صمغ سیلیکان ساخته شد. با استفاده از این قالب نمونهء از آنرا بوسیله صمغ پولی استیر تهیه نمودیم (تصاویر ۱۰ و ۱۱). جمع و جور کردن قسمت های مختلفه بدن پوزیدون قسمت پایانی تا تنه شیشهئی بوده و متباقی قسمت بالائی آن از صمغ است بوسیله يك قشر نازك همین ماده یعنی صمغ پولی ایستیر تامین گردید (شکل ۷).

يك عكس تازه و جدید (شکل شماره ۸) منظره عمومی جام را بعد از اتمام این کار ها نشان میدهد: اثار و لایم حوادث اخیر بکلی ناپدید شده است. علاوهً توانستیم با این ترمیم از جدیدترین مواد و تکنیک ها که در زمان حفریات بگرام هنوز ناشناخته بود استفاده نمائیم و در نتیجه به جام شکل اصلی و جلا و درخشش اولی اش را دوباره باز گردانیم.

خلص کلام اثر گرانبهائی مکتشفه فوق هم مانند دیگر کلکسیون های باستانی جای و موقعیت اصلی خود را یافت و در اطاق مخصوص کشفیات بگرام موزیم ملی کابل بنمایش گذاشته شده است.

NOTES

(1)-O.KURZ. Nouvelles recherches archeologiques a Begram, Col: Memoires de la Delegation Archeologique Francaise en Afghanistan. Vol. Texte, P. IOI; Ed: Imprimerie Nationale-Presses Universitaires. Paris. 1954.

(2)-J. HACKIN, Recherches archeologiques a Begram. Col: Memoires de la Delegation Archeologique en Afghanistan, Vol. Texte. P.42; Editions d'Art et d'Histoire; Paris. 1939.

(3)-Op.Cit. Note (1).

(4)-J. HACKIN, Recherches archeologiques a Begram. Col: Memoires de la Delegation Archeologique Francaise en Afghanistan,

Vol. Planches. PL. XVI et XVII, Fig. 37.38.39.40, Editions d'Art et d'Histoire. Paris. 1939.

(5)-J.HACKIN, Nouvelles recherches archeologiques a Begram. Col: Memoires de la Delegation Archeologique Francaise en Afghanistan, Vol. Planches Fig. 359-352. Ed: Imprimerie Nationale-Presses Universitaires, Paris. 1954.

(6)-J.HACKIN, Recherches archeologiques a Begram. Col: Memoires de la Delegation Archeologique Francaise en Afghanistan, Vol. Planches. Pl. IV; Fig.7; Editions d'Art et d'Histoire, Paris. 1939.



بخشی از جام بگرام کوشانی (فانوس اسکندر) - شکل ۱

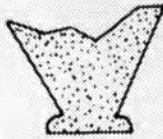
72001



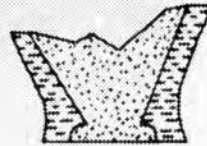
جام اسکندر بگرام بعد از ترمیم-شکل ۲

72002

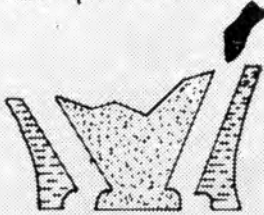
تصاویر ۸



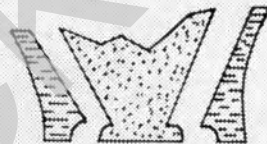
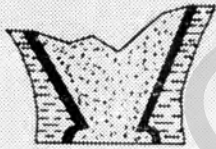
۱- شکل پایه جام از گچ



۲- تهیه قالب از موم

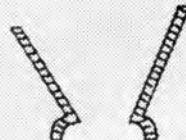
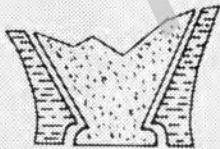


۳- تطبیق یک قشر از ماده پلاستیک در سطح ۴- جدا کردن قالب مومی از پایه گچی داخلی قالب مومی







۵- ریختن گچ جهت تشکیل هسته داخلی قالب

۶- حذف و پاک کاری قشر نازک ماده پلاستیک

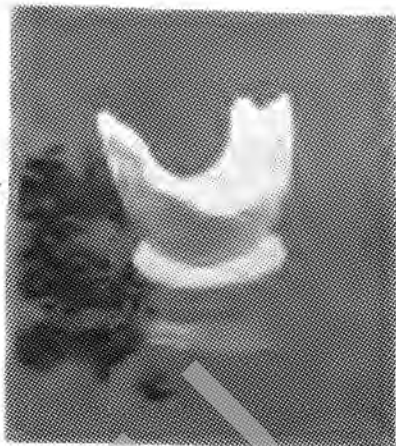


۷- ریختن یک صغیر در قالب ۸- شکل پایه جام از صغیر بعد از اینکه از قالب جدا شده است

- توضیح
-  موم پارابین
 -  گچ
 -  پلاستیک
 -  صغیر ایستر

جام اسکندر بگرام پیش از ترمیم

شکل (۳)



جام بگرام کوشانی در حالیکه
هنوز ترمیم نشده است

شکل (۴)

72204

بخشی از جام یا فانوس اسکندر
بگرام که پیش از ترمیم به نظر
میخورد

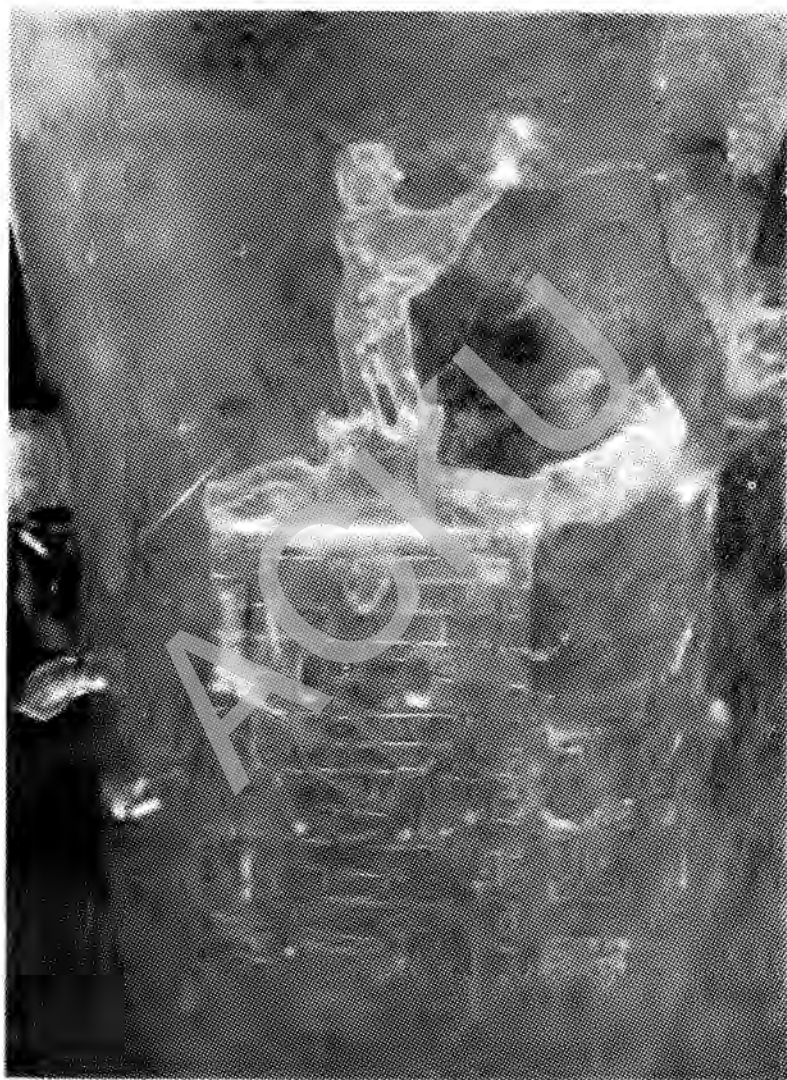
شکل (۵)



جام یگرام در حالیکه هنوز ترمیم
نکردیده است

شکل (۶)

۲۰۰۵



نمایی از فانوس اسکندر که ترمیم گردیده است - شکل ۷

۶



درین شکل جام بگرام بعد از ترمیم دیده میشود - شکل ۸

72007

ويما کدفيزس

د ده فتوحات او د امپراتورۍ پراخوالی:
ويما کدفيزس د کجو لاکد فیزس زوي چه د چينا يانو له خوا په دې
نومو لکه (ين کا وچينگ) يا (ين کاو تچين (۱))
Yen koa cheng (Yen kao-Tchin)

يا ديدده د فان يی Fan-ye په قول ويما کد فیزس وروسته
دپلار د مړينی څخه پر تخت کښيناست.

دي په سکو کښی د (اويمو کدفيزس Oemo-kadphesis په نامه
ياد شويدي (۲)). ويما کد فیزس د کوشانيانو لمړنی پاچا وه چه
خپل امپراطوری ته يی د هند تر لویو برخو پوری وسعت او
پراختيا ورکړه. فان يی لاندنی تبصری د ده د اجراتو په هکله
کړيدي: ويما کد فیزس (تين تچو Tien-Tchou) فتح کړ او
په دي ځای کښی ده يووالی چه د يوچی په نامه يی حکومت کاوه
مقرر کړ (۳). د تن تچو اصطلاح هند ته وایي چه د يوه
(Tien-Tchou)

دلی نامعلوم چينايی له خوا ويل شوی او د فان يی اظهارات په
دي هکله ناوړه اوله حقيقت څخه ليری دي ځکه فان يی وایي چه
ټول هند د کوشانيانو په بیره دويمو کد فیزس د قدرت په وخت
کښی تر کنترول لاندی وه. په هر حال ځینی نور اسناد هم شته چه
موثر ته د ويما کد فیزس دامپراطوری د پراختيا په هکله
ډير جوته معلومات راپه گوته کوی

۱- د تاکسیلا پاچاهی د کجولا کد فیزس په وخت کښی د کوشانی
د پاچاهی تابع او باج ورکونکی وه (۴) ځینی لرغونی اثار او
شواهدو له مخی ثابت شوي چه سرکپ Sirkap د تاکسیلا د
نفوس او وگړو څخه دک وه دويمو کد فیزس په وخت کښی
لوټ او پرېښودل وشو دويمو کد فیزس يو شمير زياتی سکی دغه
ځای څخه دلرغون پيژندونکو له وخوا لاس ته راغلی دي نوموړی
سکی يوازی د ويما کد فیزس دی نه د هغه د جانشينانو همدارنگه
په دی ارتباط په زړه پوری لرغونی کشفیات چه د مار شال
له خوا شويدي د کيندنو په ترڅ کښی يو خاورين کوچینی خم لاس

ته راغلی په دي خم کښی ۲۱ کوچینی نقره یی سکی چه په چلورو مختلفو برخو ویشل شوي له دی سکو د ډلی څخه لس سکی د گوندا فارن د سلطنت د وخت. یوه سکه د پاکورس Pacores (۶) او پاتی نوری سکی د ویماکد فیزس (۷) سلطنت پوری اړه لری د پاکورس سکه د ده نیچه تنه څیره لری. د گوندا فارن او د ساساس Sasas چه دلوی پاچا نوم یی ټاکلی او داسی ترجمه شوي. گوندا فارن د اسپه (۸) وراره دی. په نتیجه کښی ویلی شم ویما کد فیزس خپله پاکورس یا د هغه جانشین یی د تاکسیلا له پاچاهی څخه لیری کړی.

۲- کومارا جیوا Kumar-jina هغه سوترا لامکارا شاسترا ترجمه
Sutralam kara sastra

شوی چه کومارا جیوا په چینایي اسنادو کښی د تونک-تین-چو Tourng.Tien Tchou

دختیځ هند فاتح د کنیشکا له خوا (۹) معرفی شوی وه او (فو- فا- تسانگ -ان- این-چوین For-Fa-Tsang-in-june Tchou

(۱۰) وایی چه کنیشکا د (هاوچن Hao-Chen یا پتا لیوترا) فاتح (۱۱) وه او دا ښکاره خبره ده چه د پتالی پوترا پاچاهی د کنیشکا له خوا ونیول شو نه دویم کد فیزس له خوا.

(۳) - د کنیشکا د امپراتوری په لمړیو وختو کښی یعنی دهغه د سلطنت په دوهم کال کښی د کوسام ډبرلیک او په دریم کال کښی د سرنث Sarnath بودایی ډبرلیکونه ولیکل شول ځینسی تاریخ چه ډبرلیکونو کښی په ولیکل دی لیکل شوي. مگر په دی ډبرلیکو کښی اشاره نه ده شوي چه کنیشکا د دوو مذهبی ښارونو لکه بنارس او کوسام فاتح نه وه بلکه دی د پتالیپوترا او نورو ځایو (۱۳) فاتح وه.

۴- د ویما کد فیزس زیات شمیر مسکوکات چه له بگرام (۱۴)، پیښور (۱۵)، تاکسیلا (۱۶)، کالکا کاسولی رود Kalka-Kasaulirood.

متورا (۱۸)، کوپال پورا ستوپه د گورک پور په سیمه کښی، (۱۹) Gupal Pura Stupa بهیتا (۲۰)، بنارس (۲۱) او اندور Indore (۲۲). همدارنگه ځینی سکی په غازی پور کښی

(۲۳) نژدي بنارس ته اوسورا شترا (گجرات) (۲۴) کښی موندل شوي. د دغو موندل له نومړي ځايو څخه د ويما کدفيزس د امپراتوري پراخوالي ثابتوي ۵-د پيريپلس Periplus لیکونکی ليکی چه په ۷۸ ميلادی کال کښی هند له روم سره سودا گری اړيکی د اوزون یا (۲۵) د اوچن Oujaim په ښار او د باريگازا (۲۶) Barygaza بروچ Broach په بندر کښی تر سره شوی. همدارنگه د سوداگري ليارى د کابل څخه تر پتاليپوترا اومتورا پوری او له متورا څخه (۲۷) پوری مطمئن او محفوظی ليارى وي. په غوڅه توگه ویلی شم څه ټول دغه قلمرو د یوه امپراتوری تر کنترول او تسلط لاندې وه چه په صلح او ارامی تر اوچن او بروچ Broach کښی یی ژوند کاوه د نوموړی قلمرو امپراتور پرته د ويما کدفيزس څخه په دی وخت کښی بل څوک نه وه (۲۸).

۶- سند د ويما کدفيزس تر تسلط لاندې نه وه د پيريپلس Periplus د کتاب او لیکونکی په غوڅه توگه وايي چه د سند اوسیدونکی او تبعه د پارتنی شهزادگانو د بد رفتاری څخه یو په بل پسې د هیواد څخه بهرتلل. (۲۹) علت یی دا وه چه دغو شهزادگانو د سند اوسیدونکو تولیدات په زور او جبر سره د ځمکی له ليارى باريگازا ته وړل کیده پرته له دي د مولدینو بازار او د هغوی زحمت گالنی په پام کښی ونیسی.

۷- یو خروشتی ډبرلیک دخالاتسی Khalatse په سره د لاداخ Ladakh په سیمه کښی موندل شوي چه د پاچا نوم په دی ډبرلیک کښی په دی ډول لیکل شوی (مهارجاسا او ویما کاویت هیساسا Maharajasa Ovima Kavithi sasa)

لیکل شوی دی. همدارنگه په یوه زیات شمیر سکو باندي دکوشانی پاچا نیمه څیره د سکو مینځ کښی (۳۰) لیدل کیژی. دغه پورتنی نوم ویما کدفيزس ته نسبت ورکړ شوي (۳۱) او هغه تاریخ چه په دی ډبرلیک کښی لیکل شوی (۱۸۷ سام Sam) او داسی ۱۰۳ (۳۲). یا ۱۳۰ (۳۳) میلادی کال تفسیر او ترجمه شوی د ډبرلیک له مخی داسی ویل شوي چه لودیځ لاداخ Ladakh دویم کدفيزس تابع او رعیت وه (۳۴) حقیقت دا ده چه د کوشانی هیڅ

ډول سکي په لاداخ کښي موندلی شوی نه دي په راتلونکي وخت کښي که چيري په دی بودايي هیوادو کښي د کیندنو اجازه ورکړي شي امکان لری چه د کوشاني کورني مسکوکات پيدا شي. دسکو په مخ د حکمرانا نونرم نه دی معلوم او هم په دغو سکو کښي د پاچا نیمه خیره موژسره مرسته نشي کولاي چه هغه وپیژنو امکان لری (۲۵) چه دغه خیره د ویماکد فیزس وي. نزموری ډبرليک په ۱۳۰ میلادی کال کښي د ده د پاچاهي په وخت کښي جوړ او خپور شوي. د ویماکد فیزس امپراتوری له باختیر څخه تر غازي پور او له کشمیر څخه تر سوراشرایا کجرات پوری وه.

د ویماکد فیزس اداره:

ویماکد فیزس د یوه پری امپراتور په توگه په خپل تلمرو باندی حکومت (۳۶) وکړ د ده په وخت کښي یو زیات شمیر سکي ضرب شوي چه په دی سکو کښي د پاچا نوم نه لیدل کیژی. کنگهم وروسته د ژوری خیرني څخه په دی هکله وایي هغه سکي چه د پاچا نوم نه لری له ویماکد فیزس سره هم دوره او هم عصر دی (۳۷) د ویماکد فیزس په بی نزمه سکو کښي د سوتر میکاس Soter Megas په نامه یاد شوي چه سوتر میکاس معنی (لوی ژغورندوی) دی. مگر په نوروسکو کښي پاچا خپل ځان باسیلوس باسیلون (۳۹) یعنی با قدرت پاچا بللی و

Basileus Basileon

ویماکد فیزس خپل ځان باسیلوس باسیلیون

Basileus Basileuon

د پاچا هانو پاچا بللی دی هغه نوم چه د کوشاني حکمرانانو ځان ته ټاکلی وه او په هغه نوم یا دیدل عجیبه ده ځکه چه دپارتي نائب السلطنه لکه گوندا فارنس په همدی نوم او لقب یاد شوي (۴۰).

د حکومت اداری سیستم داو شته منو خلکو په مرسته دده د جانشینانو په وخت کښي اداره کیده. یوه مجسمه د مټ په کلی کښي متورا ته نژدی موندلی شوي په دی مجسمه کښي اصلی بښونکی (یا کانپا تسی) (۴۱) ښودل شویده او د پاچا نوم په دی مجسمه کښي داسی لیکل شوي (مها راجا راجا تیرا جادیوا

پوترا کوشانا پوتر شاهی واماتا کشاما (۴۲) د دی مجسمی څخه په غوڅه توگه ښکاری چه دویماکد فیزس مجسمه ده (۴۳) دغه مجسمه په دی دلیل د ویماکد فیزس ده چه په همدی شان دویماکد فیزس نیمه څیره په یوه لویه سکه کښی لیدل شوی (۴۴). دغه دویماکد فیزس مجسمه چه له متورا څخه لاس ته راغلی ده د هوشیکا (۴۵) دسلطنت په وخت کښی درول شویده.

دویماکد فیزس دوخت ډبرلیکونه: د ویماکد فیزس په عصر کښی دری ډبرلیکونه څپاره شول چه دهغه نوم په دی ډبرلیک کښی نشته مگر د پوهانو او تاریخ لیکونکو له خوا څرگند شوی چه دا ډبرلیک دویماکد فیزس دی.

۱- د پنځتار ډبرلیک چه په ۱۲۲ میلادی کال کښی جوړ شوی او د پنځتار په سیمه کښی موندل شوی په دی ډبرلیک کښی د پاچا نوم (مها راجا کوشانا) یعنی دکوشانی پاچا لیکل شویدي.

۲- د کالوان د ۱۳۴ کال مسی کتیبه (۴۷) چه د پاچا نوم په کښی نشته.

۳- د تاکسیلا د ۱۳۶ کال نقره یی کتیبه (۴۸). چه دغه کتیبه د نقره ای تعویذ پوښ په څیر جوړ شوی په دی کتیبه کښی د پاچا نوم داسی (مهاراجا تیراجادیوا پوترا کوشانا یعنی لوی پاچا د پاچا هانو پاچا، دهیون زوی کوشانا) او د کتیبه په پای کښی دغه (سمبول ویماکد فیزس) سمبول چه د ویماکد فیزس دسکو (نندی پد) دی لیدل کیژی. ویماکد فیزس چه دکوشانی لمړی

پاچا وه ځکه د دیوا پوترا نوم دده له نوم سره لیکل شوی (۴۹) هغه تاریخ چه په دی ډبرلیکونو کښی لیکل شوی ښه نه دی څرگند شوی مگر دغه تاریخ دسیتو- پار تیانو د

تاریخ او د (ازس) د اصطلاح له مخی چه ۵۷ پخوا د میلاد څخه پیل شوی څرگند ولی شو. او دوکراما نومیالی او نامتو تاریخ پیژندل شویدی د دغی دوری تاریخ ټاکنی د پاره (اجاسا Ajasa

او ایاسا Ayasa کلمه ده چه دکالوان Kalawan ۱۳۴ (۵۰)

کال په مسی کتیبه او د تاکسیلا د ۱۳۶ کال (۵۱) په نقره ای کتیبه کښی لیکل شویدی.

د تورو شکل په ښکاره ډول ښی چه همدا توری په دوه وختو او

عصر کبني استفاده ورڅخه شويده او د اجا Aja او ايا Aya د کجولا او کويولا د کوشانيدنو لمرني پاچا کجو لاکد فیزس له نوم سره مساوی او برابر دي په دی کبني شک نشته چه د اجاسا Ajasa اضافی حالت (Sa) د شراوانتا Sravanta د میاشتی نوم او ایاسا Ayasa اضافی حالت د (اشاد ها Asada) د میاشتی نوم څرگنده وي.

د ایاسا د کلمی په هکله داسی نظر شته چه د ایاسا Ayasa کلمه د سانسکریت داریاسا Aryasa له کلمی یو شان دی چه اریا کلمه د شراوانا او اشاد ها د میاشتنوله نومونو سره یوځای شوي چه په حقیقت کبني دغه میاشتی په گڼه توگه د (اریاشاد ها Aryashada) (۵۲) په نامه تشریح شوی چه دغه خبره حقیقت نه لری او د نه منلو وړ دی په عمومی توگه دغه نظر تشریح شوي نه دی چه څرنگه د (R) توری د اریاسا له کلمی څخه لیری شوي حال دا چه

(r) توری د شمال لودیځ پراکریت څخه نه دی لیری کړي شوی او ولی د اریا کلمه پاکه او مقدسه کلمه له دغو میاشتنوسره یو ځای د پنجتار د ۱۲۲ کال په کتیبه کبني (۵۲) او د زیدا Zeda د ۱۱ کال په دبرلیک کبني (۵۴) نه دی لیکل شوی.

کونو Konow لمری د ایاسا Ayasa کلمه چه د تاکسیلا د ۱۳۶ کال نقره اي کتیبه چه له ۷۹ میلادی کال سره سمون خوری تشریح کړی ده چه د سانسکریت له (ادیا سیا Adyasya) سره یو شان گنل شوي. ځکه په هغه وخت کبني اشاد ها Asadha (۵۵)

د کبیسې کال دوهم میاشت وه. مگر د کالاهان مسی کتیبه ثابته کړیده چه دغه تشریح او تفسیر حقیقی بڼه نه لری. مگر دنجومي څیړنو له مخی چه د داکتروان وجیک Vahwijik په مرسته

تر سره شوی وایی چه په ۱۳۴ کال کبني د شراوانا Shravara کبیسې میاشت موجود نه وه. وروسته کونو Kohow په خپله غلطی او اشتباه باندي پوه شو. اودمارشال نظریه تائید او تصدیقوی چه د ایاسا Ayasa معنی ازس یا هغه عصر چه د ازس له خوابی

بنسټ کیښودل شو. (۵۷). دغه د مارشال نظریه د ایاسا د کلمی له مخی چه د ازس په سکو کبني په دی شان لیدل شوي او تائید

شوی (مهارة جاسا را جاتیراجامها تاسا ایاسا

Mahara jasa Rajatiraja Mahatasa Ayasa

نومور کتیبو کبئی د پاچا د نوم نشتوالی د حیرانتیا وړ نه ده ځکه د هغوی عصر او د سلطنت دوره ډیره مشهوره وه دوی یوه پیری حکومت وکړ نو ځکه مشهور او نومیالی پاچاهی وه دغه پاچاهی د کوشانی حکمرانانو له خوا له مینځه ولاړل. راپسن Rapson هم پورتنی نظر تائیدوی اواضاغه کوی ازس په ډیرو مشکلاتو سره وکولای شول چه خپل عادی او معمولی نوم په دی کتیبه کبئی پرته د حیرانتیا څخه ولیکی او ورسته خپلی پاچاهی ته دوام ورکړ (۵۹).

د پنجتار، کالاوان مسی او د تاکیسیلا نقره ای کتیبو تاریخ په ترتیب ۶۵ میلادی، ۷۷ میلادی او ۷۹ میلادی کلونه اټکل شویدی. د تاکیسیلا نقره ای کتیبه په روښانه ډول ښئی چه ویما کد فیزس تر ۷۹ میلادی کال پوری پاچاهی وکړه (۶۰)، که چیری کنیشکا په ۷۸ میلادی کال کبئی په تخت کشیناستلی وی په عمومی توگه یوازی د کنیشکانوم په دی کتیبه کبئی لیکل شوی وای په ښکاره ډول د کوشانی نوم نه دی ذکر شوی. څرنکه چه موژ په نورو کتیبو کبئی چه د هغه نوم په کتیبو کبئی موندلی شو ځکه د کتیبو تاریخ د ده د عصر په خاص اصطلاح او نوم باندي یاد شوی نه د سیتوپارتي Porthion Sayfo د عصر په نامه.

همدارنگه یوبل بارزبسته سندچه په یوه ډبرلیک کبئی لیکل شوی هغه دا ده چه د تاکیسیلا یوه برخه (سرکپ Sirkap) دویمه کد فیزس په وخت کبئی وران او پریښودل شو (۶۱). او د تاکیسیلا بله برخه چه د (دهار مارا جیکاستوپه Dharmarajik stupa) یوه سیمه وه د زیارت کونکو د پاره مقدس ځای وټاکل شو په ډبرلیک کبئی اشاره شوی چه دغه ځای دیوه مقدس یادگار په ډول په دی ځای کبئی په ۷۹ میلادی کال کبئی وساتل شو (۶۲). مار شال هغه کوی هغه پاچا چه په دی کتیبه کبئی لیکل شوی له کجو لاکد فیزس سره د هغه د نومونو اوسمبول له مخی چه دهغه په سکو کبئی (۶۳) موندل شوی وپیژنی. مگر کجو لاکد فیزس هیڅکله د دیوا پوترا نوم څخه استفاده نه ده کړی. ان وایی چه ما

د دوهم ځل لپاره د کجولاکد فیزس سکی وڅیړلی د دیوا پوترا نوم په دی سکو کبسی نه دی لیدل شوی له بلی خوا کنگهم وائی چه ما د کجولاکد فیزس په د دوو سکو کبسی د دیوا پوترا نوم ویلی دی (۶۴). په ډاگه او غوڅه توگه بایدو وایم چه کنگهم په خپل نظریه کبسی لویه اشتباه او سهو کړیده (۶۵). د ډبرلیک تاریخ پرونانه شئی چه دغه کتیبه د کجولاکد فیزس جانشینانو له خوا جوړی شویدی.

ځینی هغه نظریات چه ویماکد فیزس د یوه عصر او کورنی بنسټ ایښودونکی دی:

کونو Konow په غلطه وائی چه ویما کد فیزس د ساکا د کورنی بنسټ ایښودونکی دی (۶۶). د ځینو لرغون پوهانو له خوا داسی ویل شوی چه ولی ویما کد فیزس په دغو کتیبو کبسی چه د ده په وخت کبسی جوړی شویدی تاریخ یی نه دی ښودل شوی (۶۷). او ولی د کنیشکا جانشینانو او وارثینو خپل د کورنی اصلی نوم نه دی ټاکلی بلکه هغوی د خپل عصر او پاچا په نامه یاد شوی او حکومت یی کړی چه دا حقیقت د هغه تاریخ له مخی چه په ډبرلیکونو کبسی اشاره شو ثابت شویدی (۶۸). گروز Grows چه په خپل نظر کبسی مبالغه کړیده وائی چه نوموړی کتیبو پاچا ویما کد فیزس نه دی بلکه هغه وکراما دیتا Vikramaditya (۶۹) دی حال دا چه دانظر حقیقت نه لری مگر د چینائی تاریخ لیکونکو داسنادو له مخی ثابت شوی چه وکراما دیتا (۵۷۵ کال د میلاد څخه مخ کبسی په لمړیو وختو کبسی پاچاهی کړیده.

د ویما کد فیزس مسکو کات: ویما کد فیزس زیاد شمیر طلائی سکی ډیری مسی سکی اولژنقره ای سکی ضرب شوی دی. د ویماکد فیزس د نیکونو مسی سکی زیاتره د کجولاکد فیزس په ډیرو پراخو سیمو او زیاتو ځایو په چلند کبسی وه. او د اپولودوتس او میناندر نقره ای

ټوقی د پیریلپس په قول تر ډیرو وخت پوری په جریان او چلند کبسی وه (۷۱). د ویماکد فیزس په وخت کبسی د طلائی مسکو کاتو رواجول او خپرول چه په ډیره پیمانته ضرب وهل شوی په دی دلیل وه چه هند له روم سره سوداگری اړیکی درلودی د سودا

گری په لړ کښی هندۍ سودا گرانو زیات طلا له روم څخه هند ته راوړی نو ځکه د هندحا که قدرت طلائی مسکو کاتو د جوړولو او ضرب وهلو امر صادر کړ (۷۲). همدارنگه کشمیر (کپین) د هغه مشهور اونومیالی طلاگانو د پاره تر خپل کنترول لاندی راوستی وه (۷۳). دویماکد فیزس د طلائی سکو د جوړوئی مفکوره د رومن د دینار له مخی الهام اخیستل شوی دا هم باید اضافه شی چه د طلائی مسکو کاتو وزن او شکل تر یوه اندازه پوری د رومن له لمرنیو څخه کاپی شوی وه (۷۴). ویماکد فیزس دغه لاندنی ډول سکی خپری کړی دي. (۷۵).

۱- طلائی سکی: د سکو په مخ د پاچا نیمه تنه څیره او د سکی په شا باندی د شیوا څیره له دوه لاسو سره لیدل کیژی.

الف: د سکو په مخ پورتنی برخه کښی پاچا د تاج سره چه د ورپخ څخه ښکاری له یوی خولی یا جنگی خولی چه د اور شعلی د اوژو په سر معلومیژی او په ښی لاس کښی یی گرز کلک نیولی دی. د سرد پاسه دغه شکل د (ویما کد فیزس سمبول) او لیکنی لری. (۷۶).

د سکی پر شا د شیوا مخ کین خواته تا وشوی په خپل شی لاس کښی یی دري څوکی نیزه نیولی څا در یی په کین لاس باندی پروت دی چه شا خواته ځاننگی او د څیری شا ته کوهان لرونکی غوا او دغه شکل لیدل کیژی او کین خواته د دغه پاچا نوم لیکل شوی دی (۷۷).

ب- د سکی د مخ په پورتنی برخه کښی پاچا د تاج سره چه د ورپخ څخه ښکاری له یوی جنگی خولی چه د اور لمبی د اوژو په سر معلومیژی او په ښی لاس کښی یی گرز نیولی دی د پاچا د سر شا ته دغه شکل (دویما کد فیزس سمبول) او لیکنی لیدل کیژی.

د سکی په شا د شیوا څیره چه دوه لاسونه لری او سیری ښه ښکاری خپل د سر ویشتان یی په خاص شکل پورته تړلی او د پړانگ پوست یی په کین لاس اچولی. دري څوکی غشی او د جگری تیر په خپل ښی لاس کښی نیولی. همدارنگه د سکی په شا د څیری

لاندى دغه سمبول او په خروشتى ليك (مهارجا ساراجا د هيراجا ماسترا والوگا اشوارا ساما همشوا را سا ويدا كد فيساسا تر تا را سا- يعنى لوى پاچا د پاچا هانو عالي پاچا دتولى نرى بادار او حكروا. د شيوافدائى ويدا كدفيزس. ساتندوى .۷۸

ج- د سكي مخه د پاچا نيمه تنه چه تاج يى په سردى او خيره يى د وريخ شخه برينبى له اوژو شخه يى د اور لمبى راوتلى او په بنى لاس كنبى يى گرز نيولى دى. دسكى په شا باندى. شيواف مخ كين لورى ته تاو كړى دي په بنى لاس كنبى يى درى خوكى غشى نيولى پر كين لاس باندى يى خادر چه شا خواته خانگى او د شيواف خت ته كوهان لرونكى غوا او بنى خواته يى هغه سمبول ليدل شو.

۲- طلائى سكي: د سكي په مخ پاچا پلترى (چار زانو) د وريخ د پاسه ناست دى.

سكى شا: د شيواف مخ كين خواته تاو شوى په بنى لاس كنبى يى درى خوكى غشى چه خادر په كين لاس شاخواته خانگى د شيواف بنى خواته كوهان لرونكى غواى او كين پلو ته يى سمبول ليدل كيږي.

دسكى په مخ پاچا يوه چوغه لرونكى جنگى خولى دوروخ دپاسه پلترى يى ناست دى مخ يى بنى خواته گرزولى په بنى لاس كنبى يى گرز نيولى د پاچا سر د درى سر لرونكى غشى په واسطه احاطه شوى. كين پلو ته دهغه سمبول برينبى او دغه ليكنه لرى (بسلون او ايمو كدفيسس) .۸۰.

د سكي په شا باندى د شيواف خيره چه مخ يى كين خواته گرزولى په بنى لاس كنبى يى درى خوكى غشى چه په كين لاس باندى يى خادر لاندى شا خواته خانگى ليدل كيږي د شيواف بنى خواته كوهان لرونكى غواى او كين خواته يى د هغه سمبول ليدل كيږي.

۳- د دى طلائى سكي په مخ پاچا په تخت باندى ناست دى او د سكي خت شيواف خيره چه دوه لاسه لري برينبى.

د سكي مخ باندى پاچا جوغه يا تاج لرونكى جنگى خولى په سر كړي په تخت ناست دى او سريى كين خواته تاو كړى. د اور لمبى

د اوژی څخه ووتلی په ښی لاس کښی یوه ټوټه. د پښو لاندی کوچینی څوکی ایښی ده دسکی ښی خواته دهغه علامه او کین پلوته یو کرز لیدل شویدی او دغه لیکنه (بسلویوس او ایمو کدفیسس لری).

د سکی شا باندی د شیوا څیره چه مخ یی کین خواته کرزولی په ښی لاس کښی یی دری څوکی غشی چه په کین لاس باندی یی خادر لاندی شا خواته ځانگی دشیوا ښی خواته کوهان لرونکی غوای او کین لوری ته یی دهغه نښه لیدل کیژی (۸۱).

۴- د دغی طلائی سکی په مخ باندی د پاچا سر ښی خواته تاو شوی دی د دغی سکی ساختمان مربع شکل لری او د سکی شا

باندی یی دری څوکی لرونکی غشی د جنگی تبر سره یو ځای لیدل کیژی دسکی په سر دپاچا سر چه ښی خواته یی تاو کړی دعوامیژی بر سیره په دغه نوم بسلیوس او ایمو کدفیسس او د سکی په دری څوکی لرونکی غشی ولاړ دی تر څنګ یی کین لوری ته یو جنگی تبر او کرز دغشی ښی خواته لیدل کیژی دسکی

ښی او کین خوا ته دهغه علامی او دغه خروشتی لیک (سا) او راجا دهیرا جاساویما کدفیساسا لیدل کیژی. ۵- په دغه د طلائی سکی کښی پاچا په فیل باندی ناست دی او

په یونانی رسم الخط د سکی په مخ کښی بسلیوس او ایمو کدفیسس د شیوا څیره چه مخ یی کین خواته اړولی په ښی لاس کښی یی دری څوکی غشی چه په کین لاس باندی خادر لاندی شا خواته ځانگی د شیوا شا ښی پلو ته کوهان لرونکی غوا او کین لوری ته یی دهغه سمبول لیدل کیژی (۸۳).

۶- په دغه طلائی سکه کښی پاچا په یوه گاډی کښی چه ددوه اسو په مرسته لیژدول کیژی ناست دی په ښی اوږه باندی یو کرز ایښی او یو کوچنی گاډیوان د پاچا مخ کښی لیدل کیژی. د سکی په شا کښی د شیوا څیره څرنګه چه په پنځم نمبر سکه کښی تشریح شو لیدل کیژی (۸۴).

۷- الف: د دغی مسی سکی پر مخ د پاچا څیره چه خپل لاس د مذبح (د قربانی ځای) باندی ایښی او د سکی په شا شیوا له دوه لاسو سره لیدل کیژی. د سکی په مخ پاچا په سر یوه

اوژده تاج لرونکی خزلی، اوژده کرتی د سکی کین خواته ولاردی خپل بڼی لاس یی په مذبج بانندی اینبی کین خواته یی دری خوکی لرونکی غشی له یوه جنگی تبر سره د یوه گرز لیدل کیژی د سکی بڼی خواته دهغه سمبول او کین خواته دغه لیکنه اوایموکد فیسس بسلیوس بسلیون نیکاتاس یعنی ویما کد فیزس د پاچا هانو پاچا او لوی ژغورندوی لیدل کیژی د سکی شا بانندی د شیوا خیره چه مخ یی کین خواته اړولی په بڼی لاس کبڼی دری خوکی غشی په کین لاس بانندی یی خادر شا خواته لانندی خانگی د شیوا بڼی لوری ته کوهان لرونکی غوای (نندی) او کین خواته یی دغه سمبول برینسی (۸۵).

ب- نقره ای سکه: د سکی په مخ پاچا په یوه فیل بانندی ناست دی د سکی په مخ داسی بسلیوس اوایمو کد فیسس لیکل شوی (۸۶). د ویما کد فیزس نیمه تنه چه په سړی مخروطی ډوله خولی لیدل کیژی او د سکی په مخ دغه لیکنی (لوی پاچا، د پاچا هانو ستر پاچا او د کوشانیانو مشر) لیکل شوی (۸۷) ښکاره خبره ده چه د سکی په شا لږ څه توپیر شته ځکه د سکو په شا زیاتره د لارډ شیوا او یا د هغه سمبول (نندی) دری خوکی لرونکی غشی یا جنگی تبر اختصاص ورکړ شوی. په ځینو دغو سکو کبڼی رب النوع یوازی ولار دی او په ځینو کبڼی شیوا له خپل نندی سره لیدل کیژی. دویم کد فیزس په طلائی مسکو کاتو کبڼی چه د دینا شورمه برخه ده یوازی دری خوکی لرونکی غشی او جنگی تبر سره یو ځای معلومیژی. یونانی کتیبی د سکو په مخ چه زیاتره پاچا دنان معرفی کوی. په طلائی سکو کبڼی دغه نوم بسلیوس او ایمو کد فیزس بسلیوس. سلینون سوتر ویکاس او ایموکد فیزس په مسی مسکو کاتو کبڼی د ډول لیکنی شته. شمارینگه د خروشتی رسم الخط کتیبی د سکو په شا او د پاچا پوره یا نیمه تنه اصالی شکل لیدل کیژی لکه (مهارجا سادهمیراجا ساسر والوگاشوارا ساما هیشواراسا ویماکد نیساسا ترا تاراسا). او د سرکپ (تاکسیلا) په نقره ای سکه کبڼی دغه ډول لیکل شوی دی (لوی پاچا، د پاچا هانو پاچا او د کوشانیانو مشر (۸۸).

د ویما کد فیزس د نذهب:

ویما کد فیزس د شیوا ډیر پوځ هوا خوا وه څرنکه چه ویما کد فیزس په هیلو ټولو مسکو کاتو کبسی شیوا او د هغه سمبول (نندی شوای) شکلونه لیدل کیژی. شیویزم په ټول هند کبسی تر اوژدی مودی او حتی نن هم مقدس او درناوی یی کیژی. او ده په ډیر شوق او ذوق سره دغه مذهب ومانه ویما کد فیزس خپله ځان د شیوا هوا خوا یعنی (ماهشوا راسا) بولی.

سوداگری: د کجولا کد فیزس او ویما کد فیزس فتوحات لودیځ او ختیځ ځواته د هند او درومن امپراتوری مینځ کبسی ځمکنی نسب اوتی اړیکې ټینگی شوی. سوداگری مستقیماً په منځنی اسیا کبسی پنوا هم د نورو قبایلو او قومونو د فتوحاتو له کبله موجود وه او د ډویر څلورنو اوفتوحاتو په دغو لاند نیو ځایو کبسی سوداگری اړیکې پیاوړی کړی دی لکه باختر، د کابل سیمی، پنجاب (دیمنا سیمی او د پورتنی گنکا سیمی) او حتی د سوداگری اړیکې له گنکا څخه تر فرات پوری پیاوړی کړی وی. د سوداگری اسانتیاوی په دی دلیل وه چه دروم او پارتي هیوادو مینځ کبسی د صلحی پیمان په ۶۳ میلادی کال کبسی په نښه شو او دغه پیمان د نیمی پیری د پاره دوام درلود (۸۹). هندوستان له روم سره د سوداگری نښی اړیکې درلودی هند له دی کبله ډیری گتی تر لاسه کړی (۹۰) نتیجه داسی شوه چه د سوداگری اړیکو له مخی هندی سوداگرانو له روم څخه ډیری طلاوی راوړی (۹۱). باید وویل شی چه د سوداگری پراختیاد کوشانی د دوه لمړنیو پاچاهانو د سکو خپریدل وه. کجولا کد فیزس یوازی برونزی او مسی سکی خپری کړی حال دا چه ویما کد فیزس سر بیره په دی سکو طلائی زیات مسکو کات یی خپری کړی.

د ویما کد فیزس جانشینان:

د ویما کد فیزس د جانشینانو د نوم په هکله دلرغون پوهانو مینځ کبسی اختلاف شته. کونو عقیده لری چه د کوشانیانو د امپراتوری تجزیه کیدل وروسته د ویما کد فیزس او مهاراجا جیهو نیکاد مړینی څخه وروسته پیل شو. جیهو نیکا یو حقیقی پاچا په ۱۰۷۴ یا ۱۰۸۱ میلادی کال کبسی وه (۹۲).

(لوهوزین دی لیوی) هم داسی عقیده لری چه د جیهو نیکا د سلطنت دوره دیر لږ وه دجیهو نیکا پاچاهی دویم کد فیزس او کنیشکا یاد دری کوشانی شاهانو د پاچاهی مینځ کبسی وه (۹۳) د دغو دری کوشانی شاهانو پاچاهی په گډه تقریباً سل کاله وه لوهوزین دی لیو په نظرچه پورته د هغه څخه یادونه وشوه په (پورانانا (Purana)) کبسی هم لیکل شوی چه د نه موری پوه نظر تائید او تصدیق کیزی. همدارنگه د پوهانو مینځ کبسی اختلاف شته د (توخارا (Tukhara)) د پاچاهانو په لست کبسی په (یوولس او دولس یا خوارلس) نومونه شته داسی تشریح شوی په حقیقت کبسی د کد فیزس پاچانوم د هند پاچا هانو د کرو نولوژی په لست کبسی نشته. لوهوزین دی لیوی لیکي چه پرمنی پاچا (کافاند) د ده زوی (لریاند) او نمسی (راسال) چه په محمل التواریخ کبسی معرفی شوی همدارنگه پاچا (کیشن) د ده زوی پاچا (مهارجا) او دمهاراجا وراره (کیدراجا) چه د فرشته په تاریخ Ferishta کبسی معرفی شوی له کجو لاکد فیزس ، ویم کد فیزس او جیهو نیکاسره یو شان بولی مگر دغه پیژندنه حقیقت نه لری څرنگه چه دغه نومونه مقایسه شول د دوی په نومونو کبسی لږ تشابهه او ورته والی هم نشته. حقیقت دا ده څرنگه چه د تاکیسیلا ۱۳۶ کال په نقره ای کتیبه کبسی څرگند شوی چه ویم کد فیزس په دغه وخت کبسی پاچاهی کوله (۹۵) او (۲-۲۳) تاریخ په کتیبه کبسی چه د کنیشکا په وخت کبسی خپری شوی (۹۶) د کنیشکا په هکله ځینی پوره او کافی شواهد را په گوته کوی په دی ډول کنیشکا د یوه نوی سیستم بنسټ ایښودونکی په هغه وخت کبسی وه. دغه تشریح او تفسیر د هغه اسنادو او شواهدو له مخی کوم چه د (زیدا (Zeda)) د یوولسم کال په ډبرلیک او د (اوند (Und)) د ۶۱ کال په ډبرلیک کبسی (۹۷) ورکړ شوی تائید شوی، په پای کبسی په غوڅه توگه ویل شویدی چه کنیشکا وروسته د ویم کد فیزس د مړینی څخه په اتفاقی توگه په ۷۹ میلادی کال کبسی په تخت کشیناست چه دغه تاریخ د ساکا د کورنی پیل دی.

پاورقی:

- ۱- (کیوتسیو کیو (kieu Tiseou.kio) کجو لاکد فیزس د اتیا کلو په عمر
 مړ شو د هغه خوی (یان کاو تچین) د سلطنت
 HHC, Chap.118 (Yen kao Tchin) په تخت کشیناست
 Translate by specht. JA,1883, P.324 IA. 109. p. 417.
- ۲- CBM, P. 125. pl' xxv'9.
- ۳- HHC. Trans by specht.
- ۴- see' chap.3
- ۵- GT. p. 79. IA. p. 83, ASI-AR'
- ۶- پاکورس گوندا فارن وارث وه.
 ASIAR' 1912-13. pl. xl 45.46. Nos. 45 47-p.51 CH.vol
 I. p. 850
- ۷- ۸- اسپه د اسپه ورمین چه د گوندا فارن په عصر کبسی د
 قدرت خاوند وه. او د خپل وراره (ساساس) له خوا چه هغه
 د پاکورس په وخت کبسی د تاکسیلا والی وه مغلوب کری شو.
 SA. chap. 6. vide IA. 1903. p.385.
- ۹- see Bibleography.
- ۱۰- ۱۱- دغه خای چه پخوانی پتالیپوترا یو بناره وه چه اوس د
 پتنه په نامه یادیږی (25-7. N. 85. 13E)
 Ei, vol, xxiv. pp. 210 12e
 year) Ei, vol, vii. pp. 173-
 81 (year3).
- ۱۲- د کوسام او سرن د برلیکونه د کنیشکا په وخت کبسی جوړشوی
 کوسام د پخوانی (کوشامبی) د جمنادسین په غاره نژدی
 اله آباد او سرن تقریباً د خلورومیل په واتن د بنارس په شمال
 کبسی موقعیت لری.
 see. chap. 5.
- ۱۳- ۱۴- بگرام د کابل په شمالی سیمه کبسی د ۲۵ میلو په واتن پروت دی
 JASB.III.p.184.
 JASB. 1881, p. 152.v. pp.537
- ۱۵- ۱۶- JRAS. 1915. pp. 195-96

- ۷۷- JASB. 1881. p. 184
- ۷۸- ASIR. vol. xx. p. 37
- ۷۹- PASB. 1896. p. 100.
- ۲۰- ASIR. vol, XII.p.43 ددغه قدیمی ښار پاتی برخی نژدی
اله اباد ته موندل شوی.
- ۲۱- Ehi. p. 252
- ۲۲- ASIR, vol, xii. p. 43
- ۲۳- EHI. p. 252.
- ۲۴- Ibid
- ۲۵- اوزن چه داوچین نوم دی چه اوانتی پخوانی نومیالی ښار
سانسکریت نوم وه چه اوس داوچین په نامه یادیزی چه په هغه
وخت کښی د سوداگری لوی بازار وه.
- ۲۶- باریگازا (اوسنی بروج) چه د سوداگری یولوی بازار اوبندر
د نرمادا د سین په غاړه وه. چه اوس د دیرش میلو په واټن
له بحیری څخه د سین په شمالی برخه کښی موقعیت لری. چه په
یونانی ژبه باریگازا یا باریکوسابه نامه یادیزی چه په هندی
باریکو چه په نامه یادیزی. دغه نوم د سانسکریت
(برگوکشترا) له کلمی څخه اخیستل شویدی.
- ۲۷- POES. P. 270
- ۲۸- کجو لاکد فیزس په (۵۰) میلادی کال کښی مړ شو چه
ویما کد فیزس د هغه وارث وه.
- ۲۹- POES. 38. p. 270
- ۳۰- بار باریکم یا (باربازیکون) د بار باری په نامه د پتولمی له
خوا یاد شوی. چه یو لوی سمندری بندر وه چه د اندوس
سین مینځ کښی پروت دی. دهغه موقعیت له دیروسو سره
نژدی کراچی ته پیژاندل شوی ایلپوت او کنگهم د باربازیکون
ښار د بامبارا په پخوانی ښار کښی پروت دی او موقعیت یی
د کراچی او د تاتار ښارو مینځ کښی وه. دغه پیژندنه امکان لری
چه حقیقت ولری څرنکه چه دهغه د کیندنو لپ کښی چه په
دی نژدی وختو کښی دپاکستان د لرغونپیژندنی په مرسته د

- (بامبور) په ښار کښی وشوی خرگنده شوی چه په حقیقت په هغه وخت کښی دغه لرغونی ځای ډیر لوی ښار وه.
The Tribune dated. 19. 1.59. p.1.
- ۳۱- IA. 1929. p. 110
- ۳۲- د قدیمی ساکا د تاریخ په قول 79-81 p. 1. C.II. vol. II, pt. 1. cf. IA. 1929. p. 110
- ۳۳- د سیتو - پارتي یا دوکراماد تاریخ په قول.
cf. sp. pp. 11-13
- ۳۴- IA. 1929. p. 110.
- ۳۵- کنیشکا وروسته د ویما کد فیزس دمړینی څخه په ۷۹ میلادی کال کښی د سلطنت په تخت کشیناست.
- ۳۶- HHC. Trans. by. specht JA, 1883. p. 324. IA. 1903. p. 417
- ۳۷- NC. 1892. p. 71.
- ۳۸- CCIM. p. 69. pl. x.1.7. Ib- id. p. 68. No.6.
- ۳۹- CIB. pl. III. 6
- ۴۰- CHI, vol. I. pp. 580-81
- ۴۱- د باکان یا واکان مشر چه اوسنی واخان ته ویل کیده چه د افغانستان په شمال ختیځ کښی پروت دی.
- ۴۲- ASIRA' 1911-12. pp. 120-33
- ۴۳- ویما د واما تا کشاماپه نامه یاد شوی.
- ۴۴- CIB. pl. IVI.3
- ۴۵- ASIAR. 1911-12. pp. 124-25
- ۴۶- پنجتار په اندوس یعنی دلودیځ پاکستان د پیښور او هزاره په سرحد کښی موقعیت لری.
- ۴۷- کالوان په تاکسیلا کښی د (سربخ) په جنوب ختیځ کښی پروت دی.
EI, vol' XXI. pp. 251-59
- ۴۸- EI, vol' XIV. pp. 235-95
- ۴۹- ASIAR' 1911-12 pp. 124-125.
- ۵۰- Samvatsaraye 134. Ajasranavasa masasa Ei, XXI. p. 251-59
- ۵۱- سام ۱۳۶ ایاسا اشادساما ساسا
FI, XIV. pp. 285-95.
- ۵۲- JBORS. 1937. pp. 216-68. sp. p. 13.

- CII. vol. II. p. pt. I. p. 70. -۵۲
 Ibid. pp. 142-145. -۵۴
 CII' vol' II' pt. 1. p. xciii. -۵۵
 EI, XXI. p. 254. -۵۶
 GT. p. 52. JRAS, 1914. pp. 973, 86 -۵۷
 CIB. pl' III. 5 -۵۸
 CHI' vol. II. 582 -۵۹
- ۶۰- کنیشکا د وکراما د عصر په ۱۳۶۶ چه له ۷۹۹ میلادی کال سره سمون خوری د (اشادا) د میاشتی پنځلسمی نه وروسته د سلطنت په تخت کشیناست. د ساکاتاریخ کبني د دغه نوم څخه وروسته د هغه د مړینی څخه یادونه شوی چه د هغه مړینه د د وکراما د تاریخ په قول وشوه.
- ۶۱- یو زیات شمیر مسکوکات چه د ویما کد فیزس او د هغه د نیکونو دی د سرکپ په سیمه کبني لاس ته راغلی دی مگر له بده مرغه د هغه د جانشینانو او وارثینو نه دی موندل شوی.
- EI, vol' XIV. 285-95. -۶۲
 JRAS. 1914. p. 973-86 -۶۳
- NC' vol, XII, 1892. pp. 66-67. pl. IV. 9-12 -۶۴
 JNSI' vol' IX. aii, pp. 79-80 -۶۵
 CII' vol' II. pt. I. p. 1xvii -۶۶
 Appendix I -۶۷
 Ibid -۶۸
 MDM. p. 104. -۶۹
 See. Chap. II -۷۰
 POES, 47. pp. 41-42 -۷۱
 See. Chap. II -۷۲
- Herodutes History, BK.III. 102-105, vide Aicl. pp.24. -۷۳
 JNSI, XXII, 1960. pp. 63-74. -۷۴
 Ibid. p. 78 -۷۵
 See photograph. 5 -۷۶
 CCIM. p. 68. No. 1 COMB.p. 125. 5. pl. XXV.9 -۷۷

- CCIM. p. 68. No. 4. pl. XI. 5 -۷۸
- CBM. p. 125. No.4. p. XX- V. 8 -۷۹
- CBM. p. 125. No. 2. -۸۰
- CBM. p. 124. 1. pl. XXV. 6 HHA. p. 238. -۸۱
- CCIM. p. 68. pl. XI. 6 -۸۲
- BMQ, vol, VIII, p. 73 vide BIC. P. 53 -۸۳
- CK. vol. 3, p. 8 -۸۴
- HPS. p. 379 -۸۵
- CBM. p. 126. No. 12. pl. XXV, 12 -۸۶
- Ibid. p. 69. pl. XI. 7
- CCIM. p. 68
- CBM. p. 126. pl. XXV. II -۸۷
- ASIAR. 11912-13. p. 51 -۸۸
- Ibid -۸۹
- POES. p. 8. Ibid, 39. p. 38 -۹۰
- POES. p. 219. -۹۱
- ۹۲- کونو عقیده لری چه د جیهونیکا د دبرلیک د ۱۹۱۰
تاریخ د تاکسیلا د دبرلیک له ۱۰۷-۱۰۸ تاریخ سره چه میلادی
کلو سره سمون خوری.
- ۹۳- نوموړی میرمنه وائی چه جیهونیکا د دغه گروپ غړی دی
یعنی کجو لاکد فیزس، ویماکد فیزس او جیهونیکا
- Ibid -۹۴
- See. S. No.3 of part A in Appendin I -۹۵
- See. p. 59. -۹۶
- See. chap-Astronomical evidence. -۹۷



خواتنه گرامی :

بنا به معا ذیر تخنیککی وطباعتی که نتوا نستیم سلسله
 نشر مضمون «کتا بشناسی کو شانی» را ادامه دهیم،
 پوزش می خواهم امیدوارم در مورد به نظر عفو بنگرید.
 «اداره مجله»

ACKU

MINISTRY OF INFORMATION
AND CULTURE

*International Center
For Kushan Studies*

Kabul

July, 1982



Address:

Ministry of Information and Culture

International Center

For Kushan Studies

(مطبعه دولتی)

ACKU

Jahan

DS

451

ت 73

۲۱

Tahqiqat-e-Kushani

International

Center of Kushan

Studies

EDITOR:

Ghani Nik—Sear

۹۴